



سهم واقعی وزیر امور خارجه در سیاست خارجی چیست؟

صداق

عید سعید فطر مبارک باد

هفته نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و یکم | شماره ۹۹۸ | دوشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۰ | ۲۷ رمضان ۱۴۴۲ | ۱۰ مه ۲۰۲۱ | ۱۶ صفحه

نسیم اسدپور



فرهنگ ۱۳

احضار در شب های کرونایی!

مهدی سعیدی



جمهور ۴

گزینه های پیدا و پنهان!

علی حیدری



سرمقاله ۲

موازنه به نفع فلسطین

نگاه ۲

در مذاکرات احیای برجام در وین چه می گذرد؟

خطر ترجیح منافع جریانی بر منافع ملی

عضو هیئت عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام

مرجع اعلام شاخص های رجل سیاسی شورای نگهبان است

دیدگاه ۳

رقابت برنامه ها

۸-۹

کدام رویکرد و برنامه مشکلات کشور را حل می کند؟

پرونده

حسین صمصامی کارشناس مسائل اقتصادی

تولید ملی کلید حل مشکلات اقتصادی

سیدمصطفی خوش چشم کارشناس مسائل بین الملل

دیپلماسی مقاومت قدرت ساز است



جهان ۵

صبح صادق آخرین تحولات منطقه غرب آسیا را واکاوی می کند

تلاش برای کاهش تهدیدات در جورجین منافع آمریکایی

معاونت سیاسی سپاه برگزار می کند

مسابقه بزرگ بصیرت در انتخابات ۱۴۰۰

اطلاعات تکمیلی در شماره آینده منتشر می شود

سر مقاله

موازنه به نفع فلسطین

علی حیدری

سردبیر

همزمان با روز جهانی قدس که روز ابراز انزجار و تنفر ملت‌های مسلمان از جنایت‌ها و خبیثت‌های رژیم صهیونیستی علیه ملت مظلوم فلسطین و ملت‌های مسلمان منطقه است، موضع‌گیری پرسش‌گونه و تأمل‌برانگیزی از سوی یک چهره سیاسی و استاد دانشگاه که به شادگویی رسانه‌ای شهره است، در فضای مجازی مطرح شده است؛ مبنی بر اینکه در نتیجه تمامی تلاش‌های ما در جهت نابودی اسرائیل در چهل و دو سال گذشته، آیا امروز اسرائیل نیرومندتر از گذشته نشده است؟! علمای علم سیاست در تعاریف علمی، قدرت ملی را ابزار و وسیله تحقق اهداف برای تأمین منافع ملی می‌دانند. در این میان قدرت یا نیروی نظامی یک کشور هم از عناصر تشکیل‌دهنده قدرت ملی به شمار می‌رود و به همین دلیل بخشی از قدرت ملی به حساب می‌آید، ضمن اینکه قدرت نظامی مظهر قدرت ملی است.

با توجه به این چارچوب، می‌توان قدرت کشورها را سنجید و در موارد مورد نیاز با یکدیگر مقایسه کرد و تطبیق داد. مؤسسه «گلوبال فایر پاور» که در رتبه‌بندی ارتش‌های جهان شهرت دارد، هر ساله گزارشی را در این زمینه منتشر می‌کند که مورد استناد مراکز رسانه‌ای و علمی قرار می‌گیرد. در رتبه‌بندی ارتش‌های جهان از به عبارتی قدرت نظامی کشورهای جهان از سوی این مؤسسه در سال ۲۰۱۰ میلادی، رژیم صهیونیستی در رتبه ۱۵ و ایران در رتبه ۱۶ قرار داشته است. جدیدترین گزارش این مؤسسه نشان می‌دهد، در سال ۲۰۲۱ قدرت نظامی ایران در رتبه ۱۴ و رژیم صهیونیستی در رتبه ۲۰ قرار دارد. گلوبال فایر پاور در این گزارش رتبه‌بندی جایگاه قدرت نظامی کشورهای غرب آسیا را هم مشخص کرده که بر اساس آن ایران پس از ترکیه و مصر در رتبه سوم قرار دارد و رژیم صهیونیستی بعد از عربستان سعودی در رتبه پنجم قرار گرفته است. ناگفته نماند که این رتبه‌بندی‌ها حاصل محاسبات صرف امکانات، تجهیزات و توانمندی‌های نظامی کشورهاست و عناصر معنوی و نرم قدرت دفاعی و نظامی در آنها لحاظ نمی‌شود.

اما در تحلیل عناصر قدرت ملی یک کشور مسائل دیگری نیز دخیل هستند که از جمله آنها جغرافیا و ژئوپلیتیک، روحیه ملی، رهبری، ساختار سیاسی، توان اطلاعاتی و امنیتی، راهبردها و دکترین‌های سیاسی، نظامی و... است. شکست‌دگی و آسیب‌پذیری در سیستم امنیت ملی رژیم صهیونیستی و به تعبیر فرمانده کل سپاه «ترکیدن حباب امنیت ملی» این رژیم با آشکار شدن نقاط ضعف و حفره‌های بزرگ امنیتی و ناکارآمدی گنبد آهنین صهیونیست‌ها که در حوادث دو هفته اخیر در سرزمین‌های اشغالی نمایان شد و چالش‌های سیاسی در سرزمین‌های اشغالی که منجر به برگزاری چهار انتخابات در دو سال گذشته شده و عملاً نشان‌دهنده بن‌بست سیاسی در این کشور است، در کنار نظاهرات اعتراضی بی‌دری شهرک‌نشینان علیه بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر این رژیم نشان‌دهنده در ماندگی این رژیم در اداره امور خود است. همانطور که امام‌خامنه‌ای در سخنرانی زنده تلویزیونی خود به مناسبت روز جهانی قدس با اشاره به این که حرکت نزولی و رو به زوال رژیم دشمن صهیونیستی آغاز شده، به جوانان عرب پشارت دادند: «امید به پیروزی، امروز از همیشه بیشتر است؛ موازنه قوا به نفع فلسطینی‌ها به شدت تغییر کرده است...»

سه نکته مهم درباره نحوه مواجهه رهبر معظم انقلاب با اظهارات منتشر شده محمد جواد ظریف

سه مهم واقعی وزیر امور خارجه در سیاست خارجی چیست؟

قطعی و صاحب رأی این شورا است و با توجه به ظرفیت کارشناسی وزارت خارجه و برخوردار بودن از بیش از هزار کارشناس، می‌تواند پیشنهادهای پخته کارشناسی در حوزه سیاست خارجی را به این شورا بدهد و به میزانی که روی طرح یا نظر خود کار کارشناسی صورت داده، می‌تواند به تصویب آن در شورا امید داشته باشد. بنابراین درست است که فقط وزیر یک رأی دارد؛ اما با ارائه بحث کارشناسی قوی می‌تواند به راحتی موافقت دیگران را در طرح‌ها یا نظراتی که می‌دهد به دست آورد. حتی با فرض اینکه ساختارهای مجلس و دولت جنبه جناحی داشته باشند و نوعی رقابت میان آنان باشد، مجلس فقط یک عضو در این شورا دارد و حال آنکه دولت به تنهایی حداقل پنج عضو صاحب رأی در این شورا دارد. از سوی دیگر اگر به فرآیندهای تصمیم‌گیری در کشور نظر ببندیم، درمی‌یابیم که ریزینی نهادها و افراد با یکدیگر هم نقش مهمی در پیشبرد امور یک دستگاه مسئول در کشور دارد و لذا به وضوح می‌بینیم که وقتی یک فرد اهل تعامل به جای فردی غیرمتعامل منصوب می‌شود، تحول اساسی در کار آن دستگاه پدید می‌آید. پس در اینجا وزیر امور خارجه از سه امکان برخوردار است؛ عضویت و صاحب رأی بودن در شورایی عالی امنیت ملی به عنوان نهاد تصمیم‌گیر در حوزه مسائل سیاسی و امنیتی کشور، دیوان‌سالاری تخصصی گسترده‌ای که در اختیار دارد و تعامل و ریزینی با نهادها و افراد دیگر.

پرونده دکتر ظریف در اینجا بسیار تأمل‌برانگیز است. اظهارات ششم اسفند ماه ظریف از یکسو بیان‌کننده یک‌دندگی ایشان در مسائل و بی‌توجهی به جایگاه حقوقی خود است و از سوی دیگر نشان‌دهنده ضعف ایشان در افتخار دیگران است که خود از ضعف نگرش و استدلال‌های او حکایت می‌کند؛ همچنین ضعف ایشان در ارتباط‌گیری با نهادها و افراد را نشان می‌دهد. اینها خصوصیات مهمی هستند که نه فقط سبب ناکامی ظریف در انجام مأموریت‌ها می‌شوند، بلکه وضعیتی خسارت‌بار را هم برای کشور رقم می‌زنند. دقیقاً همین خصوصیات آقای ظریف سبب تحمیل برجام به جمهوری اسلامی شد و همین خصوصیات سبب پیش آمدن شرایط بعدی. بعد از خروج آمریکا از برجام شد. ظریف که مدعی مجتهد بودن در سیاست خارجی است، نتوانست بفهمد که اعضای کری تضمین نیست و در این راه به سخنان منتقدان که همین نکته را به او یادآوری می‌کردند، وقعی ننهاد. ظریف به دلیل همین خصوصیات نتوانست بفهمد که با اروپا نمی‌تواند آمریکا را به بازگشت به تعهدات برجامی خود وادار کند و لذا دو سال دیگر هم وقت مملکت تلف شد.

اما آنچه در سخنان رهبری آمد یک اصل بسیار بدیهی سیاست خارجی در دنیا بود؛ یعنی در همه کشورها وزارت امور خارجه، «مجری» سیاست‌های کشور در عرصه بین‌الملل است، کما اینکه این در مورد بقیه وزارت‌خانه‌ها هم صدق می‌کند و همه آنها مجری سیاست‌های کشور هستند. اجرا هم یک موضوع کم‌اهمیت نیست که تصور شود فردی که سیاست‌گذار نیست، بالتبویه فرد مهمی نیست یا کار مهمی ندارد. مقام اجرا و دایره آن نوعاً از مقام سیاست‌گذاری و دایره قدرت سیاست‌گذار بالاتر است. همین الان در کشور ما یک قوه سیاست‌گذار داریم که قوه مقننه است و یک قوه مجری سیاست‌داریم که قوه مجریه است؛ اما با وجود این، با توجه به اینکه بودجه و نیروی انسانی کشور، عمدتاً در اختیار قوه مجریه است، هر نماینده مجلسی آرزوی می‌کند وزیر باشد و هر رئیس مجلسی آرزوی می‌کند رئیس جمهور باشد. بنابراین مقام اجرا نه تنها اهمیت کمتری از مقام تصمیم ندارد؛ بلکه در جنبه‌هایی از آن مهم‌تر هم هست و همه هم می‌دانند و تصدیق می‌کنند که یک قانون بسیار خوب با اجرای ضعیف یا با اجرای بد به ضد خود تبدیل می‌شود و ضمناً این‌طور هم نیست که یک وزیر خارجه در لحظه‌لحظه کاری که در حوزه دیپلماسی انجام می‌دهد یا تصمیم‌گیری از سوی نهاد بالادستی مواجه باشد و لذا به طور طبیعی لاقابل‌سه‌چهارم تصمیمات اصولاً در نهاد بالادستی مطرح نمی‌شود تا به مصوبه‌ای منجر شود.

بعضی با شیطنت وانمود کرده‌اند که اینکه در سخنان رهبری تحت عنوان «مراجع بالادستی» مطرح شد، در واقع اشاره ایشان به جایگاه رهبری است و این در حالی است که به جز در موارد خاص که در اصل ۱۱۰ قانون اساسی ذکر شده، این مرجع بالادستی در واقع «شورای عالی امنیت ملی کشور» است که دایره اختیارات و اعضای آن در اصل ۱۷۶ قانون اساسی ذکر شده است. در این خصوص باید گفت نهاد اجتماعی شورای عالی امنیت ملی، نهاد رهبری نیست؛ چرا که طبق قانون بیشتر اعضای آن به طور ساختاری انتخاب می‌شوند که سهم دولت در این نهاد ده نفره، پنجم نفر است و به ریاست رئیس جمهور تشکیل و مواردی بنا موافقت رئیس جمهور در دستور کار این شورا قرار می‌گیرد. در این نهاد سران دو قوه دیگر و دو نماینده رهبری به همراه رئیس ستاد کل نیروهای مسلح حضور دارند.

سؤال این است که نقش وزیر امور خارجه در شورای عالی امنیت ملی چیست؟ وزیر امور خارجه، عضو

انقلابی خواندند؛ ولی در اینجا، رهبری انتقادات صریحی را متوجه وزیر و حتی وزارت خارجه کرده و از عباراتی مثل «دیپلماسی انفعالی» هم استفاده کردند، ولی در نهایت بدون بیان هیچ کلمه ملاطفت‌آمیزی که بار روانی این انتقادها را نسبت به فرد مورد انتقاد کاهش دهد، به سخن خود خاتمه دادند و این خود یک پدیده بود و از شدت ناراحتی رهبری از اظهارات این فرد خبر می‌دهد.

وقتی به متن سخنان دکتر ظریف نگاه می‌اندازیم، درمی‌یابیم که برخلاف موارد تلخ دیگری که در بخش قبل به آنها اشاره شد، این بار یک مقام مسئول-و نه منتقد و مخالفی مثل منتظری-از یک سو در بحوحه مذاکرات حساس وین و در شرایطی که آمریکا روی قدرت منطقه‌ای ایران تمرکز یافته و انجام تعهدات برجامی اش را به عدول ایران از مواضع خود در حوزه سیاست خارجی مشروط کرده است، وزیر امور خارجه‌ای که باید با اشاره و تکیه بر قدرت ایران، صحنه مذاکرات را به سمت تأمین منافع ملی سوق دهد، خود قدرت منطقه‌ای ایران را در نقطه مقابل منافع ملی و مضر به حال مردم ایران معرفی می‌کند. از سوی دیگر برخلاف موارد قبل، در این صحنه به طور مستقیم به رهبری جفا نشده؛ بلکه به شهید بزرگی جفا شده که هر آنچه رهبری برای شکل‌گیری قدرت ایران و قدرت اسلام می‌خواسته را به منصف ظهور رسانده و در این راه هم به دست اشقی الاشبکیاد آمریکا به شهادت رسیده و حالا یک مقام رسمی کشور به این ساحت مقدس تعرض کرده است! اینجا دیگر صحبت از جسارت به رهبری نیست- اگر چه به طور غیرمستقیم جسارت علیه رهبری هم هست- که رهبری فروتنانه از کنار آن بگذرند و مرتکب خطا را عفو کنند.

سخنان نسبتاً کوتاه رهبر معظم انقلاب در عین حال فرازهایی دارد که در این نوشته مجال و فرصت پرداختن به همه آنها نیست؛ اما یکی از فرازهای سخنان انتقادی رهبری نسبت به محمدجواد ظریف که به اساسی‌ترین نقطه در سخنان وزیر خارجه در این مصاحبه و چند مصاحبه دیگر برمی‌گردد، حوزه عمل وزارت خارجه است. رهبری فرمودند سیاست خارجی هر کشوری در مراجع بالادستی تعیین شده و وزارت امور خارجه با ابزارهای خود باید آنها را اجرایی کند. بعد از این سخنان، بعضی از سر شیطنت و بعضی هم از سر ناآگاهی نتیجه گرفتند، پس وزارت امور خارجه در جمهوری اسلامی هیچ‌کاره است! در اینجا باید گفت:



سعدالله زارعی

تحلیلگر ارشد بین‌الملل

مواجهه رهبر معظم انقلاب اسلامی با اظهارات ششم اسفند ۱۳۹۹- دکتر محمدجواد ظریف چند وجه داشت و گویا امام‌خامنه‌ای درباره وضع کنونی وزارت خارجه و عملکرد دکتر ظریف ناگفته‌های مهمی داشته و بنای بیان آن در فرصت مناسب داشتند و اظهارات وزیر امور خارجه سبب بیان این ناگفته‌ها شد. درباره ساختار و نحوه بیان آنچه رهبر معظم انقلاب مطرح کردند، نکات زیر تأمل‌برانگیز است:

رهبر معظم انقلاب اسلامی در نقد تلخی که به اظهارات محمدجواد ظریف داشتند، از بیان هر واژه‌ای که ضمناً وجهی از ملاطفت ایشان را هم نسبت به مخاطب یعنی آقای ظریف نشان دهد، خودداری کردند و این در جای خود بی‌سابقه بود و خود این شدت ناراحتی امام‌خامنه‌ای را از آنچه در اظهارات ظریف آمده بود، بیان کرد.

مشئی رهبر معظم انقلاب همواره این بود که وقتی عملکرد یک شخصیت داخلی را مورد انتقاد قرار می‌دادند، برای آنکه انتقاد رهبری سبب راه افتادن سیل حملات نشود، در انتهای بحث جمله ملاطفت‌آمیزی نسبت به فرد مورد انتقاد بیان کرده و از بحث خارج می‌شدند. برای نمونه در سال ۱۳۶۹ بعد از آنکه سیدعطاءالله مهاجرانی را به سبب نوشتن مقاله «مذاکره مستقیم» در روزنامه اطلاعات مورد انتقاد شدید قرار دادند، در انتها مهاجرانی را داخل خانواده انقلاب و نیرویی دلسوز خواندند. یک مورد دیگر بیانات رهبری در واکنش به سخنان فتنه‌انگیزانه آقای منتظری علیه ولایت فقیه و شخص رهبر معظم انقلاب اسلامی در آبان ماه سال ۱۳۷۶ بود که به دلیل سخنان منتظری، تلاطم شدیدی در کشور پدید آمد و راهپیمایی‌های خودجوشی سراسر کشور را فرا گرفت. در آن زمان رهبر معظم انقلاب در یک سخنرانی ضمن آنکه به اظهارات آقای منتظری درباره ولایت فقیه پاسخ دادند، در آخر فرمودند من از آنچه نسبت به شخص خودم شده، می‌گذرم و گلایه و شکایتی ندارم. یک مورد دیگر مواجهه رهبری با خود دکتر ظریف پس از وانهادن شروط نظام و به خصوص شروط رهبری در مذاکرات برجام بود که رهبری انتقاداتی را مطرح کردند و در آخر دکتر ظریف را فرزند خود و فردی دلسوز و



سیامک باقری

عضو شورای سیاست‌گذاری

صیخ صداق

دور چهارم مذاکرات ایران با ۴+۱ در وین از ۱۷ اردیبهشت آغاز شد و خبرهایی که تاکنون به صورت رسمی و غیر رسمی از مجموع مذاکرات در وین منتشر شده، بسیار مبهم و ضد و نقیض بوده است. در این وضعیت چند نکته قابل توجه است:

۱- فضای حاکم بر داخل ایران شاهد دو جریان تخیل‌گرا و واقع‌بین نسبت به فرآیند و نتایج مذاکرات وین است. جریان اول فکر می‌کند از طریق مذاکرات وین می‌توان آمریکا و اروپا را به تمکین خواسته‌های ایران و بازگشت آمریکا به تعهداتش بدون امتیاز جدید وادار کرد. نخله‌ای از همین جریان بر این باور است که ایران نباید

به برداشتن همه تحریم‌ها پافشاری کند و نباید بر اول آمریکا و بعد ایران اصرار کرد، اگر لازم شد امتیازاتی هم داده شود تا از فرصت بایتن استفاده شود. به کار بردن عبارت‌هایی، مانند «تحریم‌ها شکسته شده» از نشانه‌های خوش‌بینانه این جریان است. جریان دوم با علم به منویات اصلی آمریکا و اروپا و با تکیه بر تجربه سال‌های ۱۳۹۵ تا کنون و موقعیت برتر ایران و اعتراف آمریکا و غرب به شکست فشار حداکثری بر این اعتقاد است که نباید بار دیگر فریب غرب را بخوریم؛ بلکه باید اصرار کرد تا غرب همه تحریم‌ها را به صورت واقعی و راستی آزمایی شده و یکباره بردارد. این جریان واقع‌بینانه اعتقادی راسخ دارد که تحریم‌ها باید خنثی و رفع شوند، اما با راه مطمئن و مستحکم.

۲- فضای حاکم بر مواضع و عملکردهای طرفین مذاکرات به ویژه طرف غربی با دوره تصویب برجام بسیار شباهت دارد که سبب تصویب

خطر ترجیح منافع جریانی بر منافع ملی

در مذاکرات احیای برجام در وین چه می‌گذرد؟

۲۰ دقیقه‌ای برجام و نادیده گرفتن تدابیر رهبر معظم انقلاب و شورای عالی امنیت ملی شد. در این دور از مذاکرات مواضع، خواسته‌ها و عملکردهای مقامات کاخ سفید و کنگره آمریکا بسیار شبیه سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۶ است. برای نمونه، همان‌طور که در سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۴ کنگره آمریکا مخالفت علنی با برجام می‌کرد، در این دوره مخالفت‌شان بیشتر شده است.

۳- صراحت بیان غربی در زمینه عدم کفایت برجام ۲۰۱۵ نکته‌ای است که نمی‌توان از آن گذشت. محدودسازی برنامه موشکی ایران جزء اولویت‌های غرب است. حساسیتی که تاکنون همه مراکز راهبردی آمریکا و اروپا نسبت به این موضوع نشان داده‌اند، نمی‌توان به مذاکرات خوش‌بین بود. سال ۲۰۲۳ بر اساس برجام محدودیت‌های موشکی ایران برداشته می‌شود. آیا آمریکا و اروپا از این موضوع به سادگی عبور خواهند کرد؟

۴- مواضع آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها نشان می‌دهد، انتخابات ریاست‌جمهوری ایران برای‌شان بسیار مهم است. آنها سعی دارند با طرح پیشنهادهایی، مانند پیشنهاد جامع برای حل اختلاف برداشتن تحریم‌ها در بخش‌های کلیدی انتخابات ۱۴۰۰ را تحت تأثیر قرار دهند. «لودریان» وزیر خارجه فرانسه می‌گوید:

با توجه به در پیش بودن انتخابات در ایران برنامه فشرده‌ای داریم. «وندی شرمین» معاون وزیر خارجه آمریکا نیز امیدوار است که مذاکرات وین تا قبل از انتخابات ایران به نتیجه برسد. این مواضع سیگنال‌هایی است که نشان می‌دهد آنها طرح‌های موقتی دارند تا بتوانند از یک سو بر انتخابات ایران تأثیر مورد نظر را گذاشته و از سوی دیگر همچنان با برگ تحریم‌ها و استفاده از سازوکار برجام، برجام پلاس‌ها را به ایران تحمیل کنند.

مرجع اعلام شاخص‌های رجل سیاسی شورای نگهبان است

حسین چخماقی

خبرنگار



ابلاغیه اخیر شورای نگهبان قانون اساسی به وزارت کشور در خصوص شرایط داوطلبان انتخابات ریاست جمهوری بر چه مبنایی انجام شد؟

نص صریح قانون این است که تشخیص صلاحیت داوطلبان انتخابات ریاست جمهوری، مختص شورای نگهبان است و هیچ مرجع قانون‌گذاری دیگری نمی‌تواند در این زمینه قانون وضع کند. قانون اساسی مشخص کرده که داوطلب انتخابات ریاست جمهوری هم باید از رجال مذهبی و سیاسی کشور و هم دارای توانمندی‌ها و ویژگی‌هایی باشد. احراز این صلاحیت‌ها و شایستگی‌ها بر عهده شورای نگهبان است. سال‌ها بود این مطالبه از سوی طیف‌ها و جریان‌های سیاسی کشور وجود داشت که شورای نگهبان معیارها و شاخصه‌های خود را برای احراز شرایط داوطلبان انتخابات ریاست جمهوری بیان کند؛ چرا که بیان نکردن این معیارها همواره موجب نام‌نویسی تعداد گسترده‌ای از داوطلبان می‌شد و در نهایت هم نزدیک به اتفاق ثبت‌نام‌کنندگان احراز صلاحیت نمی‌شدند. این موضوع صورت خوشی نداشت و انعکاس ملی و بین‌المللی خوبی را برای جمهوری اسلامی ایران به ارمغان نمی‌آورد. باید شورای نگهبان معیارهای خودش را اعلام می‌کرد تا مشخص می‌شد چه ویژگی‌هایی در احراز صلاحیت داوطلبان انتخابات مؤثر است.

شورای نگهبان چندین سال بود که این معیارها را برای احراز صلاحیت داوطلبان انتخابات ریاست جمهوری اعمال می‌کرد، منتها این معیارها را به صورت علنی اعلام نمی‌کرد. حال شورای نگهبان رسماً اقدام به ابلاغ و اعلام شرایط داوطلبان انتخابات ریاست جمهوری کرده که این ابلاغ قانونی را باید به فال نیک گرفت. داوطلبان انتخابات حق داشتند که معیارهای شورای نگهبان را برای احراز صلاحیت‌ها بدانند و پس از تطبیق خود با این



شرایط وارد گورد انتخابات شوند.

چرا هیئت عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت‌نظام، اجازه قانون‌گذاری در خصوص شرایط داوطلبان انتخابات ریاست جمهوری را به مجلس نداد؟

مجلس نمی‌تواند در حوزه‌هایی که مربوط به اختیارات ویژه شورای نگهبان است، ورود کرده و در خصوص آنها قانون‌گذاری کند. اگر این شاخصه‌ها و معیارها از سوی مجلس شورای اسلامی تصویب می‌شد و برای تأیید به شورای نگهبان می‌رسید، اقدام خلاف قانونی انجام شده بود. وقتی که مجلس به این حوزه ورود کرده بود، هیئت عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام به روند طی شده ایراد گرفت و به مجلس اعلام کرد این مرجع قانون‌گذاری حق ورود به این حوزه را ندارد؛ چرا که این حوزه بر اساس سیاست‌های ابلاغی رهبر معظم انقلاب، مختص شورای نگهبان است.

هفته گذشته در فاصله یک ماه و نیم مانده به سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و در آستانه نام‌نویسی داوطلبان حضور در انتخابات، «مصوبه» جدید شورای نگهبان درباره شرایط داوطلبان انتخابات ریاست جمهوری به وزارت کشور ابلاغ شد. مصوبه‌ای که برخی‌ها درصدد حاشیه‌سازی برای آن بوده و اعتقاد داشتند ابلاغ چنین مصوبه‌ای در حیطه وظایف شورای نگهبان نیست و به نظر برخی دیگر این مصوبه طبق قانون صادر شده و خللی بر آن وارد نیست. بر اساس این مصوبه، از این پس داوطلبان انتخابات ریاست جمهوری برای نام‌نویسی باید شرایطی، نظیر «سن ۴۰ تا ۷۵ سال»، «حداقل مدرک کارشناسی ارشد یا معادل آن»، «سابقه تصدی حداقل چهار ساله در سمت‌های مدیریتی» و «عدم سوء پیشینه و نداشتن سابقه محکومیت کیفری» را داشته باشند؛ از همین رو به گفت‌وگو با حجت‌الاسلام غلامرضا مصباحی مقدم، عضو هیئت عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام نشستیم و نظرات وی را درباره ابعاد مختلف مصوبه شورای نگهبان جویا شدیم.

نگهبان نیز بر اساس مشورت‌های کارشناسی دقیقاً همین محدوده سنی را برای داوطلبان تعیین کرده است.

حال سؤال اینجاست که آیا اگر مصوبه مجلس، معیار احراز شرایط داوطلبان انتخابات می‌شد، افراد و جریان‌هایی که امروز به ابلاغیه شورای نگهبان ایراد گرفته‌اند، باز هم لب به اعتراض می‌گشودند؟ هیچ‌گونه مناقشه‌ای در این زمینه وجود ندارد.

چطور می‌شود که اعلام محدوده سنی داوطلبان انتخابات اگر از سوی مجلس باشد درست است، اما اگر اعضای شورای نگهبان با بررسی‌های خود به همان نتیجه رسیده باشند، غلط است؟

آیا وزارت کشور می‌تواند به بهانه دیرنگام بودن ابلاغیه شورای نگهبان قانون اساسی، از اجرای آن استکفاف کند؟

به هیچ وجه؛ مبنای کار وزارت کشور در اجرای فرآیند سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری باید ابلاغیه اخیر شورای نگهبان باشد.

همجسه‌های اخیر به شورای نگهبان قانون اساسی از سوی برخی طیف‌ها و جریان‌ها با چه اهداف یا مقاصدی مطرح می‌شوند؟

رصد مطبوعات و رسانه‌های برخی جریان‌های سیاسی از شش ماه قبل نشان می‌دهد، همجه گسترده‌ای به شورای نگهبان در زمینه احراز صلاحیت داوطلبان انتخابات ریاست جمهوری آغاز شده بود. هنوز شورای نگهبان هیچ‌گونه اظهار نظری نسبت به داوطلبان احتمالی نکرده بود که برخی جریان‌ها اعلام کردند کاندیداهای‌شان از سوی این شورا احراز صلاحیت نمی‌شوند. در حال حاضر تنها موقعیت همجه‌ها به شورای نگهبان عوض شده است و هدف این همجه‌ها نیز جز تضعیف این شورا نیست.

ضمن آنکه اعلام شرایط داوطلبان انتخابات از سوی شورای نگهبان به هیچ وجه تعدی به اختیارات مجلس شورای اسلامی نیست. نباید اعلام و ابلاغ شرایط داوطلبان انتخابات ریاست جمهوری از سوی شورای نگهبان را یک نوع قانون‌گذاری تلقی کرد؛ بلکه باید این اقدام را بخشی از وظایف ذاتی این شورا دانست.

یکی از موضوعاتی که منتقدان به ابلاغیه شورای نگهبان قانون اساسی نسبت به آن موضع‌گیری می‌کنند، تعیین محدوده سنی برای داوطلبان انتخابات است. نظر شما نسبت به این انتقادات چیست؟

در مصوبه‌ای که مجلس سعی داشت در آن ویژگی‌های داوطلبان انتخابات ریاست جمهوری را بیان کند، حداقل سن داوطلبان ۴۰ سال و حداکثر سن نیز ۷۵ سال در نظر گرفته شده بود. شورای

روزنه

تجلی قدرت هوشمند

نظام اسلامی

ابوالحسن سلطانی زاده

کارشناس سیاسی



تهاجم هوشمند تلفیق و امتزاج و ترکیب مؤلفه‌های قدرت سخت، نرم و نیمه‌سخت است و تصویرسازی وارونه جهانی یا همان تحریف، سیاه‌نمایی و ناکارآمد نشان دادن نظام، تحریم‌های هوشمند نقطه‌ای و فلج‌کننده اقتصادی، سیاسی نظامی، استفاده از ادبیات سایه جنگ به جای جنگ و در نهایت ایجاد اجماع جهانی و ائتلاف‌سازی علیه کشور هدف از اجزای مهم این تهاجم هستند.

انتخابات در کشور ما به عنوان تجلی و ظهور و بروز مردم‌سالاری دینی در طول ۴۲ سال گذشته به مثابه واکنش هوشمندانه به ادعای فقدان مقبولیت و مشروعیت نظام از سوی بدخواهان این کشور بوده است که در واقع رمز پیروزی، استمرار، بقا و ماندگاری نظام در تمام این سال‌ها بوده است؛ از این رو امروز انتخابات ۱۴۰۰ در سبیل حملات هوشمندانه دشمن قرار گرفته است که البته در این تهاجم هوشمند استفاده از ظرفیت‌های داخلی فرصت‌ساز مانند تقی‌زاده‌های داخلی یا اقتصاد نابسامان و فضای مجازی رها شده بخش‌هایی از این تهاجم هوشمند هستند، در مقابل این تهاجم، برای اینکه صحنه انتخابات همچنان فرصتی برای اقتدارآفرینی، انسجام و وحدت و یکپارچگی که رمز پویایی و استمرار قدرتمندانه حرکت رو به جلوی نظام باشد، چه باید انجام دهیم؟

۱- انتخابات بستری برای حضور پرشور و گسترده مردم با هدف باطل السحر کردن سیاه‌نمایی و تصویرسازی وارونه دشمن مبنی بر قهر مردم با صندوق و نامقبول بودن نظام. ۲- انتخابات ظرفیتی برای ناامیدسازی آمران و عاملان تحریم‌های هوشمند ظالمانه از مؤثر بودن تحریم‌ها، مبتنی بر دل‌بستگی مردم به نظام برای خنثی‌سازی و بی‌اثرسازی تحریم‌ها با اتکا به توان داخلی. ۳- انتخابات فرصتی مغتنم برای تبیین چرایی رویگردانی و ناامیدی دشمن از اقدام نظامی با تبیین تعمیم اتکا به نیروی انقلابی در انتخابات برای تشکیل دولتی کارآمد و ولایت‌مدار. ۴- انتخابات فرصتی برای نمایش همگرایی میان مردم و حاکمیت و ناامیدسازی دشمن از هرگونه ائتلاف و اجماع‌سازی برای القای ادعای ایجاد واگرایی بیسن مردم و اصل نظام. در این راستا باید به درستی برای مردم، حقایق و واقعیت‌های مشکلات امروز کشور تبیین شود و حساب عملکردهای نادرست و مدیریت‌های ناکارآمد افراد و اشخاص از اصل نظام و انقلاب تفکیک شود. ۵- انتخابات قابلیت مؤثر برای ایجاد دژی مستحکم از قدرت هوشمند برای مقابله با هرگونه تهاجم احتمالی، به گونه‌ای که مهاجم حتی لحظه‌ای جرات فکر کردن به حمله را به مخیله ذهنی خود راه ندهد؛ زیرا انتخابات پرشور و انتخاب هوشمند امنیت‌آفرین است. ۶- انتخابات ابزاری چالاک (سرعت واکنش) و بستری مناسب برای پاسخ به تهدیدات محیطی و منطقه‌ای برای تضعیف جبهه مقاومت. ۷- انتخابات ظرفیتی هوشیارساز برای رصد و پایش رفتار و راهبرد دشمنان و دنباله‌های داخلی آنان. ۸- انتخابات قدرت هوشمند نظام برای تغییر ضلع ناکارآمد کارگزار برای تحقق کارآمدی با مزیت مردم‌سالاری و به کرسی نشاندن شایستگان برای رفع مشکلات و تحقق گام سوم دولت اسلامی در فرآیند پنج‌گانه تکاملی نظام اسلامی.



تعمیرکار با مرآه! / میثم مطیعی با انتشار این عکس نوشت: مکانیک عزیزا چقدر این کارت قشنگ بود. چقدر حال ما رو خوب کرد. شب بیست‌وسوم تا دیدی چند قطره بارون زد، سریع اومدی مغازه رو باز کردی تا عاشقان الله سققی بالای سر داشته باشند. اینکه تا حد ممکن فاصله‌گذاری رو هم رعایت کردی، فوق‌العاده بود. خلاصه خیلی آقایی...



هدیه بگیرید! / اگر ۱/۵ میلیارد به بالا از ما خرید کنید، به شما یک ماشین ۱۰۰ میلیونی صفر هدیه می‌دهیم! در شرایطی که برخی از افراد جامعه رویای داشتن یک خودرو را دارند، چنین مانورهای تجلی‌تامل برانگیز است.

عکس و مکت



چند ساله خواهد بود! / رهبر معظم انقلاب: «حرکت نزولی و رو به زوال رژیم دشمن مبهیونستی آغاز شده و وقفه نخواهد داشت.» طبق وعده امام‌خانه‌ای چیزی تا پایان رژیم مبهیونستی نمانده است و نابودی این غده سرطانی آنچنان نزدیک است که این کودک مشتاق در راهپیمایی خودجوش روز قدس ۱۴۰۰ در همین کودکی نابودی غاصبان مبهیونست را خواهد دید.



نون کجاست! / کلمبیا بهم ریخته، مردم در اعتراض به خشونت پلیس به خیابان‌ها آمده‌اند، اما صدای‌شان به بیرون از مرزهای‌شان نمی‌رسد و کسی با آنها کاری ندارد... حال اگر همین وقایع در کشوری مانند ونزولا رخ داده بود، تمام رسانه‌های غربی آن را انعکاس می‌دادند؛ اما الان در انعکاس آن نون نیست!

تا انتخابات

نامزدهای اصلاح طلبان کیست؟

دبیرکل حزب همکاری ملی با بیان اینکه مقرر شد ۱۴ داوطلب معرفی شده به جبهه اصلاحات در جلسات این نهاد حاضر شده و برنامه‌های خود را ارائه کنند، گفت: «عده‌ای تمایل دارند برخی وزرا به عنوان داوطلب معرفی کنند که این جای تعجب دارد. هر چند تمایل دارم مصطفی کوکبیان دبیر کل حزب مردم‌سالاری رئیس جمهوری شود، ولی متأسفانه در جبهه اصلاحات ایران اقبالی به عنوان گزینه اول ندارد.» شهرام صدر یادآور شد: «در جبهه اصلاحات این بحث مطرح شد که فعلاً گزینه‌ای معرفی نکنیم تا تکلیف احراز صلاحیت‌ها مشخص شود.»

نیامدن لاریجانی قطعی نیست

«بهبود نعمتی» از چهره‌های نزدیک به علی لاریجانی با بیان اینکه کسانی که گفتند از لاریجانی حمایت نمی‌کنند اخیراً با وی دیدار داشته‌اند، گفت: «لاریجانی کاندیدای بالقوه انتخابات ریاست جمهوری است و از کنار نامش به سادگی نمی‌توان عبور کرد. چندین بار که با آقای لاریجانی درباره انتخابات صحبت کردیم، ایشان احتمال حضورش در انتخابات را نه رد کرد و نه تأیید. آخرین بار شاید ۱۰ روز پیش بود که با ایشان صحبت کردم، ولی ایشان جواب درستی به ما ندادند.»

بی‌تردید رهبری مصلحت‌مهمی را در نظر داشتند

«محمدرضا باهنر» دبیرکل جبهه پیروان خط امام و رهبری درباره احتمال حضور ابراهیم رئیسی در انتخابات ۱۴۰۰ گفت: «آقای رئیسی برای قوه قضائیه مستقیم منصوب رهبر انقلاب است و قاعدتاً اگر ایشان بخواهد برای کاندیداتوری اقدام کند رهبر معظم انقلاب باید از این کار راضی باشند. متعدد به ما خبر رسیده که هر که به رهبری مراجعه می‌کند و در مورد انتخابات سؤال می‌کند، ایشان می‌فرمایند که من ایجاب و سلباً هیچ اظهار نظری نمی‌کنم. آقای سیدحسن خمینی هم که اخیراً رفته بودند و سؤال کرده بودند هم یکی از موارد استثنا بود که برای آن هم حتماً رهبری یک مصلحت بزرگ‌تری را تشخیص می‌دهند که این اتفاق می‌افتد.»

تکذیب قطعی شدن حضور رئیسی

دبیر شورای ائتلاف نیروهای انقلاب از قطعیت نداشتن حضور آیت‌الله رئیسی در انتخابات ریاست جمهوری خبر داد. «پرویز سروری» دبیر شورای ائتلاف نیروهای انقلاب گفت: «در روزهای اخیر درخواست‌های فراوانی حاوی دعوت از آیت‌الله رئیسی برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری به شورای ائتلاف واصل شده است، با این حال هنوز خبری که بر قطعی شدن حضور ایشان دلالت کند، در دست نیست و آنچه در این باب در فضای مجازی منتشر شده صرفاً جنبه گمانه‌زنی دارد.»

ائتلاف روی لاریجانی منتفی است

«آذر منصوری» عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت گفت: «در هیچ یک از انتخابات، زمین همسواری پیش روی اصلاح طلبان نبوده است. در چنین فضایی باید سیاست‌تورزی کرد و از حداقل‌ها بهره گرفت. ممکن است یکی از احزاب لاریجانی را به عنوان کاندیدا مطرح کنند؛ اما برآیند نظر جمعی اصلاح طلبان تأکید بر انتخابات آزاد است و عدم تمایل حداکثری برای رفتن به سمت کاندیدای نیابتی وجود دارد.»

گزینه‌های پیدا و پنهان!

نگاهی به ابعاد انتشار فهرست نامزدهای اصلاح طلبان برای انتخابات ۱۴۰۰

مواضع و عملکرد سیاسی ساختار شکنانه خود بدون شک فاقد صلاحیت لازم برای تکیه زدن بر مسند رئیس جمهور بوده و قد و قواره لازم را برای این سمت ندارند و معلوم است که شورای نگهبان صلاحیت آنان را احراز نخواهد کرد.

۳

سؤالات و ابهاماتی در مورد این فهرست همچنان باقی است، از جمله آنکه آیا نهاد اجماع‌ساز به عهد خود مبنی بر رسیدن به گزینه نهایی از میان این ۱۴ نفر باقی خواهد ماند یا آنکه ممکن است مجبور به حمایت از گزینه‌هایی شود که اسامی آنان به دلایلی در میان این فهرست نیست؟! اگر چنین شود آیا اعتباری برای این نهاد باقی خواهد ماند یا خیر؟! ابهام دیگر آنکه آیا ممکن است اصلاح طلبان گزینه در سایه داشته باشند که به دلایلی از نام بردن آن خودداری کرده و در دقیقه ۹۰ از او رونمایی کنند؟! بازی با مهره «نامزد اجاره‌ای» که پیش از این در کلام بخش قابل ملاحظه‌ای از اصلاح طلبان پازتاب داشت، آیا از دستورکار ایشان خارج شده یا آنکه به عنوان پلن «ب» همچنان در دستور کار این جریان است؟ و سخن آخر آنکه انتخاب نهایی نهاد اجماع‌ساز آیا مورد حمایت همه اصلاح اردوگاه اصلاح طلبان قرار خواهد گرفت یا در نهایت بخشی از این اردوگاه بازی مستقلمی را رقم خواهد زد؟

در انتخابات نام‌نویسی خواهند کرد و در انتظار بررسی صلاحیت شورای نگهبان خواهند نشست و در نهایت احراز صلاحیت‌شدگان در میدان خواهند ماند تا گزینه نهایی از میان آنان از سوی نهاد اجماع‌ساز مشخص شود. فارغ از ابعاد ساز و کار طراحی شده این اردوگاه، توجه به اسامی مذکور می‌تواند نکاتی را بیان کند که باید به آن توجه کرد:

۱ اصلاح طلبان با وجود سر و صدای فراوانی که در آستانه انتخابات دارند، چندان برای معرفی نامزدهای انتخاباتی دست پر نبوده و بیشتر افرادی که معرفی کرده‌اند کارنامه برجسته‌ای در اداره امور کشور ندارند که حال بخواهند در جایگاه ریاست جمهوری نقش آفرینی کنند. همین امر موجب خواهد شد که شورای نگهبان در بررسی صلاحیت بخشی عمده‌ای از این افراد دچار مشکل شود و احتمالاً از احراز صلاحیت آنان پرهیز کند!

۲ وجود نام برخی از چهره‌های رادیکال شناخته شده اصلاح طلبان در میان ۱۴ نفر اعلامی به خوبی حکایت از آن دارد که هنوز اصلاح طلبان توانسته‌اند به خوبی نسبت خود را با قانون اساسی و چارچوب‌های جمهوری اسلامی مشخص کنند و هنوز ساختار شکنان در این اردوگاه دست برتر را دارند افرادی که به واسطه

۱۰ عضو مجمع عمومی جبهه اصلاحات ایران برای ارزیابی نامزدی ریاست جمهوری‌شان به دبیرخانه این مجمع پیشنهاد داده بودند، منتشر شد. فهرست این افراد به ترتیب تعداد پیشنهاددهندگان عبارت بود از:

- ۱- جواد ظریف (۳۷ پیشنهاد)، ۲- اسحاق جهانگیری (۳۵ پیشنهاد)، ۳- مصطفی تاج‌زاده (۳۲ پیشنهاد)، ۴- مسعود پزشکیان (۲۵ پیشنهاد)، ۵- محمدرضا عارف (۲۱ پیشنهاد)، ۶- محسن هاشمی (۲۰ پیشنهاد)، ۷- محمد شریعتمداری (۱۹ پیشنهاد)، ۸- مصطفی کوکبیان (۱۵ پیشنهاد)، ۹- محمد صدر (۱۳ پیشنهاد)، ۱۰- محمود صادقی (۱۲ پیشنهاد)، ۱۱- شهیندخت مولاردی (۱۱ پیشنهاد)، ۱۲- زهره شجاعی (۱۱ پیشنهاد)، ۱۳- عباس آخوندی (۱۱ پیشنهاد)، ۱۴- صادق خرازی (۱۰ پیشنهاد).

از میان چهره‌هایی که نام‌شان در بالا آمده، کسانی که یک سوم آرای اعضای مجمع ملی را کسب کرده باشند، از ۱۳ تا ۱۸ اردیبهشت فرصت دارند با حضور در مجمع ملی جبهه اصلاحات برنامه‌های خود را برای اعضای مجمع ارائه دهند تا در نهایت اعضای جبهه اصلاحات درباره این افراد رأی‌گیری کرده و کاندیداهای نهایی اصلاح طلبان برای انتخابات ریاست جمهوری را انتخاب کنند. طبیعتاً این افراد در روزهای ۲۱ تا ۲۵ اردیبهشت

مهدی سعیدی

کارشناس سیاسی



اصلاح طلبان برای ورود به انتخابات ۱۴۰۰ سناریویی را طراحی و عملیاتی کردند که این روزها آثار تحقق عینی آن در قالب شکل دادن به نهاد اجماع‌ساز آشکار شده است. در زمستان ۱۳۹۹ بود که خبری مبتنی بر شکل‌گیری مجموعه‌ای با عنوان نهاد اجماع‌ساز شنیده شد. این شورا قرار بود وظیفه شورای عالی اصلاح طلبان را بر عهده گیرد که یک سال پیش به دلیل اوج گرفتن اختلافات و ناکامی‌های پی در پی منحل شده بود. نهاد اجماع‌ساز که متشکل از نمایندگان ۳۰ حزب اصلاح طلب به همراه برخی از شخصیت‌های حقیقی است، وقتی کار خود را به جد آغاز کرد که بهزاد نبوی، چهره شناخته شده اصلاح طلبان را در رأس خود قرار داد تا با استفاده از تجربه و اعتبارش نزد اصلاح طلبان، اردوگاه متفرق آنان را متحد کند. این نهاد که نام «جبهه اصلاحات ایران» را برای خود برگزیده، توانست گام‌های مؤثری در این مسیر بردارد که از آن جمله می‌توان به اعلام نامزدهای احتمالی این جریان اشاره کرد. هفته گذشته فهرست افرادی که حداقل

حمیدرضا ترقی، چهره سیاسی اصولگرا در گفت‌وگو با صبح صادق

مشارکت حداکثری با امید آفرینی محقق می‌شود

و با توجه به فضای موجود مشارکت را چطور پیش‌بینی می‌کنید؟

از فروردین ماه تا الان بیش از ۵ درصد مشارکت افزایش یافته و فعالیت‌های انتخاباتی بیشتر شده و اختلاف‌ها و اشخاص حضور بیشتری در عرصه داشته‌اند. صداوسیما نیز نسبت به این موضوع برنامه‌های متعددی را اجرا کرده و افراد را به مردم می‌شناساند. تا الان نسبت به قبل از سال حدود ۸ درصد به میزان مشارکت افزوده شده و این نشان می‌دهد، روند تصمیم‌گیری مردم برای مشارکت در انتخابات رو به افزایش است و خود را به استاندارد قابل قبولی خواهند رساند.

چقدر این مشارکت به حضور کاندیداهای چهره مربوط می‌شود؟

خیلی به چهره‌های کاندیدها مربوط نمی‌شود؛ بلکه بیشتر به صحبت‌های رهبر معظم انقلاب و امیدیه که به مردم برای آینده دادند و دیگر دیدگاه‌ها و برنامه‌هایی است که نامزدها مطرح می‌کنند و عزمی که ملت برای تغییر شرایط کنونی پیدا کردند تا بتوانند از صندوق رأی ناراضی‌های خود را نسبت به وضع موجود و نظر خود را برای تغییر در مدیریت کشور اعلام کنند.

زهره ترابی

خبرنگار



در آستانه آغاز نام‌نویسی نامزدها برای انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم قرار داریم، اما همچنان درباره صحنه سیاسی این کارزار و اینکه چه کسانی نامزدهای نهایی خواهند بود، اما و اگرها و بحث و روایت‌های فراوانی وجود دارد، اما فراتر از اسامی و اینکه در نهایت چه کسانی در میدان انتخابات حضور خواهند یافت. میزان مشارکت در انتخابات و برگزاری یک انتخابات پرشور با حضور گسترده مردم است، برای بررسی این موضوع در این شماره با حمیدرضا ترقی، از چهره‌های اصولگرایی گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید:

با توجه به اینکه کمتر از دو ماه به انتخابات ریاست جمهوری باقی مانده

وضعیت اصولگرایان را چطور می‌بینید؟

روند خوبی در بین اصولگرایان حاکم است و امیدوار هستیم در بحث ریاست جمهوری تا نام‌نویسی مشکل خاصی نداشته باشیم. بیشتر وقت ما صرف انتخابات شوراهای شهر در سطح کشور می‌شود و ساماندهی این مسئله که شوراها بتوانند مرتبط با جریان انقلابی و اصولگرایی باشند و موضوع ریاست جمهوری هم امکان وحدت و شکل‌گیری ائتلاف بزرگ فراهم خواهد شد.

چقدر این را محتمل می‌بینید؟

خیلی امیدوار هستیم. روند کاملاً مناسبی برای دستیابی به یک ائتلاف بزرگ وجود دارد.

اختلاف بین شورای وحدت و شورای ائتلاف اصولگرایان را چطور ارزیابی می‌کنید؟

بروند خوبی در بین اصولگرایان حاکم است و امیدوار هستیم در بحث ریاست جمهوری تا نام‌نویسی مشکل خاصی نداشته باشیم. بیشتر وقت ما صرف انتخابات شوراهای شهر در سطح کشور می‌شود و ساماندهی این مسئله که شوراها بتوانند مرتبط با جریان انقلابی و اصولگرایی باشند و موضوع ریاست جمهوری هم امکان وحدت و شکل‌گیری ائتلاف بزرگ فراهم خواهد شد.

میدان پاستور

رئیس جمهور ۱۲ میلیونی

نهمین انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۴

در این دوره هاشمی رفسنجانی با ۶/۱۶ میلیون نفر (۲۱ درصد) نفر اول و احمدی‌نژاد با ۵/۷۱ میلیون نفر (۱۹/۵ درصد) نفر دوم بوده و پس از وی کروبی با ۵/۰۷ میلیون نفر (۱۷/۳ درصد)، قالیباف با ۴/۰۷ میلیون نفر (۱۳/۸ درصد)، معین با ۴/۰۵ میلیون نفر (۱۳/۸ درصد)، لاریجانی با ۱/۷۴ میلیون نفر (۵/۹ درصد) و محسن مهرعلیزاده با ۱/۲۹ میلیون نفر (۴/۴ درصد) به ترتیب در رتبه بعدی قرار گرفتند. بر اساس نتایج، هاشمی و احمدی‌نژاد به مرحله دوم راه یافتند.

در دور دوم، جریان چپ برای جلوگیری از شکست حداکثری رضایت دادند که از آقای هاشمی حمایت کنند، غافل از اینکه تخریب چهره هاشمی در زمان حاکمیت دولت دوم خرداد آنگذر از وجهه آقای هاشمی در نزد مردم کاسته بود که دیگر امکان رقابت با رقیب را نداشت. مرحله دوم در سوم تیرماه ۱۳۸۴ برگزار شد و محمود احمدی‌نژاد توانست با کسب ۱۷/۲۴۸/۷۸۲ رأی، ریاست جمهوری دور نهم را از آن خود کند.

انتخابات نهم ریاست جمهوری در حالی آغاز شد که جریان دوم خرداد نیز همچون اصولگرایان با تکثر کاندیدها وارد عرصه رقابت شدند. در حالی که اردوگاه اصولگرایی، از جمله قالیباف، لاریجانی، رضایی و احمدی‌نژاد خود را برای انتخابات نهم آماده می‌کردند، هاشمی رفسنجانی، کروبی، معین و مهرعلیزاده نیز در اردوگاه دوم خرداد قد علم کردند. شورای نگهبان ابتدا صلاحیت معین و مهرعلیزاده را رد کرد؛ اما با تدبیر رهبری، شورای نگهبان با تشکیل جلسه فوق‌العاده صلاحیت این دو را اعلام کرد و تعداد نامزدها به هشت نفر رسید. در میانه راه و در جریان تبلیغات و رقابت‌ها، محسن رضایی از ادامه رقابت کنار کشید. سرانجام روز موعود فرامسید و ملت بصیر ایران زمین با حضور باشکوه خود در دیگر حمایت‌ها جبهه خود از نظام اسلامی را آشکار کردند. در این دوره حدود ۶۲/۸۴ درصد واجدین شرایط در پای صندوق‌های رأی حاضر شدند، اما انتخابات به مرحله دوم کشیده شد.

خیابان بهشت

شورای کارآمدان

تحقق منطق شایسته‌سالاری در انتخابات شوراها

یکی از شاخصه‌های انتخابات شایسته نظام اسلامی آن است که فرآیند انتخابات به گونه‌ای باشد که در نهایت شایستگان و اصلحان بر مسند قدرت تکیه بزنند؛ اما در این میان سؤال اساسی آن است که چرا باید شایستگان بر مسند قدرت تکیه بزنند و نتیجه حاصل از انتخاب شایستگان چه خواهد بود؟

از نگاه رهبر حکیم انقلاب اسلامی اصلح‌گزینی رابطه مستقیمی با مسئله کارآمدی نظام دارد. به واقع، همه تلاش برای شایسته‌گزینی با هدف کارآمدسازی نظام اسلامی دنبال می‌شود. معظم‌له در کلامی به این حقیقت چنین اشاره دارند: «آنچه که برای مردم در این انتخابات و همه‌گزینش‌های ملی و انتخابات‌ها مهم است، این است که سطح کارآمدی نظام روزبه‌روز ارتقا پیدا کند؛ این اساس مسئله است.»

در این میان وظایف مهمی بر عهده شوراها نهاده شده که در یک کلام می‌توان آن را مدیریت شهر و روستا از طریق انتخاب شهردار و نظارت

بر عملکرد آن دانست؛ اما در این میان متأسفانه ساز و کار بررسی صلاحیت‌ها متناسب با وظایفی که در اختیار شوراها قرار داده شده، نیست. نظرات بر انتخابات شوراها بر عهده کمیسیونی از نمایندگان مجلس سپرده شده که متأسفانه ابزارهای لازم برای انجام قانون را ندارند و با توجه به گستردگی انتخابات و داوطلبان، عملاً امکان بررسی صلاحیت‌ها با دقت لازم نیست. ضمن آنکه این بررسی با تعلقات جناحی و سیاسی آنچنان آمیخته شده است که به سادگی افرادی حتی با سابقه ضدیت با نظام در طول این سال‌ها نیز تأیید صلاحیت شده‌اند! از کمیسیون نظارت بر انتخابات ۱۴۰۰ که برآمده از مجلس انقلابی یازدهم است، انتظار می‌رود که ابتدا دقت نظر داشته و با همه توان برای تحقق قانون تلاش کند و در گام دوم با اصلاح قانون، ساز و کار نظارت بر انتخابات شوراها را اصلاح کرده و این امر خطیر را به مرجع حقیقی نظارتی در ساختار کشور که شورای نگهبان است، واگذار کند.

یادداشت

جهان در آستانه جنگ سردی جدید

عبدالرحمن عبدانی

کارشناس بین‌الملل

دولت آمریکا هفته گذشته ۱۰ دیپلمات روس را به جرم جاسوسی از خاک خود اخراج کرد. کاخ سفید در بیانیه خود اخراج این دیپلمات‌ها و اعمال تحریم‌های جدید علیه کاخ کرملین را به دخالت روسیه در انتخابات آمریکا و حملات سایبری ارتش روسیه علیه نهادهای آمریکایی ربط داد. در واکنش به این اقدام آمریکا، روسیه نیز تعدادی دیپلمات آمریکایی را به کشورشان برگرداند.

همزمان با اوج‌گیری تنش میان آمریکا و روسیه خبری مبنی بر دخالت عوامل روس در دو انفجار انبارهای تسلیحاتی جمهوری چک در اکتبر و دسامبر ۲۰۱۴ نیز موجب تنش بی‌سابقه در روابط روسیه با اروپا شد. «بان‌هاماچک» وزیر خارجه موقت جمهوری چک در یک کنفرانس ویدیویی که با حضور وزرای خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا برگزار شد، از آنها خواست تا با این کشور ابراز همبستگی کنند. بلافاصله دیگر کشورهای اروپایی هر یک بنا به وسع خود اقدام به اخراج دیپلمات‌ها و حتی وابستگان نظامی روسیه از کشور خود کردند؛ امری که با واکنش متقابل روسیه در اخراج دیپلمات‌های اروپایی مواجه شد و تنش‌ها به اوج رسید.

درک تحولات مذکور به برخورداری از فهمی تاریخی از سابقه جنگ سرد بین دو بلوک شرق و غرب نیاز دارد، جنگی که یک درس بزرگ به طرفین آن آموخت که نگذارند طرف مقابل به حیاط خلوت آنها نزدیک شود. فروپاشی شوروی سبب شد تا روسیه به منزله وارث قانونی آن بیش از دو دهه از جایگاه بازیگری مؤثر در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی باز بماند. نتیجه آن نیز حضور ناتو در حوزه‌های سنتی شوروی یعنی عراق و افغانستان بود. تداوم این وضع سبب شد تا ناتو به سرکردگی آمریکا اقدام به استقرار سامانه‌های دفاع موشکی در مرزهای شرقی اروپا کند. همچنین تلاش کند آخرین کشورهای حائل بین روسیه و اروپا در ناتو و دیگر ساختارهای اروپایی هضم شوند. این امر در سال ۲۰۰۸ به درگیری نظامی روسیه با گرجستان و در سال ۲۰۱۴ به درگیری نظامی با اوکراین منتهی شد. بحران سوریه به عنوان نقطه عطفی روسیه را بعد از دو دهه از انفعال نسبی خود خارج کرد و نتایج موفقیت‌آمیز همکاری روسیه با ایران که شمره آن نابودی داعش بود، سبب شد تا تلاش‌ها برای جذب دیگر بازیگران مهم منطقه از جمله ترکیه برای ایجاد ائتلاف‌های جدید منطقه‌ای دوجانبه شوند.

در سوسی دیگر غرب و به ویژه آمریکا که از اعمال سخت‌ترین و بی‌سابقه‌ترین تحریم‌ها علیه ایران ناامید شده بودند با یک رویکرد کاملاً متفاوت از گذشته تلاش دارد تهران و محور مقاومت را مهار کند و از یک سو به بازگشت مجدد به برجام و تنش‌زدایی در روابط با ایران روی آورده است.

حال آنکه روسیه در کنار ایران توانسته است بحران‌های بسیار پیچیده و مهم منطقه‌ای مانند سوریه، عراق و قریب‌المراد را حل و فصل کرده و تا حدود زیادی پرونده‌های اوکراین و بیلاروس را هم مدیریت کند. این امر برای غربی‌ها به ویژه آمریکایی‌ها بسیار نگران‌کننده است، لذا در تلاش هستند به هر نحوی رقیب سنتی خود را به داخل مرزهای خود بازگردانند.



صبح صادق آخرین تحولات منطقه غرب آسیا را واکاوی می‌کند

تلاش برای کاهش تهدیدات در جورجین منافع آمریکایی

هادی محمدی

تحلیلگر ارشد بین‌الملل



فرار ایران از مذاکره معرفی‌کنند و ظاهر این تاکتیک آمریکایی‌ها اثرگذار بوده و تیم مذاکره‌کننده با تمامی اشکالات محتوایی و عناصر مشارکت‌کننده در تیم مذاکره، پذیرفته است که تاریخ ۵ خرداد را سقف پایانی مذاکره با آمریکا و ۱۱+۴ قرار ندهد.

آنچه برای آمریکا در حاشیه و لایه دوم مذاکره در وین اهمیت دارد، این است که بخشی از دستور کارهای اصلی خود در مذاکره با ایران از طریق سعودی و نرمش‌های تاکتیکی و امتیازخواهانه دنبال شود و فشارهای مقاومت در عراق که برای اخراج نیروهای آمریکایی در جریان فرایند است، کاهش یافته یا مدیریت شوند تا آمریکا بتواند زمان کافی برای کسب نتایج کامل در انتخابات عراق را داشته باشد و بازگشت سعودی به سوریه با کمترین هزینه محقق شود. آمریکا به خوبی می‌داند که باقی ماندن آمریکا در سوریه در یک روند فرسایشی و باتالاق‌گونه خواهد بود و لذا بازگرداندن امارات و سعودی با ژست مشارکت در بازسازی سوریه و فعال کردن اقدامات گسترده امنیتی و اجتماعی که ظرفیت مدیریت‌های راهبردی در سوریه را تأمین کند، یک اولویت میان مدت خواهد بود.

عادی‌سازی روابط سوریه و کشورهای عربی بحران‌ساز و حامی تروریست‌های وهابی از نگاه روس‌ها، گاهی قابل مدیریت است که امتیازاتی برای سوریه در بر دارد و از آن حمایت می‌کند. در نگاهی وسیع‌تر، روس‌ها معتقدند آرام‌سازی روابط کشورها در غرب آسیا و وارد شدن به یک روند مذاکره‌ای فی‌مابین، از بهانه‌های بحران‌سازی آمریکا خواهد کاست و پدیده‌ای است که موقعیت روسیه در غرب آسیا را تقویت خواهد کرد.

مذاکرات پنهانی در بغداد

یک تلاش پنهانی لیبرال‌های داخلی که با کمک برخی جریان‌های عراقی به حکومت مصطفی الکاظمی در بغداد منتهی شد، عملاً به ترویج مفاهیم مطلوب آمریکا در عراق و منطقه کمک کرده و نه تنها حضور آمریکا را در عراق خواستار هستند، بلکه با نادیده گرفتن ماهیت حضور آمریکا در عراق و عملکرد ۱۸ ساله آنها در آن کشور، با طرح ضرورت بی‌طرفی در منازعه آمریکا و ایران، در واقع در جورجین آمریکا، فضای روانی علیه ایران را دامن می‌زنند و به همین منظور و با ژست میانجیگری بین ایران و سعودی فعال شده‌اند، که دو دور مذاکره در بغداد حاصل آن است.

اگر چه باید از هرگونه کاهش تنش با سعودی‌ها استقبال کرد؛ ولی نمی‌توان سیاست‌های عربستان در منطقه یا در قبال ایران را از دستور کارها و اولویت‌های آمریکا جدا فرض کرد و به این دیدارها برای مشاهده رفتاری مستقل و ثبات‌ساز امیدوار بود. در واقع تنگنای راهبردی سعودی‌ها و در حقیقت آمریکا و رژیم صهیونیستی در روندهای نظامی و امنیتی یمن که عرصه‌های ژئوپلیتیکی و اهداف ژئواستراتژیک آمریکا و رژیم صهیونیستی را به خطر انداخته، زمینه اصلی نرمش لحن سعودی‌هاست تا از ظرفیت‌های ایران برای حل مشکل خودشان بهره بگیرند و سناریوی راه حل سیاسی را مطابق نیازهای راهبردی خود تحمیل کنند؛ بنابراین تأکید دارند که مداخله و تجاوزگری و جنگ‌افروزی آنان در یمن نادیده گرفته شده و سایه دو تنگنای آزادسازی شهر مأرب و ضربات موشکی و پهپادی

یمنی‌ها در عمق خاک سعودی از سر آنها برداشته شده و آتش‌بس در شرایط فعلی حاکم شود؛ ولی اهرم محاصره کامل یمنی‌ها پابرجا باقی بماند تا بتوانند روندهای بعدی در یمن را با منافع استعماری و مداخله‌جویانه دنبال کنند. سعودی‌ها با صراحت و از زبان محمدبن سلمان، اهداف آمریکایی را با لحن مصالحه‌جویانه مطرح کرده و بر برنامه هسته‌ای، توان موشکی و نفوذ منطقه‌ای تأکید کرده‌اند. سعودی‌ها در پرونده بازگشت به سوریه، یک بازی بزرگ را مدنظر دارند تا با باروش‌های فریبکارانه از ظرفیت حضور خود و برخی امتیازات مالی و سیاسی در بازگشت به سوریه به اتحادیه عرب و کاهش نقش ایران و حزب‌الله در سوریه بهره بگیرند و از این طریق در تحولات سیاسی و اجتماعی سوریه تولید نقش کنند.

اوضاع آشفته رژیم صهیونیستی

رژیم صهیونیستی در ابعاد سیاسی، حکومتی و اقتصادی و مهم‌تر از همه در ابعاد امنیتی و استراتژیک خود را با تهدیدها و آسیب‌های گوناگون مواجه می‌بیند. بحران تشکیل کابینه و چهار مرحله انتخابات پارلمانی، و اگرایی و شکاف در بین احزاب زمینه چالش‌های حکومتی بلندمدت را فراهم کرده و رهبران فعلی صهیونیست برخلاف رهبران اولیه درگیر منافع شخصی شده و ثبات حکومتی را با خطرات بیشتری مواجه کرده‌اند. در ابعاد امنیتی مؤلفه‌های مرتبط با قدرت فرایند گروه‌های مقاومت، سیر ثبات سیاسی و امنیتی در سوریه، ناتوانی یا گزینه‌های محدود دولت آمریکا در قبال ایران ارکان حکومتی و جامعه صهیونیستی را به خود مشغول کرده است. در واقع در کنار بسیاری از اهداف طراحی شده در معامله قرن و عادی‌سازی روابط با کشورهای ناتوان و فرسوده عربی، مقامات صهیونیست به منابع اقتصادی امارات و کشورهای ثروتمند عربی چشم طمع دوخته‌اند تا اوضاع اقتصادی خود را سامان دهند. اوضاع اجتماعی و اقتصادی جامعه صهیونیستی به گونه‌ای است که ممکن است در چشم‌انداز نزدیک و در صورتی که از منابع اقتصادی خارجی بهره‌مند نشود، بحران‌های مهمی را تجربه کند.

امنیت داخلی، امنیت پیرامونی و امنیت حوزه‌های استراتژیک برای رژیم صهیونیستی در مرز تهدیدات جدی قرار دارد و با وجود خدمات راهبردی برخی کشورهای عربی، این رژیم در مسیر کابوس‌های راهبردی متعددی است.

مذاکرات ترکیه و مصر

مصری‌ها که خود را «ام‌الدینا» می‌دانستند و بیشتر مسائل جهان عرب در محور آنها قرار داشت، امروز در شرایطی قرار دارند که جیره‌خوار سعودی و امارات شده و در قبال اتیوپی و سدالنهضه ناتوان و آسیب‌پذیر هستند. مؤلفه‌های منافع ملی و اراده ملی آنان در مقابل صهیونیست‌ها مخدوش است و برای اینکه راهبرد هاب‌سازی برای رژیم صهیونیستی در عرصه منابع انرژی و تجارت و مسیرهای مواصلاتی در منطقه شکل گیرد، حتی منابع انرژی خود را به صهیونیست‌ها واگذار کرده‌اند تا در مرکزیت منابع انرژی شرق مدیترانه، نقش اصلی و محوری با صهیونیست‌ها باشد. رویکرد تبعیت مطلق از آمریکا و رژیم صهیونیستی در اداره امور داخلی مصر، این

یادداشت

اصلاح یارانه ارز

مهدی پور قاضی

رئیس سابق کمیسیون صنایع اتاق تهران



بر اساس گزارش‌های موجود، صنایع ایران در وضعیت مناسبی قرار نداشته و بسیاری از واحدهای صنعتی مستقر در شهرک‌های صنعتی تعطیل یا نیمه تعطیل هستند. آمارهای منتشر شده نشان می‌دهد، حدود ۳۰ درصد از نگاهاهای اقتصادی با بیش از ۵۰ درصد ظرفیت‌شان در حال فعالیت بوده و حدود ۷۰ درصد مابقی نگاهاهای کاملاً تعطیل هستند یا با کمتر از ۵۰ درصد ظرفیت‌شان فعالیت می‌کنند؛ آمارهایی که اطلاعات میدانی نیز آنها را تأیید می‌کنند. در بیان دلایل وضعیت نامناسب واحدهای صنعتی باید گفت، عوامل متعددی در این موضوع دخالت داشته و دارند که به دو دسته عوامل بیرونی (تحریم) و داخلی (مدیریت) تقسیم می‌شوند. با اینکه نمی‌توان منکر تأثیر تحریم‌ها شد؛ اما امروز تقریباً همه از مسئولان تا کارشناسان و فعالان اقتصادی به این نتیجه رسیده‌اند که بخش عمده مشکلات مربوط به تصمیم‌گیری‌های داخلی است.

البته به نظر من، هر دوی این موارد در وضعیت رکودی که اقتصاد ایران در آن قرار دارد، مؤثر است؛ برای نمونه خود ما که فعالیت‌های صادراتی داریم، کاملاً مشاهده می‌کنیم که تمایل مشتریان خارجی به خرید از ما کاهش قابل توجهی داشته است. آنها ترجیح می‌دهند در معاملاتتی که با ما انجام می‌دهند، نامی از ما وجود نداشته باشد و مرادفات اقتصادی آنها با ما از طریق یک واسطه انجام شود. در واقع، شرکت‌هایی در کشورهای مختلف نقش این واسطه را برای مبادلات تجاری میان ما و کشور مقصد انجام می‌دهند که خود این موضوع سبب افزایش هزینه‌های ما می‌شود. ضمن اینکه انتقال پول نیز به کار بسیار سختی تبدیل شده و عمدتاً با روش‌های پر ریسک و از طریق صرافی‌ها اتفاق می‌افتد؛ اما عوامل و تصمیمات داخلی نیز در این وضعیت بی‌تأثیر نبوده است.

سال‌هاست که فعالان اقتصادی در اتاق‌های بزرگانی این درخواست دارند که ارز در کشور تک‌نرخ شود؛ اما با وجود وعده‌های داده شده از دولت‌های گذشته تا امروز که دولت‌ها خودشان را موافق تک‌نرخ شدن ارز اعلام می‌کردند؛ اما هرگز این اتفاق نیفتاده است. در حالی که بدون شک یکی از مشکلات اساسی اقتصاد ما در یک دهه اخیر چندنرخ بودن ارز بوده است؛ به گونه‌ای که در حال حاضر کمتر کشوری را می‌توان در دنیا یافت که ارز چندنرخ داشته باشد، در بیشتر کشورها، از جمله همسایگان ما ارز تک‌نرخ است و اگر دولت‌ها بخواهند به جامعه یارانه پرداخت کنند، این یارانه به نرخ ارز تعلق نمی‌گیرد؛ بلکه به کسانی که مقصد دریافت یارانه هستند، پرداخت می‌شود.

نکته بعدی که به نظر من به مانعی در اقتصاد ایران تبدیل شده، نبود راهبرد و برنامه در اقتصاد است؛ به گونه‌ای که کسی نمی‌داند قرار است اقتصاد ایران برای نمونه شش ماه یا یک سال یا پنج سال آینده چگونه باشد و به چه مسیری برود؟ در واقع امروز عملاً کسی نمی‌داند سیاست توسعه اقتصادی ما و متناسب با آن سیاست توسعه صنعتی ما بر چه مبنایی است و قرار است به کجا برسیم و چکار کنیم.

میلا شکر

خبرنگار



یکی از سؤالات مطرح شده این است که اگر بار دیگر تحریم‌ها لغو شوند و شرکت‌های خارجی امکان ورود به ایران را پیدا کنند، رفتار ایران با کشورهای، مانند کره جنوبی (با وجود بازار مناسبی که در ایران داشتند، اما بعد از اعمال مجدد تحریم‌ها خیلی سریع ایران را ترک کردند) باید چگونه باشد؟

اگر سابقه روابط تجاری بین ایران و کره جنوبی را در نظر بگیریم، شاید بتوان پاسخ بهتری داد. حدود ۶۰ سال است که بین ایران و کره جنوبی روابط تجاری برقرار شده و بیش از ۵۵ سال است که ایران در کره جنوبی سفارت دارد؛ یعنی روابط دو کشور بسیار ریشه‌دار و قدیمی است. در سال‌های پایانی رژیم پهلوی حجم تجارت ایران و کره جنوبی حدود ۴۰۰ میلیون دلار بود. در آن ایام شرایط و ویژگی‌های اقتصادی کره جنوبی هیچ برتری‌ای نسبت به ایران نداشت و در تفاهم‌نامه‌هایی که بین دو کشور منعقد می‌شد، کره‌ای‌ها می‌خواستند به منزله نیروی کار وارد ایران شوند. حتی پس از پیروزی انقلاب و سال‌های جنگ تحمیلی نیز حجم روابط تجاری ما با کره جنوبی روند افزایشی داشت؛ به گونه‌ای که حدود ۲۵ سال بعد از پیروزی انقلاب حجم روابط تجاری میان دو کشور به حدود ۱۲ میلیارد دلار رسید. بهترین روابط تجاری ما با کره جنوبی در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ محقق شد که هم‌زمان با امضای برجام بود. به یاد دارم در آن مقطع در سازمان توسعه تجارت میزبان هیئت‌های متعدد خارجی بودیم. حتی رئیس جمهور کره جنوبی به همراه یک هیئت بزرگ از تجار، بازرگانان و ۱۲۰ شرکت بزرگ کره‌ای به ایران آمدند و با حدود ۴۰۰ شرکت ایرانی مذاکرات و گفت‌وگو‌هایی را انجام دادند. در آن سفر قرار بر این شد تا حجم تجارت میان دو کشور به حدود ۳۰ میلیارد دلار در سال برسد؛ حتی در تفاهم‌نامه‌ای که در اجلاس مشترک امضا شد، به این موضوع اشاره شد. در همان سال نیز حجم تجارت ایران و کره از مرز ۱۲ میلیارد دلار عبور کرد؛ اما با تحریم‌های مجدد و خروج ترامپ از برجام کره جنوبی تبعیتی بی‌چون و چرا از تحریم‌های آمریکا کرد و روابط خودش با ایران را به شدت کاهش داد. کاهش این روابط به گونه‌ای بود که حجم تجارت رسمی بین دو کشور نزدیک به صفر شد؛ اما در پاسخ به پرسش شما باید بگویم که وقتی کره‌ای‌ها با ایران ارتباط تجاری داشتند، از ما نفت و فرآورده‌های پتروشیمی می‌خریدند و در مقابل کالاهای ساخته شده یا به اصطلاح نهایی به ما می‌فروختند. کالاهای ساخته شده نیز، هم از جنس تجهیزات و ماشین‌آلات بود که می‌توانست به عنوان

ولی‌الله افخمی‌راد، معاون پیشین وزیر صمت در دولت یازدهم در گفت‌وگو با صبح صادق

اقتصاد ایران فدای دیپلماسی شد

تتها چند هفته تا برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و پایان عمر هشت ساله دولت حسن روحانی باقی مانده است. هشت سالی که به جرئت می‌توان آن را سال‌های فرصت‌سوزی در اقتصاد ایران نامید. تکیه و اصرار بیش از حد دولت‌های یازدهم و دوازدهم به موضوع بهبود روابط خارجی و اثرات آن بر اقتصاد ایران سبب شد با شکست ایده دولت مبتنی بر بهبود وضعیت اقتصادی از طریق دیپلماسی سیاسی دولت با دستانی خالی و کارنامه‌ای نامناسب در حال ترک ساختمان پاستور باشد. صبح صادق در گفت‌وگویی با ولی‌الله افخمی‌راد، معاون پیشین وزیر صمت و رئیس سازمان توسعه تجارت در دولت یازدهم آینده اقتصاد ایران را در صورت لغو یا تداوم تحریم‌ها بررسی کرده است.



شده کره‌ای باید با وسواس عمل کرده و شرایط سختی برای آنها ایجاد کرد، مگر اینکه بخواهند سرمایه‌گذاری مستقیم کنند تا شاید در این صورت به نوعی بتوانند رفتار گذشته خودشان را جبران کنند.

موضوع بعدی سرانجام تفاهم‌نامه اوراسیاست که بین ایران و این اتحادیه امضا شد. به نظرتان این تفاهم‌نامه با توجه به وجود کشورهای مانند ارمنستان و روسیه در این منطقه تا چه حد می‌تواند در افزایش تبادلات تجاری ما مؤثر باشد.

امضای تفاهم‌نامه اوراسیا به نظر من کار بسیار خوبی است که باید با جدیت دنبال شود. البته باید این موضوع را در نظر بگیریم که کار کردن با شرقی‌ها و کشورهای به اصطلاح عضو اتحادیه اوراسیا کار آسانی نیست و این تفاهمات دیرتر از سایر تفاهم‌نامه‌ها وارد مرحله اجرایی می‌شود، اما نفس کار بسیار ارزشمند است. باید وارد پیمان اوراسیا شویم و با آنها همکاری بسیار نزدیکی داشته باشیم، به ویژه از آنجا که ارمنستان نیز عضو اوراسیاست و از طرفی یکی از همسایگان ما به شمار می‌رود. از طریق ارمنستان می‌توانیم مرادفات تجاری بالایی را با کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا داشته باشیم. منتها به دو دلیل این کار با تأخیر انجام خواهد شد: اول اینکه، اساساً فعال شدن و به حرکت درآوردن این تفاهم‌نامه‌ها و قراردادها با کشورهای شرقی کار دشوار و زمانبر است، چرا که به هر تقدیر قانونمندی آنها به این صورت است. دوم اینکه تا زمانی که مسئله ما در باب نقل و انتقال و مرادفات بین بانکی در دنیا حل نشود، نمی‌توانیم توقع چندانی

کالای سرمایه‌ای و واسطه‌ای استفاده شود و هم از جنس کالاهای مصرفی و نهایی بود که عمده‌ترین آنها انواع لوازم خانگی و خودروهای سواری بود. حتی به یاد دارم در مذاکراتی که آن زمان با سفیر کره داشتیم، او همواره روی این نکته تأکید می‌کرد که ما در کره خیابانی به نام تهران داریم و شما نیز در تهران خیابانی به نام سنول دارید و این موضوع نشان‌دهنده دیرینه بودن روابط تجاری میان دو کشور است. من هم به آنها می‌گفتم به جز خیابان سنول در بسیاری از خیابان‌های تهران و سایر شهرهای ایران تابلوهایی بر بندهای کسره‌ای وجود دارد، به گونه‌ای که شما هر جا بروید، برند سامسونگ و ال جی را خواهید دید. این موضوع نشان می‌دهد شما در عرضه کالاهای ساخته شده به ایران بازار خیلی خوبی دارید؛ اما متأسفانه همواره به همین موضوع اکتفا کرده‌اید و صرفاً کالاهای نهایی و مصرفی را به ما داده‌اید و نه تنها سرمایه‌گذاری مشترکی در ایران انجام نداده‌اید؛ بلکه در زمینه انتقال فناوری به ایران نیز هیچ همکاری با ما نداشته‌اید؛ طبیعتاً این روال نمی‌تواند روال درستی در روابط تجاری بین دو کشور باشد، لذا باید این روند را اصلاح کنیم. برای نمونه، علاوه بر لوازم خانگی در بازار خودرو نیز، برندهای کره‌ای بالاترین و بیشترین سهم از بازار خودروهای وارداتی ایران را داشتند. اگر چه در همان زمان ال جی و سامسونگ آمدند و برخی از اقلام مورد مصرف در کالاهای نهایی را از داخل ایران تأمین کردند، اما متأسفانه بعد از خروج ترامپ از برجام کره‌ای‌ها کم‌لطفی زیادی کردند و شاید اولین کشوری بودند که بعد از تحریم مجدد و خروج آمریکا از برجام، ایران را ترک کردند. لذا معتقدم در صورت لغو تحریم‌ها برای واردات کالاهای ساخته

داشته باشیم که اینها بیابند و در قالب عضو اتحادیه اوراسیا حجم همکاری‌های خودشان با ما را افزایش دهند. البته این حرف به معنای این نیست که امکان مرادفات تجاری با این کشورها نباشد، اما به هر حال مشکلات موجود در نقل و انتقال‌های بانکی باعث می‌شود هزینه‌های طرف ایرانی افزایش پیدا کند که این موضوع طبیعتاً رقابت‌پذیری ما در این بازارها را دشوار خواهد کرد.

چرا سهم ایران از بازار کشورهای جبهه مقاومت، مانند سوریه و لبنان که حتی فراتر از سیاست‌های سیاسی نیز میان ما و این کشورها وجود دارد، کم است؟

به هر حال وقتی تیم سیاست‌ها و برنامه‌های سیاسی کشور بر برنامه‌های اقتصادی می‌چربد، به طور طبیعی این مسائل تحت‌الشعاع قرار می‌گیرند. بسیاری از کشورهای دنیا سعی می‌کنند برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی خودشان، سیاست‌های خارجه خودشان را متناسب با سیاست‌های اقتصادی تنظیم کنند، اما ما در کشور ما اینطور نیست؛ بلکه سیاست خارجه و موضوع دیپلماسی ما بر مسائل اقتصادی مقدم‌تر است و این موضوع ایجاب می‌کند تا از اقتصاد به نفع برنامه‌های سیاسی هزینه کنیم و از مسائل اقتصادی چشم‌پوشیم؛ در نتیجه شاهد از دست رفتن این بازارها هستیم. وگرنه همکاری‌های اقتصادی میان ایران و عراق که البته اولین یا دومین شریک تجاری ما به شمار می‌رود، به دلیل همسایگی و مرزهای مشترک و طولانی که با هم داریم در کنار فرات‌های فرهنگی و مذهبی موجود، می‌تواند زمینه بسیار خوبی باشد.

برای نمونه، حداقل درباره سوریه و لبنان می‌توانیم سیاست‌های تعرفه ترجیحی را با آنها منعقد کنیم؛ اما متأسفانه این موضوع چند سال است که بلا تکلیف مانده و نهایی نشده است.

باز این موضوع هم به مقدم بودن مسائل سیاسی بر اقتصادی مربوط است. در غیر این صورت انعقاد قرارداد تجارت آزاد میان ایران با عراق و سوریه می‌تواند به نفع تمام این کشورها باشد. ضمن اینکه چون ما به لحاظ توانمندی‌های اقتصادی دست بالا را نسبت به این کشورها داریم با برداشتن تعرفه‌ها و سهولت در مبادله کالا می‌توانیم میزان صادراتمان به این کشورها را افزایش دهیم، اما این سؤال را که چرا این کار انجام نمی‌شود، باید از مسئولان سیاسی کشور پرسید که چه مانعی در مسیر عقد قراردادها تجارت آزاد میان ایران با این کشورها وجود دارد؟!

افزوده

دارایی خالص

برای محاسبه دارایی خالص یا واقعی یک سازمان باید بدهی‌های آن سازمان را از ارزش دارایی‌هایش کسر کنیم. نتیجه به دست آمده اغلب مترادف با ارزش دارایی خالص آن سازمان یا شرکت (Business Net Worth) در نظر گرفته می‌شود. به عبارت دیگر، دارایی خالص را می‌توان دارایی‌های کل در ترازنامه آن شرکت منهای بدهی‌های جاری آن دانست. ارزش خالص می‌تواند در ترازنامه‌هایی که به ندرت ارزش واقعی دارایی‌ها را نشان می‌دهد گمراه‌کننده باشد برای همین و به منظور رسیدن به ارزش دارایی معمولاً لازم است به جای ارزش دفتری، ارزش بازاری آنها تعیین شود.



شاخص

رشد منفی امارات

به گزارش «بلومبرگ»، بر اساس آمارهای اولیه ارائه شده از سوی دولت امارات، کاهش شدید قیمت نفت در بازار جهانی در کنار پیامدهای شیوع ویروس کرونا در سال ۲۰۲۰ سبب شد تا بخش غیرنفتی اقتصاد این کشور رشد منفی ۶/۲ درصدی را تجربه کند. بر اساس بیانیه ارائه شده از سوی وزارت اقتصاد امارات، تولید ناخالص داخلی در این کشور در سال ۲۰۲۰ رشد منفی ۶/۱ درصدی داشته است که نسبت به پیش‌بینی‌های قبلی افت بیشتری را تجربه کرده است. البته وزیر اقتصاد امارات مدعی شد، اقتصاد این کشور بهتر از آنچه انتظار بوده، عمل کرده است.



منهای نفت

فرهنگ توسعه‌ساز

برای تحقق اقتصاد مقاومتی افزون بر تغییر برخی از رفتارهای اقتصادی، باید فرهنگ نوین نیز پایه‌گذاری شده، به عبارت بهتر فرهنگ ایران اسلامی در گذشته را احیا کنیم. فرهنگی که بتواند موضوع توسعه اقتصادی ملی و مستقل را به‌ویژه از وجه اقتصادی آن دنبال کرده و محقق کند. در واقع، یافتن یک اراده و وفای ملی برای دستیابی به توسعه‌ای بدون وابستگی به نفت شاید از موضوعات و مباحث صرفاً اقتصادی مهم‌تر باشد. متأسفانه آنچه فعلاً در کشور وجود دارد نه تنها ما را مجهز نکرده، بلکه فرهنگ گذشته ما را نیز محو کرده است.



رزق‌های ظاهری و باطنی دنیا

گفتاری از حجت‌الاسلام و المسلمین سیدمهدی میرباقری



ولی قلب‌شان در بهشت است و طبیعتاً متنعم در بهشت است. یک عده دیگری هم هستند که بدن‌شان در دنیا کار می‌کند و قلب‌شان در جهنم است. این رزق‌ها فقط رزق معده نیست، رزق عقل و قلب و روح هم است، یا انسان از دست امیرالمؤمنین (ع) می‌گیرد یا از دست اولیای طاغوت. آنهایی که در محیط ولایت امیرالمؤمنین هستند، رزق قلب‌شان یقین، رضا، صبر، توکل، ایمان، خشوع و زهد است، آنهایی هم که در ولایت دیگران هستند رزق قلب‌شان کبر، نخوت، حب دنیا، حرص، حسد و بخل، و این رزق‌ها خیلی مهم‌تر است. همه لذت‌های مسا به رزق‌های قلبی‌مان برمی‌گردد؛ لذت آن کسی که مؤمن شد، با آن کسی که مؤمن نیست، متفاوت است.

ج ۱، ص ۲۹۹) معنای روایت این است که آن شجره‌ای که خدای تعالی به دست خودش غرس کرده، وجود مقدس امیرالمؤمنین (ع) است و هیچ واسطه‌ای هم ندارد... بنابراین الان هم در دنیا همین گونه است؛ آنهایی که اهل بندگی و توحید و ولایت هستند «قُلُوبُهُمْ فِي الْجَنَّةِ وَ أَجْسَادُهُمْ فِي الْعَمَلِ» (نهج البلاغه، ص ۳۰۲) قلب‌شان در بهشت است و از میوه‌های بهشتی تناول می‌کنند. البته رزق در دنیا و آخرت ظاهر و باطن دارد، ظاهر نعمت‌های بهشتی حور است، نهر شراب و عسل است؛ ولی باطنش یک حقایق دیگری است، فرمود: «أَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ» (محمد/۱۵)، در بهشت متقین از این خمر که هیچ سکرری در آن نیست می‌خورند و غرق در لذت می‌شوند، ولی باطن این نهر «فِائَةٌ عِلْمُهُمْ يَلَذُّ مِنْهُ شَبِيعَتُهُمْ» (بحارالأنوار، ج ۲۴، ص ۳۲۱) علم الامام است. در دنیا هم همین‌گونه است، در دنیا هم یک عده‌ای، بدن‌شان کار می‌کند

سیر مسافر عالم دنیا برای نجات از پرستش اولیای طاغوت و نجات از پرستش آتش است، آتش پرستی، نفس پرستی و پرستش اولیای طاغوت است. در روایات آمده است که فرمود: «ولایت دشمنان اهل بیت (ع) آتش است.» (بحارالأنوار، ج ۲۴، ص ۳۲۱) آنها و شیطان ما را به آتش دعوت می‌کنند و آنچه در جهنم روزی این افراد است «چرک و خون و شجره زقوم است.» (حاقه/۳۶) در همین دنیا هم آن کسانی که رزق حرام می‌خورند، از شجره زقوم می‌خورند، منتهی در عالم حجاب‌ها کنار می‌رود و انسان می‌بیند که واقعاً آن چیزی که می‌خورد همین بوده است. مؤمنان هم در این دنیا از شجره طوبی می‌خورند، خداوند تعالی آن را به من وعده داده است، اگر می‌خواهید از آن درختی تناول کنید که خداوند به دست خود کاشته است: «فَلْيَتَوَلَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ أَوْصِيَاءَهُ مِنْ بَعْدِهِ؛ باید علسی بن ابی طالب و جانشینانش را اطاعت کند.» (اصول کافی،

خیرخواهی خدا و اکراه انسان‌ها

ایمان معینی

کارشناس علوم اسلامی



خداوند در قرآن بارها به یکی از ویژگی‌های انسان اشاره کرده و در هر اشاره‌ای نکته‌ای را گوشزد فرموده است. یکی از این ویژگی‌های رفتاری «اکراه» داشتن نسبت به یک فعل است. گاهی انسان‌ها به دلایلی نمی‌خواهند کاری را انجام دهند یا در مسیری خاص حرکت کنند، به ویژه اگر این کار کمی سختی به همراه داشته باشد. این حالت در تمام انسان‌ها چه متدین و چه غیرمتدین وجود دارد که نمونه‌ای از هر یک در قرآن آمده است. قرآن بارها از اکراه کافران و مشرکان خیر می‌دهد و چند مرتبه هم درباره اکراه مؤمنان سخن می‌گوید و دلیل اصلی این اکراه را فقدان علم و آگاهی می‌داند. خداوند در هر دستور و فرمانی خیر بندگان خود را می‌خواهد و قصد دارد با یک عمل آنها را رشد دهد. جالب آنکه اگر این دستورات نبود، رشد و ارتقای مادی و معنوی هم وجود نداشت. خداوند در آیه ۲۱۶ سوره بقره می‌فرماید: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَ هُوَ كُرْهٌ لَكُمْ وَ عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ عَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ!»؛ جهاد در راه خدا، بر شما مقرر شده است؛ در حالی که برای‌تان ناخوشایند است. چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آنکه خیر شما در آن است یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شر شما در آن است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید. در همین آیه شریفه می‌بینیم خداوند جهاد را برای مؤمنان خیر و باعث رشد می‌داند، دوری از آن را شر می‌داند و علت ناخوشایندی و اکراه را نداشتن علم معرفی می‌فرماید. اینکه برخی از انسان‌ها دستور خداوند یا اراده و قدرت و عظمت او را خوش داشته باشند یا نداشته باشند، هیچ اهمیتی برای پروردگار عالم ندارد، اما خیرخواهی او برای بندگان در درجه بالایی قرار دارد. همه موجودات و مخلوقات تحت سیطره خداوند هستند و باید مطیع فرمان او باشند و بدانند هر چه از خداوند سر می‌زند، تمام خیر و محبت و فضل است. در آیه ۸۳ سوره آل‌عمران خداوند اطاعت همه موجودات را می‌خواهد و در آیاتی مانند ۳۲ و ۳۳ سوره توبه و همچنین آیه ۸۲ سوره یونس و مانند آن برای اکراه منافقان و مشرکان هیچ اهمیتی قائل نیست و برای دل‌خوشی آنان از حق کوتاه نمی‌آید؛ زیرا اولاً آنها هیچ‌وقت راضی نمی‌شوند و آرام نمی‌گیرند و ثانیاً این اهمیت می‌تواند از خیراتی که به سمت مؤمنان می‌رود جلوگیری کند. گاهی هم انسان‌ها به دستاوردهای کم و کوچک دلخوش هستند، اما خداوند برای آنان موفقیت‌های بزرگ را در نظر دارد. برای نمونه در آیات ۷ و ۸ سوره مبارکه انفال می‌خوانیم که مسلمانان در یک جریان دل‌خوش به غنیمت بودند، اما خداوند پیروزی در میدان نبرد را برای آنان می‌خواست. به عبارتی خداوند از اینکه برخی افراد به حداقل‌ها در زندگی دنیا می‌روند و آخرتی دل‌خوش هستند، گلاهی می‌کند و می‌خواهد انسان تا بی‌نهایت رشد کند و مترقی شود؛ اما دلیل اصلی اکراه انسان‌ها فقدان علم و آگاهی نسبت به خداوند و دستورات اوست. خداوند در همین آیات بارها اشاره فرمودند که اگر از نیت خدا و خاصیت دستورات آگاه بودید، هیچ‌گاه در برابر فرمان خداوند بی‌ رغبت و بی‌میل نبودید.

اهمیت زمان و مکان در رشد معنوی انسان

سیدحسین خاتمی خوانساری

دبیر گروه معارف



ترغیب برای حضور در آن بستر و محیط است که برای بندگان خاص در نظر گرفته شده است؛ محیطی که سرعت‌بخش است.

با این استدلال تمامی شعائر دینی اهمیت پیدا می‌کنند و ما را به حضور در آن وامی‌دارد.

خداوند زندگی دنیایی و آخرتی انسان‌ها را طوری طراحی کرده که حال، زمان و مکان در آن نقش اصلی را ایفا می‌کنند. شاید زمان‌ها و مکان‌ها تغییر پیدا کنند، اما هدف اصلی که همان حضور در یک محیط برای آغاز سفر است تغییر نمی‌کند.

برای نمونه، وقتی امام حسن عسکری (ع) می‌فرمایند:

«إن الرسول إلى الله عزوجل سفر لا یدرک إلا بامتطاء اللیل»؛ یعنی لقای پروردگار سرانجام یک سفر است که مقدمه این سفر نماز شب است. آن کسی که می‌خواهد به خدا برسد، باید در زمان مناسب (قبل از نماز صبح)، مکان مناسب و حالت مناسب با دستوری مشخص نماز بخواند تا بتواند اهل سفر بشود و لایق لقای محبوب. نه تنها شعائر دینی از این اصل پیروی می‌کنند، بلکه رفتارهای اجتماعی و سیاسی هم با این قاعده توجیه می‌شوند.

نتیجه آنکه حضور فیزیکی مسافر در زمان‌ها و مکان‌های خاص لازم است تا در آن و به وسیله آن به اهداف خاص برسیم، مانند بسیاری از رفتارهای زندگی مادی.

شب مؤمنان باید در حال، حالت و زمان مورد نظر باشند تا بتوانند از فضایل این شب بهره ببرند. در این موقعیت است که عمل معنا پیدا می‌کند؛ یعنی مقدمه‌ای باید فراهم باشد تا عملی صورت بگیرد و معرفتی به دست بیاید.

شب‌های ماه مبارک رمضان، شب قدر، عید فطر، روز عرفه، روز عید قربان و غدیر و بسیاری از روزها و شب‌های دیگر زمان‌هایی هستند برای حضور و مراقبت، که هر یک رازهایی برای خواص و مشتاقان دارند؛ اما مهم‌تر از آن، اینکه این شب‌ها و روزها بستر برای رشد و توسعه مقام انسانیت و بندگی هستند.

به عبارتی خداوند این لحظات را بستر و محیطی قرار داده است تا مؤمنان در آن قرار بگیرند و مراتب معنوی را برای ملاقات خدا طی کنند. پس اینکه انمه معصوم (ع) درباره حضور در مکان و زمان و اعمال خاص در لحظات خاص سفارش‌های متعدد دارند، بی‌جهت نیست. البته حال افراد می‌تواند بر زمان و مکان غلبه کند و دفعتاً مسیر هزار شب را در یک شب طی کند که به ندرت اتفاق می‌افتد.

ما احادیث بسیار زیادی داریم که اگر فردی در مکان یا زمانی خاص فعلی را انجام دهد، ثواب چندین حج و چندین سال نماز و روزه مقبول به او اعطا می‌شود. دلیل این گشاده‌دستی چیست؟ شاید اولین آن ترغیب باشد برای حضور، اما این

خداوند هم برای این مخاطب خاص خود با زبان اصطلاح یا کلمات و جملاتی که بار معنایی متعددی دارند، سخن گفته است تا مشتاقان با تکرر بیشتر به اعماق مفاهیم برسند و به وسیله آن رشد بیشتر پیدا کنند.

این رفتار با مخاطب خاص و عام را در سیره اهل بیت (ع) هم می‌توانیم مشاهده کنیم. ایشان به ظرفیت مخاطب خود و به اشتیاق او برای فهم بیشتر و معرفت بیشتر نگاه می‌کردند و هنگامی که شوق او را می‌دیدند، جرعه جرعه معرفت و علم به کامش می‌ریختند.

نمونه‌های فراوانی از این افراد را می‌شناسیم که اشتیاق و طلب بیشتری داشتند و در عوض معرفت بیشتری هم کسب کردند. برای نمونه، هنگامی که مولی‌الموحدين علی (ع) داوطلبی برای تعلیم دعای حضرت خضر خواستند، تنها جوانی با معرفت به نام «کمیل بن زیاد نخعی» بود که طالب یادگیری این دعا شد.

همچنین اسلام دینی است که حضور افراد را در زمان‌ها و مکان‌های معین با شرایط ویژه ضروری می‌داند تا آنان را از دریای معرفت و فضل خود سیراب کند؛ به همین دلیل همه دستورات دینی شامل زمان و مکان خاص می‌شوند و خداوند از بندگان خود می‌خواهد خود را به موقعیت‌های سفارش شده برسانند.

مثال آشنای آن شب‌های قدر است؛ در این

شب‌های ماه مبارک رمضان به سرعت گذشت. آنان که از این فرصت استفاده کردند، غرق در نعمات الهی شدند و آنان که غفلت کردند، در میان راه ماندند و از زیبایی‌های این ماه مبارک بهره کافی را نبردند. ماه مبارک رمضان جدای از آنکه ماه برکات معنوی، علمی و اخلاقی است، ماه رازها و اسرار معنوی هم هست. رمز و راز این ماه برای خواص در نظر گرفته شده است که قصد دارند از سطح معنویات به عمق آن بروند، در دریای فضایل غواصی کرده و گوهرهای ناب از آن استخراج کنند.

خداوند برای دین خود دو نوع مخاطب در نظر گرفته است: مخاطب خاص که زحمت بیشتری برای درک حقایق عالم می‌کشد و مخاطب عام که کمترین حد از دینداری را برای خود کافی می‌داند. مخاطب خاص مدام در پی کشف حقایق دین و اسرار آن است تا بتواند از طریق آن به خالی خود نزدیک شود و بندگی بهتری داشته باشد.

او با انکا و توکل به خداوند در مسیر شناخت و معرفت قدم برمی‌دارد و خود را مشتاق گام نهادن در مسیری که انتها ندارد، نشان می‌دهد. در مقابل

حرکت در مکتب

استاد سیدمنذر حکیم: ما در مکتب اهل بیت (ع) حرکت می‌کنیم؛ ویژگی مهم این مکتب، فتح باب اجتهاد است. یعنی خداوند تعالی در قرآن کریم دستور داده که عده‌ای بروند و در دین متخصص شوند که ایسن تخصص در دین هیچ‌گاه بسته نخواهد شد، چون اسلام دین علم و تفکر و تعقل و عمل است و طبیعت اسلام به ما اجازه سد باب اجتهاد را نمی‌دهد. مکتب اهل بیت، مکتب منطقی است که باب اجتهاد را ضابطه‌مند کرد که قواعد آن در قرآن کریم بیان شده است.



اعتقاد به ولایت فقیه

پرسش: وظیفه ما در برابر کسانی که اعتقادی به ولایت فقیه جز در امور حسبیه ندارند، با توجه به اینکه بعضی از نمایندگان آنان این دیدگاه را ترویج می‌کنند، چیست؟

پاسخ: ولایت فقیه در رهبری جامعه اسلامی و اداره امور اجتماعی ملت اسلامی در هر عصر و زمان از ارکان مذهب حقه اثنی عشری است که در اصل امامت ریشه دارد. اگر کسی به نظر خود و براساس استدلال و برهان به عدم لزوم اعتقاد به آن رسیده باشد، معذور است، ولی ترویج اختلاف و تفرقه بین مسلمانان برای او جایز نیست؛ و اگر در نیروهای مسلح باشد، باید تصمیم مقتضی نسبت به ادامه خدمت وی گرفته شود.



ذکر مدام

علامه حسن حسن‌زاده‌آملی: و اما تقویت روحانیت: اولاً دانما باید هم و حزن قلبی به جهت عدم وصول به مطلوب داشته باشد. ثانیاً تا می‌تواند ذکر و فکر را ترک نکند که این دو جناح سیر آسمان معرفت است. در ذکر عمدۀ سفارش اذکار صبح و شام و عمدۀ تر ذکر وقت خواب که در اخبار مأثور است، لاسیما متطهرا در حال ذکر به خواب رود و شب‌خیزی می‌فرمودند زمستان‌ها سه ساعت، تابستان‌ها یک ساعت و نیم و می‌فرمودند که در سجده ذکر یونسیمه یعنی در مداومت آنکه شبانه‌روزی ترک نشود. (پرتو سخن، سال دوازدهم، ۸ تیر ۱۳۹۰)



تقویم انقلاب

قهر آیت‌الله طالقانی!

سید مهدی حسینی

مورخ و پژوهشگر



از همان روزهای ابتدایی پس از انقلاب اسلامی، جریان‌های اقلیتی که مخالف «جمهوری اسلامی» بودند و به طرق مختلفی غائله می‌آفریند، تلاش می‌کردند با بدگویی‌ها، مأموس کردن مردم، تیززدن‌ها و شایعه‌سازی‌ها و... افکار عمومی جامعه را مخدوش کنند.

یکی از رخداد‌های خلق شده در فروردین ماه سال ۱۳۵۸ که به شدت مورد سوء استفاده این جریان‌ها قرار گرفت، ماجرای دستگیری فرزند آیت‌الله طالقانی به دست کمیته و قهر آیت‌الله و ترک تهران بود. ماجرا از آنجا شروع شد که شب ۲۳ فروردین، یعنی ۱۰ روز پس از برگزاری همه‌پرسی جمهوری اسلامی، «هانی الحسن» مسئول دفتر سازمان آزادی‌بخش فلسطین ضمن تماس تلفنی با آیت‌الله طالقانی، می‌گوید پیامی از سوی یاسر عرفات آورده است. آیت‌الله طالقانی هم صبح هنگام دو نفر از فرزندان‌ش، یعنی مجتبی و ابوالحسن را مأمور دریافت پیام می‌کند. هانی الحسن در این دیدار می‌گوید که به آیت‌الله طالقانی بگویید: «دولت موقت از ما خواسته تا دفترمان در اهواز را که با موافقت شورای انقلاب و سیداحمد خمینی دایر شده است، تعطیل کنیم و این امری بی‌سابقه است.» پس آیت‌الله طالقانی عضو گروهک منافقین (سازمان مجاهدین خلق) بود و به دلیل برخی اقدامات خلاف قانون (از جمله اتهام قتل) تحت تعقیب بود، لذا هنگام بازگشت از آن جلسه به دست تیمی از کمیته‌های انقلاب اسلامی دستگیر و بازداشت می‌شود.

خبر دستگیری او موجب آزرده خاطر آیت‌الله طالقانی شده و ایشان به حالت قهر در اعتراض به این اقدام دفتر خود در تهران را بسته و تهران را به یکباره ترک می‌کنند! پس از انتشار این خبر گروهک‌های مختلف شروع به جنجال و جوسازی کرده و با برپایی تظاهرات خیابانی از فرصت پیش آمده بهره‌برداری می‌کنند. حتی سازمان مجاهدین خلق پیشنهاد می‌کند که آماده است قوای نظامی خود را در اختیار آیت‌الله طالقانی قرار دهند!

در این وضعیت در دوم اردیبهشت ماه شورای انقلاب طی صدور اطلاعیه‌ای با اشاره به مجاهدت پیگیر آیت‌الله طالقانی و رتبه بالای ایشان نزد امام خمینی (ره) و مردم ایران، غیبت بیشتر ایشان را جایز ندانسته، اعلام کرد: «ملت بداند شورای انقلاب در مقابل خودسری‌ها نه بی‌تفاوت می‌ماند و نه اجازه می‌دهد عوامل تحریک و توطئه با سرنویشت کشور بازی کنند و مقدمات بازگشت از نوع رژیم گذشته را فراهم کنند! شکی نیست آیت‌الله به امکان بهره‌گیری و فرصت‌طلبان از این پیشامد توجه فرموده‌اند و با عنایتی که به حساسیت موقعیت کشور دارند غیبت بیش از این را جایز نخواهند شمرد و با حضور ایشان واقعیت رخدادها بر همگان مکشوف و تدبیر قاطع برای این بین بردن زمینه توطئه و تحریک اتخاذ خواهد شد.»

در این حال سیداحمد خمینی در اسرع وقت خود را به آیت‌الله طالقانی می‌رساند تا پیام امام را به ایشان برساند و ایشان را از سوءاستفاده منافقین آگاه کند. بعد از مذاکره ماجرا فیصله می‌یابد. آیت‌الله طالقانی به قم آمده و طی سخنانی در مدرسه فیضیه از کمیته‌ها دفاع می‌کنند و تعلق خود را به اسام و نهاد‌های انقلاب اعلام داشته و از تفرقه‌افکنان برانت می‌جویند.

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ و به قدرت رسیدن جریان چپ، پایانی بر جریان‌شناسی سیاسی گذشته و سرآغاز چینش جدیدی از آرایش گروه‌های سیاسی در کشور بود. در همین دوره بود که شاهد شکل‌گیری جریان اصولگرا در سپهر سیاسی کشور بودیم.

اصولگرا، اصولگرایان و اصولگرایی در ادبیات سیاسی معاصر به جریان فکری-سیاسی‌ای گفته می‌شود که در پی تحولات سیاسی-فرهنگی دوران اصلاحات و در اواخر دهه ۱۳۷۰ شکل گرفت.

رهبر معظم انقلاب اسلامی که بیانات ایشان در شکل‌گیری گفتمان اصولگرایی مؤثر بود، در تعریف اصولگرایی می‌فرماید: «اصولگرایی یعنی اصول مستدل و منطقی را قبول داشتن و به آنها پایبند ماندن و رفتارهای خود را با آن اصول تطبیق کردن؛ مثل شاخص‌هایی که انسان را در یک جاده هدایت می‌کند.»

در واقع، اصولگرایی نه صرف یک جریان سیاسی، بلکه یک نگرش و مکتب فکری است که بر اساس آن یک جریان سیاسی شکل گرفته است. در این نگرش، اصولگرایی ناظر به آن اصول و میانی است و اصولگرایان به کسانی گفته می‌شود که خود را به آن اصول پایبند می‌دانند.

این اصول که در اندیشه سیاسی حضرت امام(ره)، در قانون اساسی جمهوری اسلامی و در بیانات حضرت امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) به شکل‌های گوناگون بیان شده و مورد تأکید قرار گرفته است، عبارت است از:

۱- اعتقاد به اسلام و جامعیت آن، ۲- اعتقاد به پیوند دین و سیاست و نظریه مرفقی ولایت مطلقه فقیه، ۳- اعتقاد به امام خمینی (ره) و آرمان‌های الهی ایشان، ۴- اعتقاد به جمهوری اسلامی و قانون اساسی به منزله میثاق ملی، ۵- اعتقاد به رهبری و ولایت امام خامنه‌ای و فصل الخطاب

شاید بتوان یکی از مهم‌ترین علل انحطاط شاه پهلوی را تکبر و خودبزرگ‌بینی عجیبی دانست که حاضر نمی‌شد سخن هیچ‌کس، حتی مشفقان و دلسوزان خود را بشنود. او آنچنان در توهمات جاه‌طلبانه خود غرق بود که منتقدان و مخالفان و افکار عمومی را به رسمیت نمی‌شناخت و گوشش به هیچ تلنگر و نقدی شنوا نبود. در رأس منتقدان و مخالفان شاه، حضرت امام خمینی(ره)، مرجع عالیقدر جهان تشیع قرار داشت که محمدرضا احقرانه گمان می‌کرد توانی برای مقابله با رژیم سلطنتی ندارد. وی وقتی به قدرت و نفوذ امام(ره) پی برد که دیگر دیر نشده بود و صدای فروپاشی رژیم منحنط پهلوی به گوش می‌رسید. فریدون هویدا، از عناصر فعال دربار پهلوی در کتاب «سقوط شاه» که در انتشارات اطلاعات به چاپ رسیده است، می‌نویسد: «اجرای برنامه نوسازی موسوم به «انقلاب سفید» با مخالفت شدید روحانیون به‌ویژه آیت‌الله خمینی مواجهه و در پی آن تهران با اعتراض‌های وسیعی روبه‌رو شد. ششاه در مقابل، روش سرکوب‌خونین‌رادر پیش‌گرفت و رهبر اعتراضات را دستگیر، زندانی و بعدها تبعید نمود. شاه نه تنها توجهی به تذکر کارشناسان نداشت؛ بلکه به افکار عمومی هم که به صورت مرتب از گرایش سریع او به دادن جنبه‌ای غربی به جامعه ایرانی

تولد جریان اصولگرایی

صف‌آرایی‌های جناح‌های سیاسی در دهه ۸۰ - بخش اول

دانستن کلام رهبری.

فارغ از ملاحظات گفتمانی، روایت شکل‌گیری جریان اصولگرایی با تشکیل مجموعه‌ای با عنوان «شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی» آغاز شد که هدف آن ساماندهی جریانی بود که در سه انتخابات متوالی ناکام مانده بود. جریان منتقد جبهه دوم خرداد در انتخابات اولین دوره شوراهای در سال ۱۳۷۷ و انتخابات مجلس ششم در سال ۱۳۷۸ و هشتمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۱۳۸۰ با شکست و ناکامی مواجه شد.

این جریان از روندی که دوم خرداد پدید آورده بود، نگران بود؛ لذا برای خروج از انفعال در جست‌وجوی راهکارهای جدید برآمد و در همین راستا، چهار تشکل حزب مؤتلفه اسلامی، جمعیت ایثارگران، جامعه اسلامی مهندسان و جامعه اسلامی پزشکان در شهریور ۱۳۷۸ گرد هم آمدند تا با آسیب‌شناسی وضعیت نیروهای انقلاب، به راهکارهای برون‌رفت از حالت انفعال دست یابند.

در پایان این نشست، ۱۲ نفر از اصولگرایان، از جمله آقایان حبیب‌الله عسگرآولادی، حمیدرضا ترقی، محمود احمدی‌نژاد، حسین فدایی، علی‌اکبر پرورش، منوچهر متکی، محمدرضا باهنر، علی‌داری و محمدرضا شمیرانی با عنوان «شورای هماهنگی نیروهای انقلاب» مأمور برنامه‌ریزی برای اصولگرایان شدند.

با نزدیک شدن به انتخابات دومین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا، شورای هماهنگی نیروهای انقلاب تصمیم گرفت با عنوان جدید «آبادگران ایران اسلامی» وارد عرصه انتخابات شود. مسئولیت انتخاب نامزدها و هدایت تبلیغات انتخاباتی در تهران و مراکز استان‌ها و شهرها نیز به آقایان احمدی‌نژاد و فدایی واگذار شد.

«حسین فدایی» دبیرکل جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی که خود از فعالان شکل‌گیری این شورا بود، با بیان اینکه طی دو سال نزدیک به ۸۰ ملاقات با مسئولان سیاسی آن زمان داشتیم، می‌گوید:

«تمام این افراد به اتفاق حرف‌ها را تأیید کردند و گفتند باید دست به دست هم دهیم و اختلافات را کنار بگذاریم. حتی آقای خاتمی که در آن زمان رئیس‌جمهور بودند، گفتند من باید یک جلسه بگذارم و عقلا را دور هم جمع کنم تا یک کاری انجام دهیم، اما متأسفانه بعد از دو سال هیچ اقدام عملی صورت نگرفت. ما این موضوع را خدمت آقا گزارش دادیم، آقا فرمودند منتظر بقیه نشوید و انتهای که قبول دارند دور هم جمع شوند. آنجا بود که هسته و ریشه شورای هماهنگی نیروهای انقلاب شکل گرفت.» وی همچنین گفت: «آقای ناطق، آقای تولکی، آقای باهنر، آقای عسگرآولادی و من هسته اصلی این شورا بودیم و دوستان دیگری مثل آقای تقوی، رضایی، لاریجانی و... هم برحسب مورد اضافه می‌شدند.»

در بیستم بهمن ماه ۱۳۸۱ و در بحبوحه تبلیغات گروه‌های شناخته شده و نامدار سیاسی، عده‌ای از اصولگرایان گمنام با نام «اتلاف آبادگران ایران اسلامی» اعلام موجودیت کردند.

مهندس مهدی چمران شاخص‌ترین فرد این گروه و سخنگوی آنان شد و طی مصاحبه‌ای «انتخابی آگاهانه، عملکردی مسئولانه و شهری آباد» را شعار محوری «اتلاف آبادگران ایران اسلامی» اعلام کرد.

سخنگوی آبادگران، التزام عملی به قانون اساسی و ولایت‌فقیه، تلاش برای از بین بردن تبعیض و گسترش فرهنگ عدالت‌خواهی، ترجیح منافع ملی بر منافع شخصی و سیاسی، صداقت در گفتار و سلامت در عمل و پایبندی به روال منطقی تصمیم‌گیری جمعی و احترام به نظر اکثریت را از اصول آبادگران اعلام کرد.

عمل هوشمندانه آبادگران از یک سو و تفرقه درونی دوم خرداد‌ها از سوی دیگر، موجب شد اصولگرایان در انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا به پیروزی چشمگیری دست یابند. همه ۱۵ کرسی شورای شهر تهران و ۶۴ درصد از کرسی‌های شوراهای شهر و روستا در

دیگر استان‌های کشور در اختیار اصولگرایان قرار گرفت. این پیروزی، اصولگرایان را از حالت انفعالی خارج کرد و مقدمه‌ای برای تلاش آنان شد تا در انتخابات بعدی نیز موفق شوند.

اصولگرایان با حفظ وحدت درونی و اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهای هوشمندانه، در انتخابات هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی نیز موفق شدند با کسب ۲۱۰ کرسی مجلس شورای اسلامی، مجلس هفتم را با اکثریت اصولگرا در اختیار بگیرند.

جریان یا جبهه اصولگرایان متشکل از چندین حزب و گروه سیاسی است که مهم‌ترین آنها را که معمولاً در انتخابات ادوار گذشته فعالیت داشته‌اند می‌توان به این شرح برشمرد:

۱- جامعیتین شامل جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و جامعه روحانیت مبارز تهران به عنوان تشکل‌های معنوی و حامی اصولگرایان، ۲- حزب مؤتلفه اسلامی، ۳- جامعه اسلامی مهندسیین، ۴- جمعیت ایثارگران، ۵- جامعه زینب، ۶- جمعیت رهپویان انقلاب اسلامی، ۷- جمعیت اسلامی پزشکان، ۸- جامعه اسلامی اصناف و بازار تهران، ۹- جامعه اسلامی فرهنگیان، ۱۰- انجمن اسلامی فارغ‌التحصیلان شبه‌قاره هند، ۱۱- جامعه اسلامی دانشگاهیان، ۱۲- جامعه اسلامی کارمندان، ۱۳- جامعه اسلامی ادوار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴- جامعه اسلامی ورزشکاران، ۱۵- جمعیت زنان انقلاب اسلامی، ۱۶- جامعه اسلامی دانشجویان، ۱۷- انجمن اسلامی روزنامه‌نگاران مسلمان، ۱۸- چکاد آزاداندیشان، ۱۹- جمعیت فدائیان اسلام، ۲۰- جبهه پایداری و ۲۱- جبهه ایستادگی.

شکل‌گیری جریان اصولگرا سبب شد جناح‌بندی‌های سیاسی کشور که زمانی با عناوین چپ و راست تعریف می‌شدند، وارد مرحله جدیدی شوند و دو جریان جبهه دوم خرداد و جریان اصولگرا جایگزین دسته‌بندی‌های قبلی شوند.

حافظه

قهرمان آزادی‌بخش

نگاهی به سرنوشت تلخ رابرت موگابه مبارز ضد آمریکایی

رویترز، موگابه در مسیر هدایت کشورش به سوی استقلال و جدایی از بریتانیا به «قهرمان آزادی‌بخش آفریقا» و «قهرمان آشتی نژادی» معروف شده بود؛ اما ضعف و ناکارآمدی دولت‌های تحت اداره وی به همراه فشارهای اقتصادی و... غرب در رأس آن انگلیس موجب شد تا این قهرمان آزادی‌بخش به ویرانگر زیمبابوه تبدیل شود. زیمبابوه که روزگاری «انبار آذوقه آفریقا» نامیده می‌شد، با سوء مدیریت موگابه به فقیرترین کشور آفریقایی (حتی جهانی) تبدیل شد؛ به گونه‌ای که نرخ تورم در این کشور به چند میلیون درصد رسید و اسکناس صد تریلیون



دلاری حتی نیم دلار هم ارزش نداشت. مردم زیمبابوه دیگر راضی به ماندن موگابه در قدرت نبودند و از سوی دیگر ارتش و پارلمان چندین مرتبه به وی ابلاغ کرده بود که از کرسی قدرت کنار برود. در عین حال ارتش نمی‌خواست با اجبار وی به کناره‌گیری، احترام او را از بین ببرد. موگابه در سال ۲۰۱۳ برای هفتمین بار رئیس‌جمهور زیمبابوه شد، اما اوضاع نابسامان اقتصادی و رشد تصاعدی نرخ تورم در این کشور، آستانه تحمل مردم را به سر آورده بود، علاوه بر این ارتش و پارلمان هم دیگر راضی به ابقای وی در قدرت نبودند، بنابراین ارتش این کشور در نوامبر ۲۰۱۷ موگابه را دستگیر کرد و او را به حصر خانگی برد.

در بین رهبران آزادیخواه قرن بیستم در آفریقا «رابرت موگابه» نام خاص و متفاوتی است. «موگابه» رهبر و بنیانگذار «روزنیا» سابق (زیمبابوه کنونی) در ۲۱ فوریه ۱۹۲۴ در خانواده‌ای کاتولیک متولد شد. موگابه از نظر ایدئولوژیک؛ یک ملی‌گرای سوسیالیست آفریقایی به شمار می‌رفت که در سال ۱۹۶۳ پایه‌گذار جنبش «اتحاد ملی آفریقایی زیمبابوه» موسوم به «زانو» (ZANU) بود که به عنوان جنبش مقاومتی علیه حاکمیت استعمارگران بریتانیا در آن منطقه فعالیت می‌کرد. وی سرانجام در سال ۱۹۸۰ توانست با تداوم مبارزات خود استقلال را برای

روزیله که دیگر زیمبابوه نام داشت. به ارمان بیاورد. موگابه در همان سال نخست‌وزیر کشور تازه تأسیس جمهوری زیمبابوه شد و هفت سال بعد از آن به ریاست‌جمهوری این کشور رسید؛ ریاست‌جمهوری که تا سال ۲۰۱۷ ادامه پیدا کرد. پس از استقلال، او از محبوبیت فراوانی در میان مردم برخوردار شد و اقدامات او در گسترش امکانات درمانی و آموزشی استقبال فراوانی را در داخل و خارج از کشورش در پی داشت. وی از همان ابتدا با اعمال اصلاحات ارضی، زمین‌های کشاورزان سفیدپوست را گرفت و میان سیاهپوستان تقسیم کرد که این امر پایانی بر فنودالیسم (ارباب‌رعیتی به نفع طبقه سفیدپوست) در این کشور بود. به نوشته

دهلیز

شاه متوهم

نگاهی به نحوه مواجهه محمد رضا پهلوی با انقلابیون

انتقاد می‌کرد، اهمیتی نمی‌داد. در شرایطی که جوانان کشور در درون یک جامعه مصرف‌زده که هیچ معیار ارزشی به آنها عرضه نمی‌کرد سردرگم مانده بودند، مساجد در رشد و توسعه فعالیت‌های سیاسی نقش مؤثری ایفا کردند. وجود ۸۰ هزار مسجد در سراسر ایران یک تشکیلات اساسی در کشور به وجود آورده بود که در صورت لزوم می‌توانست مردم را در جهت خواست رهبران مذهبی بسیج کند. در همین مساجد بود که نوارهای سخنرانی آیت‌الله خمینی برای حاضران پخش می‌شد و به گوش مردم سراسر ایران می‌رسید. در مقابل، شاه که از سستی پلیس امنیتی خود عصبانی بود، حملات خود به آیت‌الله را افزود: «مسئله آنقدرها هم مهم نیست. اصلاً باید دید چه کسانی با من مخالف هستند! خمینی؟! کسی او را حساب نمی‌کند!» با این حال برای خروج آیت‌الله از عراق و رفتن به کشوری دیگر به مقام‌های عراقی فشار آورد و با رفتن [امام] خمینی به فرانسه بود که خیال خود را آسوده یافت؛ زیرا فکر می‌کرد با این فاصله ۵۰۰۰ کیلومتری تکلیف [امام]

خمینی را هم مثل سایر مخالفان خود روئشن کرده است. در آن لحظه ابدأ به ذهن او خطور نمی‌کرد که ورود آیت‌الله به فرانسه نه تنها آغازی بر پایان خودش، بلکه پایانی بر ۲۵ قرن حاکمیت شاهنشاهی بر ایران خواهد بود.»



احیای سیاست اخلاقی و نشاط سیاسی



حمزه عالمی
دکتری اندیشه سیاسی

اهمیت مشارکت حداکثری در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ بر همه نخبگان و فعالان سیاسی آشکار بوده و در این زمینه مطالب زیادی نوشته شده است، اما از باب یادآوری، دلیلی را که شاید کمتر گفته شده است، در اینجا تذکر می‌دهیم و آن بر خاسته از نوع نگاه دولت آمریکا به ایران است.

انتخابات و رفع تحریم‌ها

دولت جو بایدن با زیرکی زیادی سعی می‌کند تأمین حقوق ایران در برجام را که مهم‌ترین آن برداشتن تحریم‌ها به صورت عملی است، با موضوع انتخابات ریاست جمهوری کشورمان تنظیم کند، به این معنا که اگر دولت آمریکا به این نتیجه برسد که در انتخابات پیش رو گزینه‌ای در حال پیروزی است که خواهان رفع تش با آمریکا است، احتمالاً رفع تحریم‌ها را به صورت موقت در دستور کار قرار خواهد داد، اما اگر چنین برداشتی از فضای انتخاباتی ایران نداشته باشد، مذاکرات را فرسایشی کرده و اقدام مؤثری در زمینه رفع تحریم‌ها انجام نخواهد داد. در این میان، یک وضعیت همواره برای آمریکا فرصت‌ساز بوده و آن مشارکت پایین مردم ایران در انتخابات است. این موضوع نیز در نوع اقدامات آمریکا در زمینه تحریم‌ها تأثیرگذار است، یعنی اگر فضای قبل از انتخابات ایران گویای مشارکت ضعیف مردم در انتخابات باشد، آمریکا باز هم با فرسایشی کردن مذاکرات و انجام ندادن اقدامی مؤثر در زمینه تحریم‌ها، بر ناامیدی و سرخوردگی جامعه ایران خواهد افزود تا بی‌رغبتی مردم نسبت به انتخابات را افزایش دهد.

همچنین دولت بایدن در چنین فضایی این ریسک را مرتکب نخواهد شد که با برداشتن حتی بخشی از تحریم‌ها، پشتوانه‌ای برای پیروزی یک گزینه مطلوب در انتخابات ایران فراهم کند؛ چرا که مشارکت پایین در انتخابات ایران را بیشتر

فرصت‌ساز می‌داند. به این ترتیب، مشارکت پایین در انتخابات ۱۴۰۰ برای همه جریان‌ها و جناح‌های سیاسی ایران خسارت‌بار خواهد بود و این موضوع برای نیروهای ارزشی و متعهد به انقلاب اسلامی باید خطری بزرگ دانسته شود. در چنین شرایطی چه چیزی می‌تواند زمینه مشارکت حداکثری در انتخابات را فراهم کند؟

احساس نیاز

به مشارکت تحت‌الشعاع توهم پیروزی

حضور حداکثری مردم در انتخابات وابستگی زیادی به نوع کنش انتخاباتی نیروهای سیاسی دارد. در وضعیت کنونی نیروهای ارزشی و متعهد از ضرورت مشارکت حداکثری آگاهند، اما در همین حال برخی از آنان دچار توهم پیروزی شده و به تبع این توهم، اقداماتی را اغلب ناخواسته مرتکب می‌شوند که حوزه سیاست را به منازعه، درگیری و انتقام آلوده کرده و آن را برای مردم بسیار غیرجذاب می‌کند. طی هفته‌های اخیر انتشار فایل صوتی ظریف و سخنان ناروای او درباره تأثیر اقدامات نظامی و مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه بر حوزه دیپلماسی، زمینه تخریب وجهه جمهوری اسلامی از سوی رسانه‌های دشمن را فراهم کرد و در چنین وضعیتی پاسخ به اظهارات ظریف‌دهنده خود از بیان آنها اثر از ندامت کرده است. امری لازم بود؛ چرا که شخصیت و عملکرد سپهبد



شهید سلیمانی نه تنها برای جمهوری اسلامی در منطقه تولید قدرت کرده است، بلکه وحدت و انسجام مردم ایران و اعتماد آنان به جمهوری اسلامی را نیز افزایش داده و عزت و غرور ملی ایرانیان را ارتقا بخشیده است. از این منظر، وری اهداف و انگیزه‌های خیانت‌آمیز انتشار فایل صوتی، اساساً نفس سخنان ظریف محل تأمل جدی و مایه تعجب و تأسف است، اما در این میان نباید با تند و افراطی کردن فضا، نقد را با انتقام اشتباه گرفته و فضای کنونی را به آوردگاهی برای ذبح تمامی اقدامات انجام شده تبدیل کرد. بخشی از علل این رویکرد رادیکال در غفلت از اهمیت مشارکت حداکثری و توهم پیروزی از سوی برخی از انقلابیون رادیکال ریشه دارد، در حالی که نیروهای ارزشی و متعهد باید با تأمل و هوشمندی بیشتری رفتار کنند و فضای سیاسی کشور را تحت‌الشعاع تیرهای هیجانی، رادیکال و آلوده به توهم پیروزی قرار ندهند. ترتیب دادن مصاحبه با ظریف و سپس افتادن این فایل صوتی به دست بیگانگان، رشادت‌های سردار دلها را به مسلخ نمی‌برد، چرا که ارزش و اعتبار مجاهدت‌های ایشان بر دوست و دشمن آشکار است، بلکه حوزه سیاست ایران را در آستانه انتخابات، به رادیکالیسم و منازعه آلوده می‌کند و بر ناامیدی مردم و کاستن از مشارکت آنان در انتخابات که به یقین از اهداف اصلی دشمنان در این مقطع است، می‌افزاید.

نشاط سیاسی

لازمه مشارکت حداکثری

مشارکت و حضور در انتخابات زمانی افزایش می‌یابد که با ارائه چهره جذابی از حوزه سیاست، شور و نشاط سیاسی در مردم برافروخته شود. در وضعیت کنونی، جامعه ایران درگیر با مشکلات اقتصادی مختلف بوده و محدودیت‌های بیماری کرونا نیز بر عصبانیت و حتی افسردگی بخش‌هایی از جامعه افزوده است. در چنین شرایطی حوزه سیاست نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در تشدید مشکلات یا خروج از آنها دارد. سیاست در رأس امورات هر جامعه‌ای است و انگیزه و امید مردم به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه با نگاه به این حوزه تغییر و تحول می‌یابد و این موضوع در چند هفته مانده به انتخابات ریاست جمهوری از حساسیت بیشتری برخوردار است، بنابراین حوزه سیاست را باید به گونه‌ای نمایان کرد که زمینه رغبت، نشاط و امیدواری جامعه به انتخابات را فراهم کند، نه اینکه با برخورد‌های انتقام‌جویانه و سیاه‌نمایی مطلق از عملکردهای بخش‌های مختلف نظام، تصویری تیره و تار از حوزه سیاست به جامعه القا کرد و بر این گمان بود که این تصویر می‌تواند سبب رویگردانی مردم از جریانی سیاسی به جریانی دیگر شود. این یک گمان باطل است، چرا که مقدمه تمایل مردم به حوزه سیاست را اغلب عناصر حسنی و عاطفی تشکیل می‌دهند و محاسبه و تصمیم‌گیری در این راستا بر اساس جریانی سیاسی در مرحله بعد از این قرار می‌گیرد. علاوه بر این، شور و نشاط سیاسی و احساس شادکامی در حوزه سیاست، تأثیر بسیار زیادی در احیای فضایل اخلاقی در جامعه دارد و در بحبوحه مشکلات و عصبانیت‌های نهفته در جامعه ایران، این موضوع، نیازی اساسی است. شادکامی در حوزه سیاست موضوعی بسیار مهم نزد برخی فلاسفه سیاسی همچون ارسطو است و اساساً ارسطو غایت سیاست را یودایمونیا (Eudaimonia) می‌داند که آن را دربردارنده سعادت، شادکامی و بهروزی دانسته‌اند. این نوع شادکامی که از لذت‌های غریزی تفکیک می‌شود، برخاسته از ظهور عقل است و یک سیاست منطقی به دوستی و دربردارنده دیالکتیک و تضارب آرا می‌تواند زمینه ظهور عقل را فراهم کرده، نشاط سیاسی را برانگیزد و به دنبال آن فضایل اخلاقی در جامعه را نیز احیا کند.

آفاق

نظریه نظام انقلابی - ۴۹

گفتمان‌سازی نگاه انقلابی!



محسن محمدی الموتی
استادیار مجتمع آموزش عالی شهید مطهری (ره)

عز فراتر رفتن از جزم‌اندیشی‌های نظری: در حوزه اندیشه انقلابی، یک الزام مهم، گرفتار نشدن در حوزه‌های نظری غیر مرتبط و فاقد قابلیت عملی شدن و فراتر رفتن از جزم‌اندیشی‌های نظری است. به عبارت دیگر، از آنجا که در حوزه اندیشه الزامات تحقق نظام انقلابی را در سطح ایده بررسی کردیم، در این مطلب، دو مورد مهم دیگر را بررسی می‌کنیم. ۵- گفتمان‌سازی: تقویت نگاه انقلابی در کشور مستلزم «گفتمان‌سازی» است. در این زمینه، باید بسا ترویج و تبیین ضرورت این موضوع در این برهه از زمان برای کشور و طرح آن در فضای عمومی جامعه، برای تقویت گفتمان و نگاه انقلابی تلاش شود. اهمیت این بحث از آنجا ناشی می‌شود که وقتی موضوعی به گفتمان عمومی جامعه تبدیل شود، چارچوبی برای هدایت جهت‌گیری‌ها و فعالیت‌های افراد، سازمان‌ها و... خواهد بود. به عبارتی، وقتی یک موضوع به گفتمان تبدیل شود؛ یعنی در فضای عمومی جامعه جای گرفته است؛ در این حالت می‌توان امیدوار بود که همه خود را در چارچوب و قالب آن گفتمان تعریف کرده و برنامه‌ها و کنش‌های خود را با آن هماهنگ کنند. در این صورت، تحقق آن موضوع کار دشواری نخواهد بود و این به معنای استفاده از توان حداکثر افراد و نیروهای جامعه، در راستای تحقق هدف موردنظر است.

ریزش‌ها

فراز و فرود سیدعلی محمد دستغیب - ۳

شنیده‌های نامعتبر!



بیشتری پیدا کرده... مخالفین خود را به نام «ضد ولایت فقیه» به دادگاه کشانیده... شنیده شده که مایه اصلی نظرات رد صلاحیت کاندیداها در انتخابات مجلس خبرگان از طرف شورای نگهبان همان گزارش‌هاست که مبنای حکم نمی‌تواند باشد. در بین طلاب و فضلاء و علما خواننده شده به دادگاه ویژه افراد باطناً صالحی هستند... بالاخره قدرت دست شماسست و آنچه سزوار حاکم قدرتمند اسلام است، عفو و بخشش است بالاخص نسبت به کسانی که همسنگر شما بوده‌اند... توجه دارید که نظارت بر کار منسوبین حضرت‌عالی که به آنها قدرت حکم و مال و سپاه و ارتش سپرده‌اید، بسیار لازم است.» در نقد اجمالی محتوای این نامه، به دو نکته کنایت می‌کنیم؛ نخست آنکه، استفاده از تعبیری مانند «شنیده شده، گزارش شده، قلمداد می‌شود و بعضاً و...» تأثیرپذیری نویسنده از دروغ‌پردازان را تقویت می‌کند. دوم اینکه، مطابق با کدام حکم دینی می‌توان شنیده‌ها را مبنای قضاوت و داوری قرار داد و بر اساس آنها علیه حکومت اسلامی اتهام‌زنی کرد؟! شروع دولت خاتمی و بازگشت دوباره دوستان و همفکران قدیمی سیدعلی محمد دستغیب به قدرت، مهر ختانی بود بر انتقادات مسجد قبا بر مشکلات معیشتی و اقتصادی کشور در دولت سازندگی. سراسر دوره موسوم به اصلاحات با حمایت‌های گاه و بی‌گاه مسجد قبا و شخص علی محمد دستغیب از دولت همراه بود؛ این بار نوک پیکان حملات سخت جریان مسجد قبا به محوریت دستغیب، مخالفان دولت را نشانه گرفت و این جمله دست به دست چرخید که «نمی‌گذارند دولت کار کند!» متهم ردیف دوم در پرونده قتل‌های زنجیره‌ای شخصی است به نام «مصطفی موسوی» که از ارادت‌مندان به سیدمحمد خاتمی و از جمله نیروهای چپ وزارت اطلاعات وقت است. وی از دست‌پرورده‌های سیدعلی محمد دستغیب در مسجد آتشی هلد مسجد قبا است که در ماجرای این قتل‌ها به حبس ابد محکوم می‌شود. هفته‌نامه ۹ دی در شماره هفتم خود مورخ ۱ اسفند ۱۳۸۹ در مطلبی با عنوان «این دستغیب آن دستغیب نیست!» نوشت: «دستغیب در نامه ۱۰ اسفند ۱۳۷۷ با فهرستی از ادعاها که به دروغ‌پردازی‌های گروهک «بیت منتظری و مهدی هاشمی معدوم» و مکاتبات جسارت‌آمیز آقای منتظری به حضرت امام (ره) نزدیک است، برای رهبری نظام‌نامه می‌نویسد و ادعا می‌کند: «گزارش‌دهنده... از کنترل تلفن و پارخنه در مجالس خصوصی... شنیده شده که بعضاً با ارباب و ضرب که به عنوان تعزیر قلمداد می‌شود، اقرار گرفتند... در هر شهری که امام جمعه و نماینده ولی فقیه قدرت



سیاست نامه

اندیشه سیاسی فضل‌الله نوری - ۲۲

کانون اختلاف و مشروعیت نظام مشروطه!

فتح‌الله پیرشان

دبیر گروه اندیشه

نقطه کانونی اختلاف و دعوی سیاسی شیخ شهید فضل‌الله نوری به سایر فعالان در نهضت مشروطه اعم از روشنفکران غرب‌گرا و علمای نجف بر سر چه بود؟ شاید با مروری بر مطالب پیشین در این سلسله نوشته‌ها در خصوص شیخ بتوانیم به آن پاسخ دهیم. او باور داشت که انقلاب مشروطیت دچار انحراف شده است، انحرافی که سنت اسلامی و شریعت را به خطر می‌اندازد. از آن رو به اقداماتی دست زد تا مخالفت جدی خود را نشان دهد. فعالیت‌هایی که در آخر به بر دار رفتن ختم شد. شیخ شهید نوری مخالفان و موافقان جدی‌ای دارد، عده‌ای معتقدند او به فکر شریعت بود و برای دین با مشروطه‌خواهان مخالفت کرد، از طرفی برخی محققان معاصر نیز وی را قدرت‌طلبی می‌دانند که می‌خواست به محمدعلی شاه نزدیک شود. موسی نجفی در کتاب «مشروطه‌شناسی» از شیخ فضل‌الله نوری به عنوان کسی یاد می‌کند که از اساس بر مجلس و مشروطه نقد داشت. او ارتباط شیخ فضل‌الله با محمدعلی شاه را، که همواره مورد نقد جدی مورخان معاصر بوده، طوری دیگر تفسیر می‌کند: «محمدعلی شاه‌فرد مستبدی بود؛ اما زشتی کارش دست کمی از ناپسندی فعل مشروطه‌خواهانی نظیر تقی‌زاده در بست نشستن در سفارت انگلیس نداشت. اما گویا عمداً در تاریخ ناپسندی‌های مشروطه‌خواهان کم رنگ شده و استبداد محمدعلی شاه را خیلی پر رنگ کرده‌اند. او که مستبد است و تکلیفش روشن، اما چرا از ناپسند بودن پنهان‌شدن به انگلیس سخنی به میان نمی‌آید؟» به نظر می‌رسد این سؤال که اصل فکر شیخ در مشروطه چه بود و کانون مباحث مطروحه از سوی مرحوم نوری کجاست، نقطه عزیمت خوبی در بحث و بررسی‌هاست. به زعم آقای نجفی در کتاب مشروطه‌شناسی، شیخ شهید مشروطه را بیداری اسلامی می‌دانست، اما می‌خواست این بیداری اسلامی را بدون تلاقی با مدرنیته حل کند. چه بسا اگر گفتمان شیخ فضل‌الله غالب می‌شد، این امر به انقلاب اسلامی وصل می‌شد. سؤال مهم و نقطه کانونی مباحث وی موضوع مهم مشروعیت نظام مشروطه بود. مرحوم شیخ فضل‌الله و علمای مشروطه‌خواه، بحث مشروعیت نظام را مطرح می‌کردند و می‌گفتند: «مشروعیت از کجاست؟» این بحثی است که ما امروز هم با آن مواجهیم. علمای مشروطه‌خواه، به هیچ وجه بحث مشروعیت نظام را مطرح نمی‌کردند، خودشان قبول داشتند که نظام مشروطه، مشروع نیست و نمی‌گفتند: مشروع است، بلکه می‌گفتند: قدر مقدور این است و این نظام بهتر از استبداد است؛ اما شیخ عالم و فقیهی شیعی بود که خواسته نظامی بر اساس احکام اسلامی البته روایت تاریخی ما به ویژه در مشروطه به اغراض سیاسی، استعماری و فرهنگی آلوده است. متأسفانه تاریخ مشروطه به گونه‌ای نوشته شده که چهره آزادی‌خواهی ضدانگلیسی و ضدغربی کم رنگ جلوه کند. در حالی که وقتی محمدعلی شاه مجلس را به توپ می‌بندد و مشروطه‌خواهان فرار می‌کنند، بیشتر آنها به سفارت انگلستان پناهنده می‌شوند. هنگام مرور تاریخ، تقی‌زاده به سرعت از آن می‌گذرد و می‌گوید: «حفظ جان بود.» اگر به حقیقت مسئله حفظ جان بود، چرا شیخ فضل‌الله حاضر نشد برای حفظ جانش زیر پرچم روس برود؟! منبع در دفتر نشریه موجود است.

نکته گرام

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس: اگر ما می‌گوییم آموزش و پرورش مهم است، باید در کارنامه دوران مسئولیت خود به آن توجه کنیم؛ چرا که معلمان نظام اولویت‌ها و ترجیحات را در یک جامعه مشخص می‌کنند، اما متأسفانه آموزش و پرورش در چهار دهه گذشته در عمل در اولویت مانده است.

عبدالله گنجی، کارشناس سیاسی: رابطه کارگزاران با رهبری در نظام جمهوری اسلامی، مانند روابط عرفی و کلاسیک کشورهای دیگر نیست و مملو از عواطف دوطرفه و از جنس پدر-فرزندی است. نوع مواجهه ظریف با انتقادات رهبر انقلاب نشان می‌دهد او مشفقانه خطاها را اصلاح و از تکرار حتماً جلوگیری خواهد کرد.

حسن عابدینی، کارشناس سیاسی: دانش و تجربه ۴۰ ساله پاشنه آشیل ظریف در پذیرش مشورت است که می‌تواند ناشی از چند عامل باشد: ۱- نظریه‌های واقع‌گرایانه را نمی‌داند. ۲- هندسه قدرت جهانی را نمی‌داند. ۳- ساختار تصمیم‌گیری سیاست خارجی را نمی‌داند. ۴- اصل نخست قانون وظایف وزارت خارجه را نمی‌داند و ۵- همه را می‌داند، اما در اجرا باور ندارد.

مهدی مهربور، کارشناس اقتصادی: رئیس اتحادیه نانوایان تهران می‌گوید که در مورد افزایش قیمت نان تصمیم‌گیری شده؛ اما به ما گفته‌اند فعلاً اعلام نکنید. اینطوری دارن کشور رو ۸ ساله مدیریت می‌کنند! توقع دارید اوضاع بهتر از این باشه؟!

محمدجواد اخوان، کاربر فضای مجازی: ظریف همانقدر مجری خوبی برای سیاست خارجی کشور بوده که جهانگیری مجری سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در ستاد فرماندهی اجرای این سیاست‌ها بوده است.

علی سیستانی، فعال فضای مجازی: برجام مقصّر شر رهبریه؟! پس چرا سکه‌هاشودادین به ظریف، قهرمان دیپلماسی و امیرکبیر زمانش کردن؟! باهش سال ۱۳۹۶ رأی جمع کردن! دیگران رو به خاطر مخالفت با برجام برچسب کاسب زدین، چرا الان برای حفظ ظریف توی مذاکرات و ادامه مذاکرات توی وین خودتون رو دارید می‌کشید؟!

امین موسوی، کاربر فضای مجازی: باز عده‌ای می‌گویند دیدید رهبری گفت وزارت خارجه مجری است، پس برجام تصمیم نظام بود! اولاً روحانی به عنوان رئیس جمهور گفت همه مسئولیت مذاکره با من است. ثانیاً نهاد بالادستی وزارت خارجه کیجاست؟ همان شورای عالی امنیت ملی که رئیسش روحانی است. خودتان در کل نظام مسئولیت دارید و خود را از نظام جدا می‌کنید؟

مهدی مهربور، کارشناس اقتصادی: ۱- میزان صادرات غیرنفتی کشور در پایان سال ۹۱ و در اوج تحریم‌های ضد ایرانی؛ بالای ۴۱ میلیارد دلار و صادرات کالا به ۱۵۰ مقصد - ۲- میزان صادرات غیرنفتی کشور در پایان سال ۹۹ و ۵ سال بعد از برجام: حدود ۳۵ میلیارد دلار و صادرات کالا به حدود ۱۳۰ مقصد!

راز واکسن

نگاه بیل گیتس به دسترسی کشورهای دیگر به واکسن کرونا

این واکسن‌ها می‌برند، اما باید گفت محتویات این فرمول و تأثیری که بر روی بدن افراد می‌گذارد با عمومی شدن آن افشا خواهد شد. شاید گیتس نمی‌خواهد دیگران بدانند که این واکسن‌ها دقیقاً چه کاری انجام می‌دهند!

بنیاد گیتس یکی از بزرگ‌ترین کمک‌کننده‌ها به سازمان بهداشت جهانی است و دومین سازمانی است که بیشترین کمک‌ها را به آن نهاد انجام می‌دهد؛ اما در پس آن حقوق انحصاری بسیاری دارد و در بسیاری از نقاط دنیا، در حال فعالیت‌هایی است که هدف آن بهبود ژن‌هاست! بنیادی که رؤسای آن اعتقاد به حذف گونه‌های ضعیف دارند، آیا می‌تواند به دنبال کارهای بشردوستانه باشد؟ اما حالاً در هفته پیش با اعلام خبر جدایی بیل گیتس از همسرش ملیندا، شاید زمان آن رسیده باشد که نگاه‌ها بیشتر معطوف به پشت پرده‌های این بنیاد شود و اخبار بیشتری بیرون بیاید. طلاقی که می‌توان آن را پرهزینه‌ترین طلاق دنیا نامید و با انجام آن مسائل مالی این بنیاد فرمول‌زیر باقی می‌ماند!

در اختیار فقا قرار گیرد! شاید تا اینجا اظهارنظری خیرانه باشد، اما هفته پیش گیتس در پاسخ به پرسشی که آیا فرمول تهیه واکسن را می‌توان در اختیار کشورهای فقیر قرار داد، بدون درنگ جواب «نه» را می‌دهد! هرچند پس از آن حرفش را توضیح می‌دهد که دلیل این کار عدم امکان تولید واکسن در این کشورهاست.

بسیاری از افراد بهانه گیتس را برای در اختیار قرار ندادن فرمول‌نپذیرفتند. «استفان برانی» نویسنده خبرگزاری گاردین نوشت: «این میلیارد در دعا می‌کند که عینک بدبینی بر چشم ندارد، اما نگاه ناخوشایندی به جهان دارد. ما نمی‌توانیم واکسن بیشتری تولید کنیم، نمی‌توانیم سود خود را به خطر بیندازیم، نمی‌توانیم فناوری خود را در اختیار کشورهای فقیر قرار دهیم؛ آنها باید پس مانده غذای ما را بخورند. واقعاً نگاه زشتی به دنیا دارد.»

شاید برخی فکر کنند که دلیل قرار ندادن فرمول تولید واکسن در اختیار دیگر کشورها، سود هنگفتی است که گیتس و دیگر دوستان سرمایه‌دارش از

مهندسی ژنتیک که در سال ۱۹۰۱ تأسیس شده است. مونساتو شرکتی بدنام است که در دوران فعالیت خود محصولاتش، مانند عامل نارنجی را تولید کرده است که عامل نسل‌کشی در کشورهای جنوب شرق آسیاست. حال ارتباط یک بنیاد خیریه با شرکتی بدنام که هر سال در حال پرداخت غرامت به شاکیان خود است، چه دلیلی می‌تواند داشته باشد؟ بنیاد گیتس حدود ۸۰ درصد از فعالیت خود را در بخش زیست‌تکنولوژی متمرکز کرده است که نتیجه آن تولید سمومی بوده است که میزان تولد کودکان ناقص‌الخلقه را بسیار بالا برده است. گیتس در جایی می‌گوید: «اگر واکسیناسیون کودکان رو به خوبی بتوانیم انجام دهیم، جمعیت جهان ۱۵ درصد کاهش پیدا خواهد کرد!» اما چگونه؟ گزارش‌ها حکایت از آن دارد که برنامه‌های واکسیناسیون این بنیاد در کنیا و هند موجب عقیم شدن زنان و فلج شدن کودکان شده است. برنامه‌هایی که مورد تأیید سازمان بهداشت جهانی هم هست!

اما امروز پای گیتس به کرونا و شکل‌گیری آن باز شده است و نقش او در واکسن‌های تولیدی سؤال‌برانگیز است. دو ماه پیش از همه‌گیری کرونا در جهان، در اجلاس اقتصادی داووس، بنیاد گیتس و دانشگاه جان هاپکینز آمریکا احتمال یک همه‌گیری جهانی را شبیه‌سازی کردند! این برنامه با عنوان رخداد ۲۰۱۱ شناخته می‌شود و مانوری تمرینی بوده است که حتی ویروس استفاده شده در آن، نوعی کرونا بوده است. در این مانور، ۶۵ میلیون نفر از انسان‌ها جان‌شان را از دست می‌دهند. این ویروس تمرینی، از نوعی خوک در برزیل به انسان منتقل و در جهان پخش می‌شود. درست دو ماه بعد از این مانور، سر و کله کووید-۱۹ در جهان پیدا می‌شود!

اظهارات متناقض بیل گیتس همیشه برای این بنیاد دردسر ساز بوده است. او که چندین سال پیش گفته بود ۱۵ درصد جمعیت جهان را باید با واکسیناسیون کاهش دهیم، مدتی قبل ادعا کرده بود برای اجرای عدالت باید واکسن کرونا ابتدا



محمد صالح نادری

کارشناس فناوری اطلاعات

شاید «بیل گیتس» بنیانگذار شرکت مایکروسافت را فرد نیکوکاری بشناسیم که افزون بر کمک‌هایش به پیشرفت فناوری در جهان، در چند سال گذشته با تأسیس خیریه‌های بسیار در پی کاهش فقر و کمک به کودکان و بیماران سراسر دنیا به ویژه آفریقا بوده است. گیتس به همراه همسر سابق خود ملیندا (در هفته پیش خبر جدایی آنها اعلام شد) بنیاد گیتس را راه‌اندازی کرده‌اند که در سیاتل و واشنگتن قرار دارد و طبق گزارش‌ها بزرگ‌ترین بنیاد خصوصی جهان است که تاکنون حدود ۵۰ میلیارد دلار صرف کارهای در ظاهر خیریه کرده است.

اما آیا بنیاد به اصطلاح خیریه گیتس و اطرافیانش کاملاً در پی کمک به ریشه‌کنی بیماری‌ها و فقر از جهان هستند؟ شاید پاسخ به این پرسش کمی پیچیده باشد، بنابراین بهتر است کمی درباره اظهارنظرهای بیل گیتس بیشتر بدانیم.

پدر بیل گیتس عضو بنیادی با نام «والدینی بر نامه‌ریزی شده» بوده است که هدف آن ویرایش قدرت تولید مثل در انسان‌ها بوده است! طبق نظر گردانندگان این بنیاد، بیشتر انسان‌ها تولیدکنندگانی بی‌فایده هستند که مانند علف هرز می‌توان آنها را از ریشه‌کنی کرد! در واقع بسیاری از انسان‌ها بودن یا نبودنشان فرقی ندارد و باید برای زندگی بهتر ژن‌های خوب‌تر حذف شوند! بنابراین زمانی که متوجه می‌شویم بیل گیتس طرفدار روش‌های محدودکننده زاد و ولد در جهان است، نباید تعجب کنیم. باید گفت اهداف اعلامی بنیاد گیتس کاملاً ظاهری است. این بنیاد در سال ۲۰۱۰ سهام شرکت «مونساتو» را خریداری کرد که شرکتی آمریکایی و چندملیتی در صنایع کشاورزی، صنایع شیمیایی و زیست‌فناوری است؛ شرکتی پیشرو در زمینه

این خیر خودخواه!

عمومی در جهان باشد. بر اساس گزارش‌ها، بنیاد بیل و ملیندا گیتس حامی دانشگاه آکسفورد و شرکت آسترانکا برای تولید واکسن کرونا و ارائه به کشورهای سراسر جهان بوده است. در این گزارش‌ها ذکر شده است که دلیل عمده مجوز انحصاری توزیع واکسن به جای توزیع عمومی آن همین شرکت است.

شاید اینها حدس و گمان باشد و نتوان گیتس را به دلیل این گناهان مجازات کرد، اما برخی مدارک به دست آمده به حقیقت آنها اشاره دارد که نشان می‌دهند گیتس همزمان با همه‌گیری کرونا، از طریق کسب و کارهای مرتبط با آن سود سرشاری را می‌برد. چنین دلایلی شاید بتوانند این موضوع را که چرا گیتس تلاش می‌کند فرمول واکسن‌ها را اختصاصی نگه دارد، بهتر نمایان کند!

عنوان یک چالش به این مسئله اشاره کند، عجیب است! گیتس می‌گوید که تولیدکنندگان واکسن خودشان کار انتقال فناوری را انجام می‌دهند. پس چرا از او پرسیده نمی‌شود این فناوری را به هند و دیگر کشورها انتقال دهند؟

ایسن اولین باری نیست که گیتس به دلیل درگیری با واکسن در سراسر جهان در معرض خطر قرار می‌گیرد. بسا تکامل بیماری همه‌گیر و ورود چشم‌انداز جدیدی از جهان پس از کرونا، بسیاری به چگونگی سود گیتس از این واکسن‌ها پرداخته‌اند. اکنون تعداد فزاینده‌ای از مردم در سراسر جهان این روایت را مطرح می‌کنند که گیتس آگاهانه واکسن را به سمت سودآوری سوق داده است؛ به جای اینکه به دنبال واکسیناسیون

کارخانه واکسن در آنها بیان می‌کند. هر دو دلیل مبهم و غیر الهام‌بخش است و برای هر شخصی باورپذیر نیست. حتی اگر دلایل گیتس را به مثابه چالش‌هایی قانونی در نظر بگیریم، اما اینکه او از هند به منزله کشوری که توان تولید واکسن ندارد، نام می‌برد، خواب از سرمان می‌پراند!

هند؟ واقعاً؟ اگر گیتس در اظهار نظر خود از کشور خاصی نام نمی‌برد، شانس این را داشت که از کنار حرف‌های او رد شویم، اما با توجه به اینکه هند بالاترین ظرفیت تولید واکسن در جهان را دارد، نظر گیتس اعتبار خود را از دست می‌دهد. در ابتدای سال جاری، دبیرکل سازمان ملل متحد، «آنتونیو گوترش» ظرفیت تولید واکسن هند را بهترین دارایی امروز جهان در مبارزه با کرونا دانست. بنابراین اینکه گیتس می‌تواند به



سار تاک دوگرا

کارشناس فناوری در ایندیاناپولی

«بیل گیتس» از ابتدای شیوع بیماری همه‌گیر کووید-۱۹ به دلایل گوناگون در صدر اخبارها قرار گرفته است. او به دلیل مواضع خود در تولید و توزیع واکسن برای این بیماری تجلیل، تمسخر و مورد انتقاد شدید قرار گرفت. اظهار نظر جدید او که می‌گوید فناوری تولید واکسن کرونا نباید در اختیار دیگران مانند هند قرار داده شود، او را دوباره در معرض انتقادات شدیدی قرار داده است. او دلیل این اظهار نظر خود را عدم امکان انتقال فناوری به این کشورها و نبود

خبر خوب

پتوهای ضد آتش!

استفاده از علم نانو در صنعت نساجی



به تازگی فناوری نانو در حوزه نساجی صنعتی راه یافته است و منسوجات مورد استفاده در هواپیما از جمله پتوی هواپیما با کمک نوآوری‌های یک شرکت فناور داخلی، خواص تازه‌ای پیدا کرده است. این پتوها با استفاده از پلی‌استر-اکریلیک آنتی‌باکتریال با نانوذرات تولید شده است و می‌تواند به ارتقای

سلامت مسافران در پروازهای خطوط هوایی کمک کند. این پتوها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که در برابر آتش مقاومت بالایی دارند. استفاده از این پتوها کمک بسیاری به بهداشت در زمان کرونا خواهد کرد.

پژواک

قدرت هکرها!

انتشار اسناد محرمانه در فیلپین



حدود ۳۴۵ هزار فایل محرمانه متعلق به معاونت دادستانی فیلپین هک شده و در فضای مجازی منتشر شده است که حاوی کلمات عبور و اطلاعات پرونده‌های قضایی هستند. محتوای این فایل‌ها شامل گزارش کار روزانه، اسناد آموزشی، کلمات عبور، سیاست‌گذاری‌های دادستانی فیلپین و جزئیات برخی پرونده‌های مهم قضایی این کشور بوده‌اند و پیش‌بینی می‌شود انتشار عمومی آنها موجب رسوایی و جنجال در این کشور شود. گفتنی است، با گسترش فضای اینترنت، امنیت اسناد محرمانه و اطلاعات در جهان به شکل قابل توجهی کاهش پیدا کرده است.

نرم افزار

رضوان

برنامه رسمی حرم امام رضا(ع)



«رضوان» یک برنامه کاربردی برای زائران و دوست‌داران امام رضا(ع) است که آستان قدس رضوی در دسترس علاقه‌مندان به آن حضرت قرار داده است. برنامه رضوان علاوه بر امکان دسترسی به نقشه حرم رضوی، زیارتنامه‌ها و ادعیه، پخش زنده اینترنتی از سخن‌ها و رواق‌های حرم مطهر امام هشتم(ع)، فهرست برنامه‌های حرم و... می‌تواند در صورتی که در یکی از سخن‌های حرم امام رضا(ع) حضور داشته باشند، برای دریافت غذای حضرتی نام‌نویسی کنند تا در صورت برنده شدن در قرعه‌کشی، مهمان امام رضا(ع) باشند. نوش جان...

احضار در شب‌های گروناپی!

نسیم اسپور

دبیر گروه فرهنگ



سال گذشته، شبکه اول سیما با یک سریال کم‌دی جذاب به نام «زیرخاکی»، کندانکتور برنامه‌های ماه رمضان را بسیار موفق‌تر از دیگر شبکه‌ها پشت سر گذاشت. سریالی که مورد توجه قرار گرفت تا حدی که فصل دوم آن نیز تولید شد و همه منتظر بودند تا رمضان امسال نیز به تماشای اتفاقات شیرین و جذاب «زیرخاکی» بنشینند که ظاهراً با حوادث مربوط به شروع جنگ تحمیلی هم همراه شده است. اما دقیقاً در همان زمان انتظار مخاطبان بود که شبکه اول سیما تیزرهایی از یک سریال ماورایی را پخش کرد! سریالی که واکنش‌ها و حاشیه‌هایش از همان ابتدا و با پخش همین تیزرها آغاز شد.

هنوز قسمت اول سریال روی آنتن نرفته بود که عده‌ای در فضای مجازی پخش چنین سریالی را در چنین برهه زمانی، نامناسب دانستند و مورد نقد قرار دادند و اتفاقاً این نقد نیز بجا و درست بود. اولین موضوعی که برای یک هنرمند یا یک مسئول فرهنگی حائز اهمیت است، این نکته است که شرایط روحی جامعه را مورد توجه قرار دهد و با توجه به این شرایط به تولید اثر دست نزند؛ اثری که قرار است به نحوی حال مخاطب خود را عوض کند.

«احضار» روح به جای خنده‌های «زیرخاکی»! در این روزگار گروناپی، بسیاری از خانواده‌ها از ترس درگیر شدن خانواده‌ها و بزرگترهایشان،



دنیا طرفدار دارد!

آنچه در «احضار» قبل از هر چیز به ذوق می‌زند، نقش آفرینی ضعیف بازیگران اصلی است؛ بازیگران جوانی در این سریال معرفی شدند، اما خوب ظاهر نشدند.

اما مهم‌تر از همه ایرادات «احضار»، داستان سریال است. داستانی بسیار سطحی که به احضار روح گره می‌خورد و در نهایت به ارتباط با ایلین می‌رسد. موضوعی عاشقانه که در نهایت به فالگیری و رمالی ختم شده است، اما اقتدر هر دو بخش عاشقانه و رمالی و فالگیری ضعیف پرداخته شده است که هر کدام به جای نقطه قوت برای دیگری، نقطه ضعف آن یکی به شمار می‌آید.

تا اینجای کار داستان با ریزه‌کاری‌هایی پیش رفته که قوت زیادی ندارد. حاشیه‌هایی که شاید در دنیای امروز نمی‌تواند توجیهی برای پیش‌برد داستان یا به اصطلاح ایجاد گره یا باز شدن گره باشد. برای نمونه،

به خانه آنها کمتر رفت و آمد می‌کنند؛ فرزندان نیز دائماً در معرض استرس‌های ناشی از بیماری کرونا هستند. قشر عادی جامعه نیز به دلی وضعیت اقتصادی، در کنار اضطراب ناشی از کرونا، حال و روز خوبی ندارند. در چنین وضعیتی، یک سریال سراغ سوژه‌ای رفته است که مسائل ماورایی را مطرح می‌کند؛ نامش را «احضار» می‌گذارد و آن را ملودرامی اجتماعی با موضوع معرفی می‌کند!

البته برخی نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که این مجموعه مورد اقبال قرار گرفته است؛ غافل از آنکه در منطق مدیریت فرهنگی در جامعه اسلامی، همیشه استقبال از یک اثر لزوماً به معنای درستی آن نیست و حداقل به معنای آن نیست که درباره پخش یک سریال و مهندسی فرهنگی جامعه، تصمیم مناسبی گرفته‌اند که اگر این ملاک عمل باشد، سریال‌های زرد ترکیه‌ای هم در خیلی از کشورهای

زهره به کافی شاپ می‌رود و از فرهاد و دختری دیگر عکس می‌گیرد و بعد به عمد موبایلش را می‌دزدند! حال آنکه هیچ کس برای ارسال عکس آن هم در چنین موضوع مهمی که چند روزی برایش وقت گذاشته، تامل نمی‌کند و همان لحظه عکس را ارسال می‌کند. چنین نکات ریزی در بسیاری از قسمت‌های فیلم‌نامه به چشم می‌خورد و همین باعث شده تا داستان با قوت شکل نگیرد.

♦ جای خالی کارشناس قوی

باید دقت داشت که برای ساخت یک سریال ماورایی، صرف نظر از توجه ویژه به مسائل عرفانی و کلامی و داشتن یک کارشناس مذهبی قوی در نگارش فیلم‌نامه، نباید به پیرنگ اصلی داستان بی‌توجه بود و با داستانی ضعیف به سراغ چنین موضوعاتی رفت.

هر چند باید سریال را تا پایان دید، اما تا اینجای کار داستان ضعیف بوده و پرداخت موضوع نیز قدرت کافی ندارد و این چیزی نبود که از کارگردان کهنه‌کار سریال‌های ماورایی و مذهبی تلویزیون، مانند «او یک فرشته بود» انتظار می‌رفت، با این حال تجربه‌های خوب علیرضا افخمی در گذشته نشان داده که همیشه چیزی در جنته دارد که باید منتظر ماند و دید چه زمانی رو می‌شود، از طرفی با وجود همه انتقاداتی که بر این سریال وارد است به خصوص زمان بسیار نامناسب پخش آن، در کل پرداختن به چنین موضوعاتی که همیشه قشری ولو اندک از جامعه را درگیر می‌کند، می‌تواند هشدار جدی برای پررئز از وارد شدن به این وادی‌ها به خصوص جوانان باشد.

برداشت

میدان هنر انقلاب

نگاهی به اثرگذاری دیوار نوشت خیابان ولی عصر در سال‌های اخیر



و پر رفت و آمد شهر عبور می‌کنند، به خودش جلب می‌کند.

این ابتکار فرهنگی هنری، از سال ۱۳۹۱ و به همت خانه طراحان انقلاب اسلامی به صورت جسسته و گریخته شروع شد و حالا چند سالی است که به نقطه اوج رسیده و مفاهیم و موضوعات مهم فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را منعکس می‌کند.

در میدان فعالیت‌های فرهنگی و هنری در کشور ما نیز، از این دست نمونه‌ها گاهی مشاهده می‌شود، اما تقریباً با اطمینان می‌توان گفت «دیوار نگاره» بزرگ در ضلع شمال غربی میدان ولی عصر (عج) در تهران، نمونه مثال‌زدنی و الگو برای این نوع فعالیت فرهنگی است که حالا دیگر خودش به یک مکتب هنری و فرهنگی تبدیل شده و توجه مردمانی را که هر روز از این میدان بزرگ

حامد حسین عسکری

خبرنگار فرهنگی

بارها گفته شده که گاهی یک تصویر، می‌تواند به اندازه صدها صفحه متن یا ده‌ها ساعت سخنرانی گویا باشد و مخاطب را به فکر فرو ببرد؛ نکته‌ای دقیق و درست که بارها و بارها اثبات شده و می‌تواند به عنوان یک گزاره قابل اعتماد، در فعالیت‌های فرهنگی به آن اعتماد کرد. در دنیای فرهنگ و هنر، بسار اثبات و تکرار این تجربه، بر دوش هنرهای تجسمی، به ویژه نقاشی و نگارگری است. در واقع، خلق یک نقاشی یا تصویر گرافیکی مفهومی و در عین حال روشن و نه چندان پیچیده، می‌تواند مخاطب را در رابطه با پیام آن تصویر به فکر فرو برده و به حرکت دریاورد و به طور خلاصه، پیام آن تصویر را در ذهن و زندگی اش ماندگار کند.

بدون تعارف یا مبالغه، می‌توان با اطمینان گفت کسی نیست که اندکی علاقه‌مند باشد و هنگام عبور از میدان ولی عصر (عج)، ناخودآگاه کنجکاو نشود و دنبال طرح جدید دیوار نگاره سر نچرخاند.

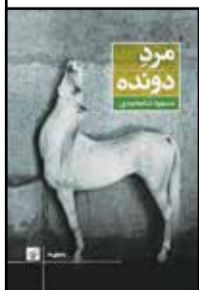
دیوار نگاره بزرگ پایتخت، تجربه مهندسی هوشمندانه پیام و ایجاد انگیزش در مخاطب و پرهمیز از کلیشه‌سازی و کلیشه‌گویی در کارهای فرهنگی را به خوبی از سر گذرانده و می‌تواند به عنوان یک الگو برای فعالیت‌های فرهنگی هوشمندانه و اثرگذار مطرح باشد.

البته منظور این نیست که در هر گوشه شهر به صورت تقلیدی، یک دیوار نگاره بالا برود و به رقابتی خسته‌کننده تبدیل شود؛ غرض، همانی است که گفته شد، یعنی ساختار شکنی متعهدانه و ابتکار و خلاقیت برای یک کار متفاوت، هوشمندانه و اثرگذار در عرصه فرهنگ، هنر و رسانه.

داستان

مرد دونده

ماجرای جذاب یک آدم معمولی



ماجرای رمان «مرد دونده» از آنجایی شروع می‌شود که یک مرد معمولی از کشورهای در حال توسعه که از زندگی چندان هم رضایت ندارد، و مثل بقیه آدم‌ها مشغول روزمرگی‌های خودش است، یک روز ناگهان در پاهایش دچار احساسی خاص می‌شود؛ سندر می‌شود؛ ناشناخته به سراغش می‌آید و او

را مجبور به دوندن می‌کند و به این ترتیب ماجراهایی عجیب شکل می‌گیرد. مسعود شاه‌محمدی، نویسنده و کارگردان است که پیش از این، کتاب «گر به علف است و ماهی درخت» از او منتشر شده بود.

تلویزیون

دودکش ۲

ساخته جدید برزو نیک‌نژاد در تلویزیون



تصویربرداری سریال تلویزیونی «دودکش ۲» به کارگردانی برزو نیک‌نژاد و تهیه‌کنندگی زینب تقوایی که از مدتی قبل در تهران آغاز شده بود، این روزها با گسترش شیوع ویروس کرونا متوقف شده و تصویربرداری با بهبود شرایط طی روزهای آینده آغاز می‌شود. مراحل فنی «دودکش ۲» نیز این روزها در

حال انجام است تا پخش این سریال به زودی از شبکه یک سیما آغاز شود. گفتنی است، فصل اول این مجموعه تلویزیونی به کارگردانی محمدحسین لطیفی ساخته و با استقبال خوب مخاطبان همراه شده بود.

کتاب

ریحانه

روایتی از زندگی حضرت ام‌البینین (س)



مجموعه کتاب‌های «ریحانه» نگاهی نو به زندگی زنان نامدار اسلام دارد. جدیدترین اثر از این مجموعه با عنوان «مادر عشق»، روایتی داستانی از زندگی حضرت ام‌البینین (س) است که انتشارات مدرسه آن را به زودی منتشر و روانه بازار نشر می‌کند. ام‌البینین (سلام الله علیها)، نامش فاطمه بود و نام قبیله‌اش

بنی‌کلاب. او همسر امام علی (ع)، مادر حضرت عباس (ع) و از زنان نامدار اسلام است. کتاب «مادر عشق» روایت داستانی از زندگی این زن نامدار است که عطیه‌سادات صالحیان آن را به نگارش در آورده است.

یادداشت

فرهنگ و دولت آینده

شاهرخ صالحی

روزنامه‌نگار



حوزه فرهنگ در سال‌های اخیر یکی از بخش‌های مهمی بوده که کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ از انفعال شورای عالی انقلاب فرهنگی در بسیاری از موضوعات مهم فرهنگی گرفته تا بی‌عملی بسیاری از دستگاه‌های متولی و مجری در حوزه فرهنگ عمومی، همگی نشان از وجود مشکلاتی در این بخش دارد. از نظارت تا اجرا در حوزه فرهنگ عمومی، دارای اشکالاتی است که حالا در آستانه انتخابات سیزدهمین دوره ریاست جمهوری می‌تواند یکی از سؤالات جدی‌ترین کاندیداهای ریاست جمهوری، تبیین نگاه و برنامه عملی آنها برای حوزه فرهنگ عمومی باشد. فرهنگ عمومی نشانه‌های مختلفی دارد که شاکله اعتقادی، اخلاقی و عملی را نشان می‌دهد و می‌تواند از طریق ابزارهای مختلف، این نشانه‌ها به سمت تعالی تا تزلزل پیش برود. در حوزه کتاب، در سال‌های اخیر، گرانی کاغذ، افزایش قیمت کتاب و در نتیجه حذف تدریجی کتاب از سبد خانوارها باعث دل‌سردی مؤلفان و ناشران از وضعیت حاکم بر صنعت چاپ و نشر شده و این موضوع، اگر به سرعت مورد توجه دولتمردان آینده قرار نگیرد، می‌تواند حوزه کتاب را در کشور به فقرایی ببرد که بیرون آمدن از آن، به سادگی امکان‌پذیر نخواهد بود. در حوزه سینما، تولید آثار فاخر سینمایی و اثرگذار در سطح جهانی به پایین‌تر حد خود در سال‌های گذشته رسیده است؛ اگر در برهه‌های مختلفی سینمای گیشه‌پسند و تجاری بر سینمای معناگرا و فرهنگی چیره می‌شد، حالا با تعطیلی سالن‌های سینما در دوران کرونا و رکود اقتصادی حاکم بر این صنعت، گرایش اصلی فعالان این حوزه به سمت سریال‌های شبکه نمایش خانگی یا فعالیت‌های مجازی کشیده شده و در چنین شرایطی، انتظار ساخت و تولید یک اثر سینمایی فاخر و مؤثر، بسیار دور از ذهن به نظر می‌رسد. در حوزه موسیقی، اولویت اصلی سیاست‌گذاران در سال‌های گذشته حمایت همه‌جانبه از موسیقی پاپ و برگزاری کنسرت در اقصی نقاط کشور بوده است؛ بررسی آمارهای شش ماهه اول سال ۱۳۹۸ (قبل از شیوع کرونا) نشان می‌دهد ۳۶۰ کنسرت اجرا شده که البته حدود ۲۰۰ اجرا به موسیقی پاپ اختصاص داشته است! شاید یکی از اولویت‌های دولت آینده در حوزه موسیقی، کمک به اصلاح ذائقه عمومی در این بخش باشد. در حوزه فضای مجازی، شاید یکی از دقیق‌ترین تعابیر، سخنرانی رهبر معظم انقلاب در ابتدای سال بود که ایشان فرمودند: «دشمنان از فضای مجازی حداکثر استفاده را می‌کنند. متأسفانه در فضای مجازی کشور ما آن رعایت‌های لازم با وجود آن همه تأکیدی که داشته‌ام، صورت نمی‌گیرد و در یک جهاتی واقعاً «ول» است. باید کسانی که مسئول هستند حواس‌شان باشد.» همین تعابیر کافی است تا یکی از اولویت‌های دولت آینده در حوزه مجازی باشد. چه اینکه، بخش مهمی از انتقال فرهنگی جهان غرب و نسل جوان داخل کشور، از طریق همین بستر رقم می‌خورد. حوزه‌های فرهنگی متکثر و مختلف است؛ نمونه‌های بالا مستثنی از خرواری بود که دولت آینده باید به سرعت و اولویت در آن ورود کند؛ هشدارهای رهبر انقلاب در خصوص شبیخون و تهاجم فرهنگی که از حدود ۳۰ سال پیش تاکنون، به کرات تکرار شده، هنوز هم جدی است. به نظر می‌رسد همین حالا هم دیر شده و باید از همین امروز فکری به حال فرهنگ کرد.

یادداشت

موی دماغ آمریکایی‌ها

زینب گل محمدی

خبرنگار



شاید اگر مجموعه مسابقه فرمانده از تلویزیون پخش نمی‌شد، خیلی‌ها سردار حاج محمد ناظری را نمی‌شناختند. این برنامه چند سری دیگر هم داشت که قبل از آن پخش شده بود؛ اما زمانی که حاج محمد رویه‌روی دوربین قرار گرفت تا مسابقه‌ای سخت و حقیقی را داوری کند، حس و حال آب‌های نیلگون خلیج فارس در جزیره زیبای فارور، رینگ و لعاب دیگری گرفت و مخاطبان ایسن برنامه تلویزیونی هم چند برابر شد.

شهید حاج محمد ناظری از نیروهای فداکار و باخلاص سپاه بود که از ۲۲ سالگی وارد معرکه شد. او فردی شیردل، سرزنده و پای کار بود و همه وجودش عشق به خدمت به انقلاب و تربیت نیرو بود و همچنین عشق به ولایت در وجودش موج می‌زد. این را سردار مشایخی در وصف هم‌رزم و همسایه دیرینش گفته و ادامه داده است:

«او سعی می‌کرد تمام تجربیاتش را چه در زمان جنگ و پس از آن به بچه‌های حزب‌الله و مقاومت و نیروهای جدید سپاه منتقل کند و با نشاط و شجاعت کاری کند که آمریکایی‌ها به گریه بیفتند و ترس می‌شدند و شجاعش را به رخ دشمن بکشد. حاج محمد سعی داشت تمامی نیروهایش را تکاور بار بیاورد و مانند پدر برای آنها بود و نقش مهمی را در آموزش آنها داشت. در مأموریت‌هایی که به او محول می‌شد تمامی تمرکزش برای انجام آن بود و در خلال این عملیات‌ها مدت‌ها و ماه‌ها به خانواده‌اش سر نمی‌زد و سعی می‌کرد کارش را به‌نحو احسن انجام دهد. حاج محمد ناظری هیچ وقت خود را در صحنه نمی‌باخت و روحیه نشاط و تحرکش را به نیروهایش منتقل می‌کرد.»

در سال ۱۳۶۶ در اتفاقی که زائران خانه خدا به دست آل‌سعود به شهادت رسیدند که در این بین ۴۰۰ حاجی ایرانی نیز به شهادت رسیدند ما به‌فرماندهی شهید ناظری و عده‌ای دیگر از فرماندهان عملیاتی طراحی کردیم و در قالب آن ۴۰۰ قایق و ۱۶۰۰ نفر آماده شدند تا به تأسیسات نفتی عربستان حمله کنند؛ اما به‌علت وجود مشکلاتی عملیات انجام نشد و پس از آن عملیات کوچکی انجام شد که من و شهید مهدوی به‌همراه چند قایق به ناوگان آمریکا حمله کردیم و اولین نبرد رودرروی ایران و آمریکا رقم خورد.

سردار حاج محمد ناظری، فرمانده نیروی ویژه دریایی سپاه در ۲۱ اردیبهشت ۹۵ در هنگام انجام مأموریت در منطقه دریایی نازعات به دلیل عارضه شیمیایی، خاطرات شیرینش از مأموریت‌های برون‌مرزی در دوران جنگ و جوانان برومندی را که برای دفاع از نظام و انقلاب و ایران آموزش زمینی و دریایی داده بود، بر جا گذاشت و به شهادت رسید.

سرداری که در کارهای هنری هم فعالیت می‌کرد و فردی همه‌فن حریف بود. او سمبل و نمادی برای رزمندگان و تکاوران سپاه بود که از انقلاب اسلامی دفاع می‌کنند.

پنج ماه قبل از آغاز جنگ تحمیلی در اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۹ تعرض‌های عراق علیه ایران شدت گرفت

حمله به کادر درمان با آرپی‌جی هفت!

هفته گذشته به برخی عملیات‌های ایزدایی عراق علیه ایران در اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۹، از جمله چند بمب‌گذاری در یک روز و در تهران پرداختیم؛ این هفته نیز قصد داریم بخش دیگری از این اقدامات را در این ماه حساس بررسی کنیم.

چنین گزارشی را تولید و پخش نکرده بود؛ ولی دستگاه تبلیغاتی عراق، بی‌قیدتر از این بود که این کاف‌های رسانه‌ای برایش مهم باشد. شاید هم ذکر کلمه آژانس قبل از عبارت خیرگزاری فرانسه، نوعی تدبیر بعدی برای فرار از مستند بودن این خبر بود. خلاصه اینکه در اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۹ رژیم بعث عراق به صورت آشکار به تبلیغ عربستان‌سازی در خوزستان و طرح دعای عرب‌گرایی در این استان و تشویق علنی اقدامات جنایتکارانه‌ای که تحت این عنوان انجام می‌شد، ادامه داد.

برای نمونه، در ساعت ۱۲:۳۰ روز ۱۷ اردیبهشت، رادیو بغداد اعلام کرد: «ملت عرب در استان عربستان همچنان به مبارزات مسلحانه خود علیه افراد تأسیسات رژیم ژاندرست ایران ادامه می‌دهد. این مبارزات به رغم اقدامات و تدابیر سرکوب‌گرانه رژیم فارسی جهت پایان دادن به قیام ملت عربستان که در راه کسب حقوق خود آغاز کرده‌اند کماکان ادامه دارد.»

رادیو رژیم ایران شب گذشته اعتراف کرد که هشت بمب آماده انفجار در خط آهن اهواز کشف شده است که انقلابیون عربستان آنها را کار گذاشته بودند. این ادبیات حتی در رسانه‌های غیر عراقی نیز چه به صورت سفارشی و چه به دلیل گرایش‌های ضدایرانی، به چشم می‌خورد. بعد از ماجرای گروگان‌گیری سفارت ایران در لندن، فیگارو در مقاله‌ای نوشت: «گروگان‌گیری سفارت ایران در لندن توسط خوزستانی‌های عرب‌زبان می‌تواند انفجاری باشد در جنگ میان اقلیت خوزستان و قدرت مرکزی تهران.»

این استان حدود ۵ میلیون سکنه دارد که ۸۰ درصد آن عرب هستند و این افراد، منطقه خود را جز با نام عربستان نمی‌خواهند. عراق برای ایجاد دودستگی از عرب‌زبان‌های خوزستان کاملاً پشتیبانی می‌کند.

بغداد بلافاصله عربستان را به عنوان دشمنی مستقل به رسمیت خواهد شناخت و این تحول که در گذشته مورد تمسخر واقع می‌شد، دیگر با توجه

به هرج و مرج ایران و وضعیت رهبری فعلی آن غیرممکن به نظر نمی‌رسد!)) جالب است بدانید در این زمینه، مقامات رسمی عراق تا سطح شخص صدام نیز فعال بودند. در ابتدای اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۹ بود که خیرگزاری کویت از بغداد گزارش داد امروز (۷ اردیبهشت) صدام حسین بار دیگر ایران را سرزنش کرد و یک بار دیگر دعاوی دولت عراق درباره عربی بودن خوزستان را تکرار کرد.

● **عملیات ایزدایی عراق در غرب کشور**، تحرکات عراق در مناطق مرزی غرب کشور، علاوه بر اقدام مستقیم عوامل نظامی، صورت‌های دیگری هم داشت. ترکیب «مهاجمان بومی و نظامیان عراقی» در گزارش‌های متعدد ژاندارمری در خصوص تحرکات عراق در غرب کشور به دفتر ریاست جمهوری، قابل مشاهده است. عبارت «مهاجمان» برای افسراد مهاجم غیر مرتبط با گروه‌های سیاسی مسلح به کار می‌رفت.

اینها معمولاً افراد محلی غیرسیاسی و ساده‌ای بودند که برای پول و زیر نفوذ وابستگان محلی سرشناس عراق، حملات مسلحانه انجام می‌دادند. برخی از این مهاجمان، ویژگی‌های خاصی داشتند، برای نمونه شخصی به نام سروان کریمی (ارتشی فراری) وجود داشت که در جریان انقلاب، به عراق فرار کرده بود.

غالباً تحرکات مهاجمان محلی که در حملات پاسگاهی و در مناطقی از نوار مرزی شرکت می‌کردند به دلیل علاقه به رژیم شاهنشاهی و مبارزه با نظام جدید اسلامی بود.

در واقع عناصر غیرسیاسی، ولی قانون‌شکن که از وضعیت انقلابی کشور و تحرکات عراق در جهت شرارت، راهزنی و مقاصد ماجراجویانه یا جنایتکارانه خویش استفاده می‌کردند، سازماندهی و حمایت این افراد با نیروهای عراقی بود. ناگفته پیداست که قسمت عمده‌ای از تحرکات مرزی ایزدایی عراق، علاوه بر شکل تعرض مستقیم نظامی، در قالب اقدامات عوامل محلی در مناطق مرزی ایران انجام می‌شد.



برای نمونه پاسگاه درمله در نواحی مرزی کرمانشاه مورد حمله مهاجمان وابسته به عراق قرار گرفت و تصرف شد! در منطقه چقاحمام در فاصله بین نفت‌شهر و خان‌لیلی، لوله نفت منفجر شد و بر اثر آن، لوله ۸ اینچی نفت خام در یک کیلومتر ۲۰ نفت‌شهر به قصر شیرین طعمه آتش شد.

در مناطقی چون کرمانشاه، قصرشیرین، نفت‌شهر، اسلام‌آباد غرب و... علاوه بر پاسگاه‌ها، اماکنی مانند منابع آب، تأسیسات و خط لوله نفت، در مانگاه، نیروگاه برق، ساختمان اداری شرکت نفت، ساختمان دبستان و حتی منازل شخصی هم مورد حمله غالباً شبانه مهاجمان متکی و وابسته به عراق قرار می‌گرفت. مهاجمان در این حملات، معمولاً در نیمه شب با نیروهای سپاه درگیر می‌شدند.

برای نمونه، در پنجمین روز از اردیبهشت، یک اتفاق عجیب افتاد. ساعت ۱۰ شب، آمبولانس پادگان ابوذر که حامل یک مجروح از منطقه مرزی گردنه بود و به بیمارستان قصرشیرین می‌رفت، با سلاح آرپی‌جی ۷ مورد حمله قرار گرفت! مهاجمان، راننده و ۵ سرنشین آمبولانس را به طرز فجیعی با کلاشینکف به شهادت رساندند.

همچنین حدود ساعت ۱۱:۳۰ شب، یک افسر پزشکی به اتفاق یک سرباز و یک درجه‌دار برای معالجه مجروحان عازم منطقه بودند که بین جاده سرپل ذهاب و قصرشیرین در منطقه قره‌بلاغ عده‌ای مهاجم با آرپی‌جی ۷ به آنها حمله کردند و هر سه نفر در دم شهید شدند.

حدود ساعت ۳:۳۰ بامداد نیز عده‌ای افراد مسلح عراقی با سلاح‌های سنگین و سبک به قصد خرابکاری به لوله‌های نفت بیسات واقع در بخش مرزی موسیان حمله کردند و به طرف لوله‌ها آتش گشودند و سپس به خاک عراق فرار کردند.

یادمان باشد همه این اتفاقات در زمانی رخ داد که هنوز هیچ جنگی به طور رسمی بین کشورهای ایران و عراق درنگرفته است. ادامه تشریح این وضعیت عجیب و غریب، پیش از آغاز جنگ تحمیلی در شماره بعد خواهد بود؛ ان‌شاء‌الله.

تازه‌ها

شهید خوش تیپ

کتاب «بیست‌وهفت روز و یک لیخند» روایتی از زندگی شهید مدافع حرم «بابک نوری هریس» از مجموعه کتاب‌های سرگذشت‌نامه است که به تازگی انتشارات «خط مقدم» آن را منتشر کرده است. بیست‌وهفت روز و یک لیخند، روایتی است از زندگی شهید مدافع حرم، بابک نوری هریس به قلم فاطمه رهبر از زبان خانواده و دوستان و هم‌زمان شهید. شهید نوری هریس دانشجوی بسیجی که داوطلبانه به صفوف رزمندگان مدافع حرم در سوریه ملحق شد و در عملیات آزادسازی منطقه بوکمال در ۲۵ سالگی به شهادت رسید. این کتاب را با قیمت ۲۴ هزار تومان می‌توان از کتابفروشی‌های معتبر کشور تهیه کرد.



خاطره

شهدای عکاس



شاید قبل از آغاز عملیات ترس از گلوله و ترکش و انفجار وجود داشت، اما وقتی وارد درگیری‌ها می‌شدیم ترس از بین می‌رفت. به یاد دارم در عملیات بیت‌المقدس (آزادسازی خرمشهر) وسط جاده سنگر زده بودند و ما آنجا قرار داشتیم؛ هر لحظه ممکن بود مورد اصابت تیر و خمپاره قرار بگیریم. جای دیگری با بچه‌های صدا و سیما رفته بودیم که می‌گفتند اینجا دیگر آخر خط است؛ زیرا محاصره شده بودیم، به ما گفتند اگر می‌خواهید همین الان بایسد برگردید و اگر ماندید دیگر راه بلاگشتی نیست. آنجا بود که دوربین را کنار گذاشتیم و اسلحه دست گرفتیم. مهم‌ترین تفاوت، نگاه اعتقادی و ملی است؛ عکاسان ما به هدفشان اعتقاد داشتند. مادر دوران دفاع مقدس حدود ۲۰۰ شهید عکاس داشتیم.

راوی: کمال‌الدین شاهرخ / عکاس انقلاب و دفاع مقدس

قاب

عکس تکی!



تا دوربین بالا می‌آمد، همه دوست داشتند در قاب عکس تکی بقیه باشند! تمام انرژی‌شان را می‌گذاشتند برای جا شدن در کادری که معلوم نبود عکسش تا رسیدن به لا پراتوار و چاپخانه سالم باشد. هیچ‌گاه هم معلوم نبود نسخه‌ای از آن عکس برسد به دست کسانی که در آن بودند...

در حق همه شهدا جفا کردند



بزرگترین آسیب می‌تواند انتخاب مدیرانی باشد که در امتداد ولایت حرکت نمی‌کنند سربازی ولایت، کارآمدی و تعهد به شریعت، مردم‌باوری، مردم‌داری و مردم‌پاری در پی دارد.

نماینده ولی فقیه در سپاه در ادامه با تأکید بر اهمیت واقع‌بینی، واقع‌گویی، رعایت انصاف و اخلاق گفت: «اخیراً به دروغ گفته شده که از سوی اینجانب نامه‌ای در خصوص یکی از افراد به شورای نگهبان ارسال شده است، روز دیگر هم احتمال دارد دروغ دیگری بگویند، اما تأکید می‌شود سپاه هیچ‌گاه ورود مصداقی در انتخابات له یا علیه کسی نخواهد داشت.»

نماینده ولی فقیه در سپاه تصریح کرد: «به همه عزیزان پاسداری که قصد ورود به عرصه انتخابات را دارند به صورت یکسان تذکرات شفاهی و کتبی داده شده است تا نسبت به رعایت

همایش بزرگداشت هفته عقیدتی-سیاسی در سپاه همزمان با سالروز شهادت استاد شهید علامه مرتضی مطهری در تالار جلسات شهید میثمی نمایندگی ولی فقیه در سپاه و به صورت ارتباط تصویری با رده‌های سپاه در سراسر کشور برگزار شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبدالله حاجی‌صادقی، نماینده ولی فقیه در سپاه در این همایش با اشاره به فرصت ماه رمضان و اهمیت شب قدر و توصیه به استفاده حداکثری از آن برای متعم شستن از رحمت رحمانیه خداوند، گفت: «امروز دشمن بیش از ایجاد انحراف عملی به دنبال ایجاد انحرافات فکری و عقیدتی است و برای مقابله با این انحرافات اگر بخواهیم فردی را الگو قرار دهیم، این الگویی تواند شهید مرتضی مطهری باشد.»

حجت‌الاسلام والمسلمین حاجی‌صادقی ادامه داد: «اسلام ذوالایعاد است و ایعادت در هم تنیده است و همه را باید با هم دید و قابل تمکیک و جداسازی نیست. برخی را بهانه عرفان از خدمت باز می‌دارد. برخی با شعار خدمت به خلق از خدا باز می‌مانند، اما مطهری به عنوان یک مربی الگو جامعیت داشت، هم عالم بود و هم عامل تعقلش مانع تعبدش نبود. عبادت با تحرک و روحیه انقلابی و جهادی همراه بود و در جای خود رفت و مهربانی داشت و اهل قاطعیت و شدت بود.»

نماینده ولی فقیه در سپاه در بخش دیگری از سخنان خود پس از اشاره به موضوع انتخابات با بیان اینکه نباید به شایعات توجه کرد، گفت: «سپاه موضعش حضور حداکثری مردم در انتخابات و انتخاب هوشمندانه با شاخص مهم ولایت، ولایت‌مداری و ولایت‌محوری است.» وی امیر المؤمنین (ع) را الهی‌ترین و در عین حال مردمی‌ترین حاکم تاریخ توصیف کرد و افزود:

مقاومت، ایستادگی و مجاهدت مردم را کم‌رنگ کنند که یکی از ابعاد در همین پروژه مشهود است.»

نماینده ولی فقیه در سپاه گفت: «متأسفانه انگیزه انتخاباتی پشت تخریب دیگران و کوچک کردن انسان‌های بزرگ بوده و برخی در پی بزرگ کردن خود از طریق کوچک نشان دادن انسان‌های دیگر هستند.»

نماینده ولی فقیه در سپاه افزود: «مگر خورشید نورانی حاج قاسم را می‌توان کم‌رنگ کرد و بارویکردها و هدف‌گذاری‌های انتخاباتی به تحریف تاریخ و توجیه عملکردهای غلط پرداخت.»

نماینده ولی فقیه در سپاه با اشاره به محتوای این صوت افزود: «متأسفانه در این فایل صوتی اتهامات دروغ و نسبت‌های ناروایی به صورت مستقیم و غیر مستقیم به سپاه پاسداران، نیروی قدس و شهید بزرگوار حاج قاسم سلیمانی داده شده است که عموماً هم واقعیت ندارد.»

دکتر حاجی‌صادقی گفت: «شما با آن اظهارات بی‌اساس و نادرست نه فقط به حاج قاسم، بلکه در حق همه شهدا و خانواده‌های معظم آنان جفا کردید و انگار مفهوم شهادت را نمی‌دانید!»

نماینده ولی فقیه در سپاه با بیان اینکه سزاوار نبود نسبت به افتخارات ملت اینگونه سخن بگویند، خاطر نشان کرد: «بدانید خدا ناظر و حاضر است و شهیدان این انقلاب را حفاظت می‌کنند و اگر کسی در حق آنها ظلم و جفا کند عاقبت خوبی ندارد.»

دکتر حاجی‌صادقی در پایان با تأکید بر اینکه هزینه‌های میلییاری برای کارنامه‌سازی نه تنها محبوبیت نمی‌آورد، بلکه منافع کشور را به چالش می‌کشد، گفت: «محبوبیت ناشی از تصرف قلب مردم است؛ همان چیزی که پشت پیکر قطعه قطعه شده حاج قاسم آفریده شد؛ بدانید این بی‌عدالتی‌ها و بی‌انصافی‌ها را تحمل می‌کنیم، اما هرگز فراموش نمی‌کنیم.»

در گفت و گو با محمد حسن اصفهانی عنوان شد

عکاسی از مزار شهدای ایران تا لبنان



سعید تارخان

«محمدحسن اصفهانی» عکاس و فعال رسانه‌ای حوزه مقاومت است و عکاسی از مزار شهدا در ایران و لبنان را در کارنامه خود دارد. در ادامه در مصاحبه‌ای با وی کم و کیف این مسائل را جویا شدیم.

فعالیت شما از چه زمانی شروع شد؟

آغاز فعالیت من از سال ۱۳۸۵ با عکس‌برداری از مزار شهدا کلید خورد. نقطه آغاز این کار با گلزار شهدای بهشت‌زها بود و تاکنون بعد از چندین سال، ۶۰ درصد گلزار شهدای کشور را پوشش داده‌ام. در این ۱۵ سال این اقدام تنها به صورت انفرادی نبوده و دوستان دیگری نیز در این راه به بنده کمک کرده‌اند و همه آثار جمع‌آوری شده در سایت شفیق فکه یا دانشنامه شهدا موجود است؛ این دانشنامه شهدایی در سال ۱۳۹۷ با حضور سردار

«محمدعلی جعفری» فرمانده وقت سپاه رونمایی شد. عکس‌برداری از مزار شهدای مقاومت لبنان وجه دیگری از این فعالیت است و تاکنون از مزار ۵۸ نفر از شهدای حزب‌الله لبنان عکس‌برداری شده است که از میان این افراد تعدادی مدافع حرم و تعدادی از آنها از شهدای جنگ لبنان و اسرائیل بوده‌اند.

کارتان را چگونه پیش بردید؟

بنده و بسیاری از دوستان دیگر با هزینه‌های شخصی و بدون هیچ حمایتی از سازمان یا نهاد خاصی، تعداد زیادی از گلزارهای شهدا را پوشش تصویری دادیم که کار ارزشمند و ماندگاری شده است.

برای ادامه کارهای خود چه برنامه‌ای در این حوزه دارید؟

ما برای فعالیت خود یک چشم‌انداز بلندمدت در نظر داریم تا این حرکت را سازمانده‌ی تر و منسجم‌تر پیش ببریم. حفظ و گسترش فرهنگ شهدا یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی است که می‌توان بر اساس بیانات رهبر معظم انقلاب، در فضای مجازی تولید محتوا کرد.

تجهیزات مربوط به این کارگران است، در این حوزه برای تأمین تجهیزات با جای و ریزنی نکرده‌اید؟

یکی از چالش‌هایی که در مسیر این فعالیت وجود دارد، مشکلات لجستیکی است که قدم گذاشتن و فعالیت در این مسیر را با دشواری‌هایی همراه کرده است؛ با داشتن تجهیزات و امکانات بیشتر به مراتب می‌توان اقدامات گسترده‌ای انجام داد؛ از این رو از هر کسی که پشتیبانی کند، استقبال می‌کنیم.

آیا در حوزه عکاسی از مزار شهدا کار شاخصی هم هست که هنوز نتوانسته

باشید انجام دهید؟

پوشش و عکس‌برداری به خصوص شهدای اهل سنت در مناطق سنی نشین می‌تواند اهداف و نتیجه‌های مثبتی را به ارمغان آورد، پرداختن به شهدای جبهه مقاومت هم مهم است. این کار فرهنگی ظرفیت بین‌المللی شدن در سطح کشورهای محور مقاومت را دارد؛ به دنبال این هستیم که بتوانیم نهاد غیرانتفاعی، اما با رویکرد بین‌المللی تأسیس کنیم تا راحت‌تر و دقیق‌تر در کشورهای محور مقاومت فرهنگ شهادت را انتشار دهیم. در همان زمان که در جنوب لبنان مشغول کار بودم، برخی اهالی و رزمندگان لبنانی چنین پیشنهادی دادند.

اکنون که محور مقاومت بسیار گسترده شده و در شرایط فعلی، تعداد زیادی از رزمندگان محور مقاومت در یمن، عراق، سوریه به شهادت می‌رسند، می‌توان برنامه‌ریزی و هماهنگی ایجاد کرد که عکاسان یمنی شهدای انصارالله و رزمندگان حشدالشعبی و مدافع حرم از عراق و سوریه گزارش تصویری به دست آورند.

۱۵ پاسدار شماره ۱۹۹۸ | دوشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۰

روى خط چرا نوای ماهانه تعطیل شد؟

۰۹۱۸۰۰۰۰۲۷۵ / آگه امکانش هست، خدمات کارکنان به جای شارژ هر سه ماه کارت یکسان‌سازی، هر شش ماه یا سالانه، برنج، روغن، رب و... بهمون بده. ۰۹۱۴۰۰۰۸۹۶۱ / طاعات و عبادات قبول، سردار دل‌ها شهید حاج قاسم فرموده بودند قبل از شهید شدن باید شهید باشیم، خودشان نیز به این امر عامل بودند؛ همچنان که رهبر معظم انقلاب بارها فرموده بودند آقای سلیمانی شهید زنده است، همه شهدای عزیز ما قبل از شهید شدن به این مقام دست یافته‌اند، حال در ماه مبارک از خداوند توفیق شهادت بخواهیم. ۰۹۱۷۰۰۰۱۸۹۴ / باتوجه به اینکه مجتمع مسکونی شهید مطهری شیراز متأسفانه فاقد مکان فرهنگی و مذهبی است، ضمن اینکه زمین آن در داخل مجتمع مهیاست، صمیمانه استدعا داریم از طریق رایزنی با بنیاد برکت یا سایر دستگاه‌های متولی فرهنگی مجدانه پیگیر بوجه‌های برای ساخت باشیم. «انامور» از شیراز ۰۹۱۹۰۰۰۲۲۶۹ / سلام دی ماه فرزند چهارم به دنیا آمده است؛ ولی با وجود تشکیل پرونده، ۵ امیلیونی تولد فرزند واریز نشده است! ۰۹۳۷۰۰۰۲۴۸۲ / سلام، دولت یارانه کمک معیشتی برای چهار نفر را ۱۷۲ هزار تومان اعلام کرد؛ ولی بانک انصار ۲۰ هزار تومان کمتر واریز کرد! ۰۹۱۵۰۰۰۸۸۱۲ / لطفاً به اطلاع مسئولان امر برسانید که مبلغ شارژ کارت اتکا به ازای هر نفر، چرا با افزایش تورم تغییری ندارد؟ ۰۹۳۹۰۰۰۹۳۷۸ / چرا سیستم نوای ماهانه دوباره راه‌اندازی نمی‌شود؟ ۰۹۱۴۰۰۰۸۸۸۲ / با سلام دی ماه ۹۹ مدارک کارت ایثار را تحویل سپه سیدالشهدای ارومیه دادم؛ اما هنوز خبری نیست! بنده در بیمارستان شهید محلاتی جراحی شبکه چشم دارم و برای تخفیف در هزینه‌ها به آن نیاز دارم. در استعلام‌ها تسریع کنند، ممنون می‌شویم. ۰۹۱۲۰۰۰۲۱۷۵ / باتوجه به نزدیک شدن به انتخابات، متأسفانه وضعیت کرونا و اجازة نمی‌دهد که کارهای ترویجی و تشویقی در خصوص دعوت مردم به انتخابات و بیان اهمیت مسئله انتخابات انجام دهیم؛ اما نایبند از ظرفیت‌های فضای مجازی هم غافل شویم. به نظر شبکه‌سازی لازم است. ۰۹۱۲۰۰۰۹۸۳۶ / بازنشستگان نیروهای مسلح چگونه در برابر کرونا واکسینه می‌شوند؟ ۰۹۱۷۰۰۰۸۹۷۷ / زن و بچه‌های افرادی که در جامعه معاند هستند و هیچ درآمدی ندارند، باید چکار کنند؟ آیا نباید زن و بچه‌های بی‌گناه آن معاند تحت پوشش سازمان‌هایی، مانند سازمان بهزیستی و کمیته امداد قرار گیرند تا آن خانواده‌ها زندگی‌شان متلاشی نشود!

ستون روی خط هفته نامه صبح صادق پذیرای نظرات، انتقادات و محلی برای بیان مشکلات و حرف‌های مخاطبان است. از فرماندهان و مسئولان محترم سپاه و نیروهای مسلح هم انتظار دارد با توجه ویژه به موارد مطرح شده در این ستون پاسخ‌های خود را برای درج هفته نامه صبح صادق به رایانامه: info@ssweekly.ir یا نامبر: ۷۷۴۸۸۲۴۶ ارسال کنند.

۳۵۳۳۴۵۰۶
۳۵۲۳۲۴۲۲

ارتباط با سردار صفری مشاور امور ایثارگران فرمانده کل سپاه

فراخوان شانزدهمین جشنواره انتخاب کتاب سال پاسداران اهل قلم

مجلس ویژه آثار مکتوب (کتاب) مکتب شهید قاسم سلیمانی

مهلت ارسال آثار: ۱۴۰۰ اردیبهشت

نشانی صندوق پستی شماره: (۱۶۴۶۵/۱۱۳)

www.pasdaraneahleghalam.ir

برادر پاسدار جناب آقای رحمت‌الله قنبریان معاون محترم سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه استان تهران

ضایعه غم‌انگیز فقدان پدر بزرگوارتان تنها چند روز پس از رحلت مادر مکرمه‌تان را که مقتدر به تربیت فرزند، چون شهید نعمت‌الله قنبریان بودند، به جناب‌عالی و خانواده محترم تسلیت عرض می‌کنیم و آرزو مندیم آن دو عزیز سفر کرده مهمان سفره اهل بیت (ع) باشند.

معاونت سیاسی سپاه و هفته‌نامه صبح صادق

برادر پاسدار جناب آقای علیرضا اسماعیلی معاون محترم سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه استان چهارمحال و بختیاری

مصیبت فقدان والد گرامی‌تان را به جناب‌عالی و خانواده محترم تسلیت عرض کرده و برای شما و همه بازماندگان صبر و شکیبایی و برای آن مرحومه غفران الهی مسئلت می‌کنیم.

معاونت سیاسی سپاه و هفته‌نامه صبح صادق

صبحانه

بزرگ ترین دام شیطان

هیچ وقت نباید بیش از اندازه به خود اطمینان داشته باشیم و فکر کنیم خیلی آدم خوبی هستیم. شرط کمال این است که اگر همه مردم ما را کامل می‌دیدند، ما درصدد رفع نواقص درونی خود باشیم و این نفس سرکش را لگام بزنیم. خطر هوای نفس را جدی بگیریم. راضی بودن از نفس، بزرگ ترین دام شیطان است. اگر رحمت و لطف خدا نباشد و یک لحظه به حال خود را شویم، سقوط حتمی است.

صادقانه

روز پاداش نیکوکاری

امام حسن مجتبی (ع) در روز عید فطر گروهی را دید که مشغول بازی و خنده بودند. پس به اصحاب خویش فرمود: همانا خداوند ماه رمضان را میدان مسابقه برای بندگان خود قرار داده است تا با طاعت و عبادت خود برای رسیدن به رضوان و خشنودی خداوند از یکدیگر پیشی بگیرند. پس گروهی در این میدان ناخستند و فائز شدند و عده‌ای دیگر عقب افتادند و زیان دیدند. پس شگفتا از آنکه به خنده و بازی مشغول باشد در چنین روزی که نیکوکاران در این روز پاداش می‌یابند و تقصیر کاران زیان می‌بینند. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۱۱

تلخند

راه سردار

پرچمت بر زمین نخواهد ماند! استمرار راه شهید سلیمانی آزادی قدس است



کتیبه سبز

گل نرگس اگر آید...

الای ای دوستان عید صیام است
چه بنشینید این عید قیام است
طلوع صبحدم را این روایت
هلال ماه نور این پیام است
خوشا حال تمام روزه‌داران
که حسرت شد نصیب روزه‌خواران
ره صدق و صفا پویید امشب
جمال یار را جوید امشب
وضو گیرید با عطر بهشتی
به مهدی تهنیت گوید امشب
خوش آن عیدی که با دلدار باشیم
همه با هم کنار یار باشیم
اگر چه عید فیض و عید نور است
اگر چه عید شوق و عید شور است
اگر چه عید مجد است و سعادت
تمام عیدها روز ظهور است
بدون یار، گل خار است و خار است
گل نرگس اگر آید بهار است

غلامرضا سازگار

جوان

از آرزو تا خوشبختی

محبوبه ابراهیمی

پژوهشگر سبک زندگی

آرزو و خیال، مقدمه بسیاری از موفقیت است؛ در واقع آرزو را می‌توان فصل مشترک زندگی بسیاری از انسان‌های موفق دانست.

البته نکته مهم در انتخاب آرزوها، امکان دستیابی به آنهاست.

جوانی، به عنوان دوره مهم زندگی که با آرزو پیوند عمیقی دارد، بیش از مقاطع دیگر در مسیر این آسیب‌ها قرار دارد. از سویی با تعریف اهداف بزرگ و تلاش برای تحقق آنها می‌تواند به نقطه طلایی زندگی تبدیل شده و سکوی پرتاب برای آینده‌ای موفق باشد، اما با روی‌پاندازی‌های واهی و توهم دستیابی به ثروت فراوان و کسب موقعیت‌های بی‌نظیر، می‌تواند آسبیبی بزرگ در مسیر جوانی باشد.

امید و پشتکار از مؤلفه‌های مهمی است که در مسیر تحقق آرزوهای دست‌یافتنی به جوان یاری می‌رساند. در مسیر تحقق آرزوها شکست‌ها و زمین خوردن‌هایی وجود دارد که جز با پشتکار و روی پای استادن مجدد قابل رفع نیستند. مسیر رسیدن به آرزوها مسیر ناهموار و طولانی است که با توکل و امید می‌توان از آن عبور کرد و در ساحل آرامش به تماشای موفقیت‌ها و آرزوهای محقق شده نشست.

نقیسه محمدی

دبیر گروه جوان



میرزا مشغول صحبت با رئیس بانکی بود که به تازگی دخترش را در بیمارستان بستری کرده بود. نان تازه را از دستش گرفتیم و گفتیم: «بابا تو که کار داشتی واسه چی معطل نونوایی شدی می‌گفتی خودم می‌گرفتم.» مرد شریف و بزرگواری بود و برای همه قابل احترام، دست‌هایش را شست و سر سفره کوچکی که روی میز انداخته بودم، نشست. - نه دیگه مرده و قولش...

گفتم: «اراسی میرزا کارت درست شد خداروشکر، الان دیگه خیالت راحت، برو قرارداد خوئه رو ببند، این رئیس بانک حرفش حرفه، بگه وام می‌دم حتما می‌ده...»
با خنده تلخی نگاهم کرد. بعد آرام گفت: «درست میشه! ولی...»

داستان

رنگ و بوی خدا

کمی نگران شدم. پرسیدم: «چیزی شده مگه؟ همین الان بهت قول داد که وامت رو درست می‌کنه.» مشغول صبحانه شد.

- تو به این می‌گی قول؟ چقدر ساده‌های جون! یک لحظه از کلمه «جون» به تفاوت سنی خودم و میرزا و تجربه‌های بی‌نظیرش فکر کردم. خیلی به این مقوله دقت نمی‌کردم، از بس که با هم رفیق بودیم. میرزا یک سال دیگر بازنشسته می‌شد و من جایش را می‌گرفتم. هر دو نگاهبان بیمارستان بودیم.

به چهره پر از سؤال من نگاه کرد، برای هر دو مان چای ریخت و گفت: «به چیزی رو خوب یاد بگیر! اونم اینکه به هیچ حرفی که از سر ناچاری زده می‌شه، اطمینان نکن! مثل وقتایی که مشکل داری و گرفتاری، با خدا هزارتا قرار می‌زاری بلکه مشکلت حل بشه و بعد یادت میره، اینجام بیمارستانه مردم انقدر مهربون می‌شن انقدر با خدا می‌شن اینقدر سعی می‌کنن گره از کار دیگران باز کنن که نگو و نپرس، اما همین که مریض شون خوب شد، همه چی یادشون می‌ره، داشت.

سلامت

روزهداری و تأمین آب بدن!

زهرا وحیدی نیا

کارشناس علوم تغذیه



چطور در حین روزهداری کمتر دچار تشنگی شویم؟ محدود کردن مصرف نمک در وعده‌های افطار و سحر در این دوران بسیار مهم و کمک‌کننده است. دریافت اضافه نمک بدن را مجبور به واکنش کرده و برای دفع این مقدار مازاد نیاز، مقادیر قابل توجهی آب از بدن دفع می‌شود. افزون بر آن، مصرف میوه و سبزی کافی می‌تواند بروز تشنگی در طول روز را به حداقل برساند. بهتر است میوه در فاصله افطار تا سحر و سبزی در هر دو وعده افطار و سحر و سالاد به خصوص در وعده سحر مصرف شود. از مصرف خوراکی‌های حاوی شکر زیاد پرهیز کنید؛ زیرا غذایی که حاوی مقدار زیادی شکر است (مانند شیرینی‌های ماه رمضان) ممکن است موجب کاهش آب بدن شما شود، در حالی که مصرف میوه‌هایی مانند هندوانه برای تأمین آب بدن انتخاب مناسبی است. هندوانه ۹۲ درصد آب دارد؛ پس یکی از بهترین راه‌های هیدراته ماندن بدن مصرف هندوانه است. فاصله بین وعده‌های افطار تا سحر آب و مایعات کافی از جمله آب، آب میوه و... بنوشید؛ اما از خوردن نوشیدنی‌های حاوی شکر و کافئین زیاد مانند قهوه پرهیز کنید، چرا که باعث دفع آب بدن می‌شوند.



راه نرفته

کنترل خشم

صدیقه سادات شجاعی

مشاور خانواده



طبق مطالعات روانشناسی خانواده، به هنگام خشم نسبت به حضور آن در درون‌تان باید آگاه باشید و با مفهوم پذیرش آشنا شوید و شیوه واکنش به خشم را یاد بگیرید. خشم یکی از احساسات انسان است که اگر به خوبی کنترل نشود، پیامدهای بسیار نامناسبی خواهد داشت. راهکارها:
۱- از عوامل ایجاد خشم دوری کنید و در زمان آرامش خود دلایل عصبانیت را کشف کنید.
۲- ورزش کردن و فعالیت بدنی یکی از بهترین روش‌ها برای کنترل خشم و عصبانیت است. این روش کمک می‌کند افکار منفی و استرس از شما دور شود.
۳- از احساسات خود آگاهی داشته باشید؛ زیرا آگاهی از احساسات و هیجانات و بیان آنها به کنترل و مهار آنها کمک می‌کند و منجر به درست فکر کردن و تصمیم گرفتن می‌شود.
۴- آب نوشیدن در صورت فضای مناسب در منزل، دوش گرفتن، آکسیژن رسانی به مغز را زیاد می‌کند و به شما آرامش می‌دهد.
۵- با کسی که می‌تواند آرام‌تان کند حرف بزنید.
۶- برای عصبانیت و واکنش خود در حالت خشم حتما عذر خواهی کنید. تکرار این عذر خواهی‌ها احساسی را برای‌تان به وجود می‌آورد تا کمتر خشم داشته باشید.
۷- خودتان باشید و قبول کنید که ممکن است اشتباه کرده باشید، زیرا هیچ انسانی کامل نیست.
۸- تنوع در احساسات و موقعیت‌های خود را فراموش نکنید؛ برای نمونه شوخ طبعی داشته باشید یا اگر ترافیک باعث خشم شما می‌شود از تنوع در وسیله رفت و آمد استفاده کنید.
۹- همیشه مراقب صحبت‌های منفی خود باشید، زیرا تفکرات منفی منجر به طغیان خشم می‌شود.
۱۰- همیشه در زمان حال زندگی کنید. به فرموده حضرت علی (ع) دیروز گذشته است و آینده هنوز فرانسیمه است... در پایان بهتر است بدانیم کنترل خشم به تمرین و ممارست نیاز دارد؛ زیرا یک مهارت است.

قبیله عشق

عراقی‌ها برایش ختم گرفتند



یکی از روزها که شهید پیدا نکرده بودیم، به طرف عباس هجوم بردیم و بنا بر رسم‌ی که داشتیم، دست و پایش را گرفتیم و روی زمین خوابانیدیم تا بچه‌ها به شوخی با بیل مکانیکی کمی خاک رویش بریزند. کلافه شده بودیم. شهیدی پیدا نمی‌شد. بیل مکانیکی را کار انداختیم. ناخن‌های بیل که در زمین فرو رفت تا خاک بر روی عباس بریزد، متوجه استخوانی شدیم که سر آن پیدا شد. سریع کار را نگه داشتیم. یک شهید پیدا کردیم. بچه‌ها در حالی که می‌خندیدند، به عباس گفتند: «بیچاره شهید تا دید می‌خواهیم تو رو کنارش خاک کنیم، گفت: فکه دیگه جای من نیست، باید برم جایی دیگه برای خودم پیدا کنم و مجبور شد خودش نشون بده.»

به نقل از شهید مجید پازوکی
همرزم شهید عباس صابری

عباس صابری سال ۱۳۵۱ متولد شد، از سال ۱۳۶۳ در بسیج شروع به فعالیت کرد و در ۱۳ سالگی قامت به لباس زیبای بسیج آراست و در سال ۱۳۶۴ در عملیات آبی-خاکی در منطقه فاو عراق شرکت کرد و مجروح شیمیایی شد. او با عضویت در کمیته جست‌وجوی مفقودین در سمت مسئول تخریب، همیشه در جست‌وجوی شهدا بود. سرانجام در روز هفتم محرم ۱۳۷۵ در کاتالی معروف به «المری» حین تفحص بر اثر انفجار مین در منطقه عملیاتی والفجر یک شهید شد. او در دوران تفحص شهدا برای اینکه بتواند دل عراقی‌ها را به دست بیاورد تا راحت‌تر تفحص کنیم، برای آنها هدیه می‌گرفت، لباس و میوه و سیگار می‌برد و در مجموع با آنها با مهربانی رفتار می‌کرد؛ بعد از شهادتش عراقی‌ها برای عباس مراسم ختم گرفتند.

حسن ختام

کوله بار مان خالی است...

حسن نوروزی

نویسنده

این ماه رحمت هم دارد هم انتهای خودش می‌رسد و ما هنوز با کوله‌باری از حسرت در ابتدای جاده ایستاده‌ایم. مولای من، قلم عاجز است از شرح بی‌نمری ما، ماه مبارک رمضان همچون میوه منضوج روی شاخه درخت بود که با اندک دست انداختنی به چنگ می‌آمد، اما ما چه کردیم؟ با دست‌های خالی آمدیم و بی‌هیچ بهره‌ای، حتی به قدر ثمن‌بخسی، داریم برمی‌گردیم. خلاصه اینکه ما عروس کام گرفتن از حلاوت این ماه، تنها آمدیم برای شمایلش سخن رانندیم و به خیال‌مان آب بستیم که آری! فهمیدیم، اما حقیقتش این بود که هیچ نفهمیدیم. همین.

امام زمانم (عج)، دست اعمال‌مان خالی است، شما را به حق پدرتان که فریاد «فرت و رب الکعبه» اش هنوز زیر سقف این آسمان بلند می‌پیچد و بر آن‌آنکه طریق حق می‌پیماند، بانگ می‌زند و راهنمایی می‌کند و انداز می‌دهد، نگذارید دست خالی از این دروازه رحمت خروج کنیم.